



گیلان منطقه ای پر از فرصت

رسیدن به رشد هشت درصدی با «توسعه دریا محور»

گیلان بی نظیر در جهان

واگذاری ملک حقوقی به اشخاص حقیقی

محبوس در زندان تن

پرونده قضایی برای ۳۰۰ هزار تومان

ز بزن ج میدم



تیراژه

TIRAJEH
(صنعت ساختمان)

نمایندگی کاشی تبریز و کاشی مرجان در استان گیلان



FIND US



instagram.com/tirajehsanat ۳۳۷۶۴۰۰۰-۳

رشت، تقاطع دیلمان، ساختمان تیراژه

مجمع متخصصین با هدف کمک به حضور فارغ التحصیلان در بازار کار فعال است

ماهنامه گیلان فردا -

تقریباً بیش از یک دهه از تشکیل مجمع متخصصین ایران می گذرد. اما برخی از افراد هنوز اطلاعات زیادی از چگونگی فعالیت این مجمع ندارند. به همین دلیل این سوال افکار عمومی را از دکتر اسماعیل مویدی قائم مقام دبیر کل مجمع متخصصین کشور «استان گیلان» پرسیدیم. پاسخ ایشان را در ادامه می خوانید:

امروزه نیروی انسانی مهمترین عامل توسعه است. در گذشته اعتقاد بر این بوده که سرمایه و منابع مادی روند توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور را تعیین می کند، اما در جهان کنونی منابع انسانی کار آمد در این

مجمع متخصصین ایران مرکز گیلان نیز از مهر ماه سال ۱۳۸۱ با پذیرش داوطلبان عضویت از فارغ التحصیلان دانشگاهی و اساتید دانشگاه شروع به کار کرد. این مرکز در حال حاضر با دارا بودن بیش از ۴۰۰۰ عضو از فارغ التحصیلان دانشگاهی و متخصصین در حال فعالیت است. مجمع متخصصین دارای کارکرد ها و کمیسیون های تخصصی در گرایشات و رشته های متنوع است و تا کنون نشست های تخصصی مختلفی با مسئولین استان و نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مدیران شهری برگزار کرده است. این مجمع با هدف کمک به



امر تاثیر اصلی را دارد. منابع انسانی متخصص باعث افزایش سرمایه، بهره برداری و استفاده بهینه از منابع مختلف و ساخت و تولید روز افزون است. به عبارت دیگر منابع انسانی کار آمد، پیشبرد جامعه در راستای توسعه ملی را تضمین می کند.

مجمع متخصصین ایران به عنوان بزرگترین تشکل مدنی، با تصویب وزارت کشور در کمیسیون ماده ۱۰ با اهداف کلان متشکل از فارغ التحصیلان دانشگاه های سراسر کشور در جهت کمک به توسعه ایران اسلامی فعالیت رسمی خود را از آذر ماه سال ۱۳۸۰ آغاز کرده است. مجمع متخصصین ایران به عنوان یک نهاد مدنی توانسته است با ترکیبی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، رؤسا، اساتید دانشگاه ها، اعضای هیات علمی، کارشناسان و نخبگان پژوهشی کشور در زمینه توسعه همه جانبه متوازن و پایدار علمی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور در دو سطح ملی و منطقه ای، استراتژی کلان و درونی برای توسعه درازمدت ایران اسلامی تعریف کند. همچنین تامین نیروی انسانی متعهد، متخصص و با تجربه برای دستگاه های اجرایی کشور و نظام پارلمانی و بخش صنعت و مراکز دانشگاهی از دیگر اهداف این مجمع بوده است و با انسجام فارغ التحصیلان دانشگاهی اعم از شاغل یا فارغ التحصیلان فاقد کار با استفاده از انرژی و پتانسیل و ظرفیت های آنها، فردی متخصص و کار آمد راه را بر مدیریت مبتنی بر تفکر علمی جهت توسعه باز کند.

حضور فارغ التحصیلان در بازار کار، تا کنون بستر تاسیس شرکت های مختلفی در زیر مجموعه خود بوده است. همچنین تاکنون این مرکز جهت توانمند سازی اعضا دوره های آموزشی تخصصی از جمله سی آی اس و ایزو..... و زبان تخصصی و نرم افزار های تخصصی و همچنین کارگاه آموزشی درجه بندی چوب را برگزار کرده است.

البته معاونت آموزش و تحقیقات یکی از زیرمجموعه های مجمع متخصصین ایران «مرکز گیلان» است. مجمع متخصصین گیلان تا کنون همایش های تخصصی مختلفی نیز برگزار کرده است که از جمله همایش میراث ماندگار با همکاری سازمان میراث فرهنگی، جشنواره عکس برتر، شرکت در نمایشگاه های تخصصی که آخرین آن تا این تاریخ در عید فطر امسال جشنواره گل شمعدانی بود که توسط کار گروه گردشگری مجمع متخصصین گیلان در طی چند روز در شهرستان رشت و با حضور هزاران نفر شرکت کننده برگزار شد.

همچنین مجمع متخصصین ایران مرکز گیلان جهت حضور بیشتر نخبگان و متخصصین در عرصه انتخابات همواره حضور موثر و پر ثمری داشته است. مجمع متخصصین برای تحقق سند چشم انداز ۱۴۰۴، در راستای فرمایشات مقام معظم رهبری، تمام تلاش خود را در توجه ویژه به ثروت آفرینی از علم، حمایت از پژوهش و تحقیقات و بهره گیری از علم و فن آوری و اقتصاد دانش بنیان جهت توسعه روز افزون ایران اسلامی کرده است.

Guilan Pain Clinic



Guilan pain clinic

کلینیک چند تخصصی

درد گیلان

www.guilanpainclinic.com



با همکاری اساتید دانشگاه و پزشکان فوق تخصص و متخصص درمان
دردهای حاد و مزمن (با استفاده از روش های غیر تهاجمی و بدون نیاز به بیهوشی و جراحی)

مجهز به بخش های

- مداخله ای و اینترونشنال (کم تهاجمی و بدون نیاز به جراحی)
- لیزر
- زیبایی
- رادیو فرکونسی و اصلاح عصب
- PRP و پلاسمای غنی از پلاکت
- طب سنتی
- طب سوزنی
- امپدینگ (کاشت نخ)
- آزون تراپی
- ماساژ درمانی

درمان

- با روشهای غیر جراحی و کم تهاجمی
- دردهای ستون فقرات، کمر درد، درد گردن
- دردهایی ناشی از آرتروز و مفاصل، درد زانو، درد شانه
- دردهای سرطانی و پیچیده
- سر درد و درد ناشی از میگرن

مشاوره با متخصصین

- ارتوپدی
- نورولوژی و مغز و اعصاب
- روانپزشکی و روان شناسی
- فیزیوتراپی و طب فیزیکی
- انکولوژی

با هم برای آینده ای بدون درد

رشت. تقاطع بلوار شهید انصاری و کلباغ نماز. جنب MRI مارلیک. ساختمان گیلان

تلفن: ۳۳۷۳۴۵۳۹ * ۳۳۷۳۱۶۳۴ - ۰۱۳

شماره پیام کوتاه: ۱۰۰۰۱۳۳۳۷۳۱۶۳۴

اطلاعات تکمیلی را در وب سایت تخصصی کلینیک درمانی گیلان مشاهده نمایید.

بانک ملی ایران

سی و ششمین مرحله

قرعه کشی حساب های قرض الحسنه پس انداز



جایزه ویژه

۸۷

۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریالی

۱۰۸۷

کمک هزینه سفر
زیارتی (عتبات عالیات)
۳۰ میلیون ریالی

۳۸۷

کمک هزینه خرید
خودرو
۳۵۰ میلیون ریالی

۲۱۸۷

کارت خرید صنایع دستی
و فرش دستباف
۱۰ میلیون ریالی

۳۴۸۸۷

سکه ربع
بهار آزادی

۵۰۸۷

سکه تمام
بهار آزادی

۱۰۸۸۷

سکه نیم
بهار آزادی

و بالغ بر ۸۰۰ هزار فقره جایزه نقدی ۵۰۰/۰۰۰ ریالی دیگر

حداقل موجودی ۵۰۰/۰۰۰ ریال

www.bmi.ir



مرکز تخصصی آموزش سنتور به کودکان و بزرگسالان

دارنده گواهی نامه و تأییده جهانی IWA2 و ISO 9001 از کانادا

دارنده پنج رتبه نخست و ده رتبه برگزیده از جشنواره موسیقی آموزشگاه های استان

- بنیانگذار متد نوین در آموزش موسیقی کودکان ● برگزاری کلاسها بصورت خصوصی ● تشکیل و سرپرستی گروههای هنرجویی ● برگزاری کنسرتهاى منظم هنرجوی
- مرکز تخصصی آموزش سنتور به کودکان ● برگزاری کلاسهای کنکور موسیقی ● سالن اختصاصی جهت تمرین و کنسرت ● تخفیف ویژه برای دانشجویان

دپارتمان موسیقی ایرانی

آواز: ماری بیابانگرد سنتور: امیر امیری ویلن و کمانچه: امیر ادرلکی تار و سه تار: آرمین امیری سه تار: ناصر پاکروری
تنبور: کورش قزوینه نی: یاسر قلی زاده ویلن و کمانچه: محمد انشایی تار و سه تار: حمید سماعتی تنبک: آرین قلی پور
دف: مهدی سنگی کرمانشاهی تنبوری و کنتور موسیقی: امیر امیری

دپارتمان موسیقی جهانی

گیتار کلاسیک: سینا پحیی زاده گیتار الکتریک: محمد زنده دلان پیانو و کیبورد: بابک طوفانی موسیقی کودکان: مریم کوچکی زاده
گیتار کلاسیک: سعیده پاینده گیتار پاپ: حسین مرشد طلب پیانو: توحید نوری موسیقی کودکان: ندا محفوظی
ویلن کلاسیک: کیانوش صداقت فلوت و درامز: بهزاد جوانفکر هارمونیکا: علی عمو زاده سلفژ و آواز کلاسیک: وحید مومنی
سلفژ: وحید سلیمانی هارمونی: کتیرپوان، تاریخ موسیقی: علی احمدی فر صداسازی و آواز پاپ: علی صدوقی



فهرست

۸	الهی به امید تو
۱۰	سیاسی، اقتصادی:
۱۰	پیام رئیس جمهور
۱۱	دکتر ظریف
۱۱	بهبود جایگاه منطقه ای ایران در برنامه ششم
۱۲	پیام استاندار
۱۳	گیلان منطقه ای پر از فرصت
۱۴	رسیدن به رشد هشت درصدی با «توسعه دریا محور»
۱۶	هنوز...
	شهری:
۱۷	گیلان بی نظیر در جهان
۲۰	از بوسار تا گلزار
۲۲	ملک حقوقی واگذار شد به اشخاص حقیقی
۲۳	تخریب یا احیا
۲۴	گل بکاریم، آشغال نریزیم
	یادداشت:
۲۵	تشکیل پرونده قضایی برای ۳۰۰ هزار تومان
۲۶	برگزاری یازدهمین نمایشگاه کتاب
	فرهنگی و هنری:
۲۷	مطبوعات محلی در عرضه مطالب و تولید محتوا فعالتر باشند
۲۸	دیروز، امروز، فردا
۲۹	گیلانی ها غالباً نسبت به داشته های خود بی تفاوتند
۳۰	جای خالی شهر ها در قاب سینمای ایران
۳۱	در رشت هیچوقت تنها نمی مانید
۳۲	غذا می تواند تاریخ و فرهنگ یک ملت باشد
	آموزشی، اجتماعی:
۳۴	توسعه اجتماعی، سیاسی از کارکردهای آموزش و پرورش
۳۵	نخبه کشی
	اجتماعی:
۳۶	محبوس در زندان تن
۳۸	ز بزن ج میدم
۳۹	توی گروه میبینمت
۴۰	شکم صاف یا شش تکه
	موفقیت:
۴۱	مردی که مثل هیچکس نبود
۴۲	دخترهای کوچک هم می توانند کارهای بزرگ انجام دهند
۴۳	سه عضو هیات علمی دانشگاه گیلان دانشمندان برتر دنیا
	خبر، نظر:
۴۴	عیدی که غذا شد و ...
	انرژی - فناوری:
۴۶	ضرورت استفاده بهینه از انرژی برق
۴۷	محکم اما سبک
۴۸	زباله سوز بدون دودکش
۴۹	زیتون و گردشگری
	سلامت:
۵۱	سالم پیر شدن
	دفاع مقدس:
۵۴	شما هم خانواده شهید هستید؟

	ضرورت حمایت شرکت های دانش بنیان
	استفاده از خرد جمعی
	کتاب هایمان را به اشتراک بگذاریم
	قانون اصلاح قانون مالیات های مستقیم
	کسری منابع آبی
	مجمع متخصصین و کمک به حضور فارغ التحصیلان

بسم الله الرحمن الرحيم

ماهنامه اجتماعی- فرهنگی گیلان فردا

سال اول، شماره اول، مهر ۱۳۹۴

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: رقیه ابراهیم زاده اصلی

مدیر شورای سیاست گذاری: محمد کاظم شکوهی راد

مدیر تحریریه: سارا فرزانه

مدیر داخلی: ساناز فرزانه

مدیر پشتیبانی: محمد علی فرزانه

گرافیک: ماهان خوش رفتار

صفحه آرا: پیمان پیشگاه

حروف چینی: میترا مکرمی

ویراستار: فرشته فتوحی

چاپ و لیتوگرافی: شاهد

پشتیبان سایت: شرکت فناوری اطلاعات و ارتباطات بیدسان

با تشکر ویژه از جناب آقای شکوهی راد مدیر مسئول روزنامه گیلان امروز

نشانی: رشت، چهارراه میکائیل، پشت بانک مسکن مرکزی، پلاک ۱۰۵

کد پستی: ۴۱۸۴۹۱۳۷۳۶۶

تلفن: ۰۹۱۱۱۴۹۳۲۰۹

نمابر: ۳۳۳۵۵۵۲

پست الکترونیک: guilanfarda94@gmail.com

سایت: guilanfarda.ir

اینستا: GUILANFARDA94

همکاران این شماره: آقایان (دکتر کردوانی، دکتر امیراحمدیان، دکتر سیمبر، دکتر متقی طلب، دکتر مویدی، دکتر مولایی پور، دکتر تیزهوش، دکتر تیموری، دکتر نادرنی، مهندس خداینده لو، مهندس واهانیان، مهندس مهرپور، شکوهی راد، جکتاجی، هاشمی، پورمحسن، ضابطیان، محمد پور) و خانم ها (دکتر حساسخواه، دکتر شعبانی) و...

به نام خدایی که در این نزدیکی است

الله به امید تو



«بالاخره فردا آمد...»

همیشه ۱۴ سالگی برایم زیبا بوده است. وقتی به روزها و سال های قبل می اندیشم یادم می آید که تقریباً ۱۴ سال پیش وارد عرصه مطبوعات شدم. و امسال دقیقاً روز ۱۴ اردیبهشت متوجه شدم که با درخواست انتشار نشریه ام موافقت شده است. ۱۴ اردیبهشتی که مصادف با روز دوشنبه بود و من طبق قرار قبلی باید به دیدار مادر بیمار و عزیزتر از جانم می رفتم...

اما شادی من به واسطه دریافت مجوز انتشار ماهنامه خیلی کوتاه بود، چون متأسفانه در سحرگاه ۱۵ اردیبهشت مادر برای همیشه از پیش ما رفت...! (رفتنی که شرح ماوقع آن در روزنامه گیلان امروز به چاپ رسید) مادری که عاشق خواندن و نوشتن بود و اگر مشغله های ریز و درشت زندگی، فرصتی به او می داد شاید می توانست استعداد بالقوه اش را به فعل برساند و یک نویسنده شود اما هزار حیف که این رویای او مانند رویای هزاران زن دیگر سرزمینم هیچوقت به واقعیت نپیوست!

بهرحال شادی خبر دریافت مجوز نشریه جایش را با این غم بزرگ عوض کرد و من که هنوز طی هفت ماه قبل از آن نتوانسته بودم بر احساسات و عواطفم غلبه کنم تلاش کردم یاد مادر را نیز همچون دیگر عزیزانی که از کنارم رفته بودند سبز نگاه دارم. چرا که زندگی در جریان بود و من به جز تغییر خودم قادر به تغییر این اتفاقات نبودم، اما برای این کار به زمان نیاز داشتم. بنابراین تقریباً ۴ ماه از فرصت ۶ ماهه برای چاپ اولین نسخه گذشت تا بتوانم ظاهراً به روند عادی زندگی برگردم و خودم را از افکار متعارض تا حدی دور سازم...

خلاصه ی کلام اینکه با همه کم و کاستی ها در خدمت شما عزیزان باشم و طبق عادت دیرین با شما بگویم و از

حوزه برگرفته از «رفتار اجتماعی» است و گاه حتی نشات گرفته از رفتار اجتماعی در جوامع پیرامونی. از سوی دیگر اینکه با چه فرهنگی زندگی می کنیم و چه شیوه ای داریم خود در موفقیت یا عدم موفقیت در حوزه های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اعتقادی، سیاسی، اقتصادی، آموزشی، ورزشی، بهداشتی و پزشکی، هنری و... تاثیر گذار است. بنابراین تلاش می شود تا در شماره های آینده «ماهنامه گیلان فردا» با پرداختن به موضوعات متنوع از جنبه های مختلف اطلاعات جامعی به خوانندگان عزیز ارائه شود...

یکی دیگر از اصول کاری این نشریه همچون بسیاری از نشریات دیگر رعایت اخلاق حرفه ای و محترم شمردن حق مالکیت فکری و معنوی پدیدآورندگان آثار است و سعی خواهد شد در استفاده از هر متن، عکس و... ذکر منبع و یا نام صاحب اثر رعایت شود...

مانند همه کسانی که وقتی کاری را آغاز می کنند می خواهند کار خوبی ارائه دهند، ما نیز این تلاش و کوشش را داریم تا رضایت شما عزیزان جلب شود. البته امکان دارد در شماره های آتی تعداد صفحات ماهنامه کمتر یا بیشتر شود تا سرانجام به ثبات مورد نظر برسد. اما بی شک در این راه به ظاهرهموار، ولی در واقع پر فراز و نشیب نیازمند همکاری همه مخاطبان نازنین هستیم، مخاطبانی که اگر نباشند نشریه بی معنا خواهد بود...

نکته دیگر اینکه در ماهنامه گیلان فردا مانند بسیاری از همکاران رسانه ای، خود را ملزم به واقع بینی و واقع گویی می دانیم. به دنبال بزرگنمایی، کوچک نمایی و سیاه نمایی نیستیم و در چارچوب قانون و مقررات و

شما بشنوم. چرا که همیشه برایم فراتر از یک خواننده ی رهگذر بوده اید و آن قدر طی این سالها به من انرژی مثبت داده اید که دوست و محرم من شده اید و من همچنان در همان جایگاه خبرنگاری و نه مدیرمسئولی، نکاتی ۱۴ گانه را در آغاز اولین شماره با شما در میان می گذارم...

ماهنامه ی گیلان فردا با نقبی به گذشته و انعکاس وضعیت حال، با ارایه نظرات صاحب نظران به دنبال تصویر مناسبی از آینده گیلان است. تا وقتی حرف از توسعه می شود بدانیم گیلان در برنامه پنجم به کجا رسیده و قرار است در برنامه ششم توسعه به کجا برسد و با چه سازوکاری ...

ماهنامه گیلان فردا نشریه ای مستقل است و تلاش خواهد کرد طی انتشار با حفظ دیدگاه های شخصی همکاران، انعکاس دهنده ی نظرگاه افراد از طیف های مختلف باشد. البته شرط اصلی این تعامل رعایت حرمت ها و حریم هاست. بنابراین سعی خواهد شد با دور ماندن از افراط و تفریط در حد توان مطالب متنوع را از منابع موثق در اختیار خوانندگان عزیز بگذاریم...

لازم به یادآوری است با توجه به محوریت این نشریه، هر آن چیزی که بر جامعه اثر می گذارد و جامعه نیز بر آن تاثیر گذار است در این ماهنامه قابل طرح و بررسی است، چون تمامی علت ها و معلول ها و کنش ها و واکنش ها در هر

حقوق مطبوعات

ماده ۳ - مطبوعات حق دارند نظرات، انتقادات سازنده، پیشنهادها، توضیحات مردم و مسئولین را با رعایت موازین اسلامی و مصالح جامعه درج و به اطلاع عموم برسانند.

تبصره - انتقاد سازنده مشروط به دارا بودن منطق و استدلال و پرهیز از توهین، تحقیر و تخریب می باشد.

ماده ۴ - هیچ مقام دولتی و غیر دولتی حق ندارد برای چاپ مطلب یا مقاله ای در صدد اعمال فشار بر مطبوعات بر آید و یا به سانسور و کنترل نشریات مبادرت کند.

مقام معظم رهبری فرمودند:

ما معتقدیم که مطبوعات برای نظام جمهوری اسلامی یک مقوله تجملاتی و تشریفاتی نیست و افزایش تنوع و کیفیت آن، جزء کارهای اساسی نظام است.

آنچه که از مطبوعات یک جامعه مورد انتظار است، این است که معلومات مردم را بالا ببرد.

این کار و این مسئولیت به معنای اثرگذاری مستمر بروی ذهن و فکر یک مجموعه‌یی از مردم است که همین دارای اهمیت است؛ هر چند آن مجموعه وسیع نباشد و کوچک باشد.

بوده اند و همچنین از سایر همکاران عزیز این مجموعه، سپس از عزیزی که طی فعالیت مطبوعاتی همیشه به من انرژی مثبت دادند و هم اکنون نیز در کنارم هستند و قدردانی از گروه جدیدی که بواسطه «ماهنامه گیلان فردا» با آنها آشنا شده‌ام بدون شک حضور این دوستان تازه در بخش‌های مختلف ماهنامه گیلان فردا و حمایت و همراهی آنها با ما نه تنها وظیفه سنگین تری را برایم به ارمغان آورده است بلکه برای ارایه کاری در شان خوانندگان ارجمند و انجام بیش از پیش رسالت خبری مرا مصمم تر نیز کرده است... (مهرتان با ما پاینده باد)

مدیر مسئول

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:

ملاک ما قانون مطبوعات است و آزادی بیان در خصوص مطبوعات را به جز در مواردی که تخلف از قانون به شمار می‌رود و ممنوع شده، در سایر موارد رعایت می‌کنیم.

معاونت مطبوعاتی:

«قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات»، زمینه مناسبی برای شفافیت، پاسخگویی دستگاههای حکومتی و استیفای حقوق شهروندی را فراهم ساخته و گام بزرگی در راه تقویت مردم سالاری است.

در مورد «ماهنامه گیلان فردا» آگاه کنید. و چنانچه خواستید خیلی نوستالژیک عمل کنید برایمان نامه بفرستید...

به یاد دارم یکی از اساتید در زمان تحصیل می گفت: «عادت دارم وقتی کتابی را شروع می کنم از همان روی جلد تا پشت جلد را واو به واو بخوانم حتی کتاب درسی». شاید این حرف برای خیلی ها عجیب بود ولی از نظر من کار پسندیده ای به شمار می آمد. من حتی معلم و استاد سخت گیر تر را بیشتر می پسندیدم، البته شاگرد اول یا خیلی درسخوان کلاس نبودم ولی نمره دادن سرسری معلمان و استادان را هم دوست نداشتم. در هر حال آرزو می کنم با توکل به خدا و یاری همکاران عزیز و خوانندگان فهیم، شاهد روزی باشم که وقتی کسی «ماهنامه گیلان فردا» به دستش می رسد از روی جلد تا پشت جلدش را بخواند. نمی دانم این آرزویی رویایی است یا رویایی آرزو گونه! اما روانشناسان توصیه می کنند که آرزوهای بزرگ داشته باشیم و برای رسیدن به آنها صمیمانه و صادقانه تلاش کنیم و بقیه را به کائنات بسپاریم...

و اما لازم به ذکر است به تاسی از مدیران ارجمند در شیوه اشتغالزایی برای نزدیکان خود، من نیز پست های مدیریتی ماهنامه را به نزدیکان سپرده ام تا ضمن کارآفرینی با راه اندازی یک کسب و کار کوچک رسانه ای بر تعداد اشتغالزایی بیفزایم، امید که این مشاغل پایدار باشند...

البته ماهنامه گیلان فردا رسالت دیگری هم بر عهده دارد و آن معرفی هر چه بیشتر افراد خلاق و صاحبان ایده و فکر است. ایده ها و خلاقیت هایی که می توانند موجبات پیشرفت استان و کشور را فراهم آورند به این شرط که مورد توجه قرار گیرند و به مرحله تجاری سازی و تولید انبوه برسند. یقینا در میان شما خوانندگان ارجمند علاوه بر افراد خوش فکر و خلاق، سرمایه گذاران زیادی هم هستند که علاقمند به حمایت از نوآوران باشند. بنابراین «ماهنامه گیلان فردا» تلاش خواهد کرد تا پل ارتباطی عموم مردم و صاحبانظران و سرمایه گذاران با شرکت های دانش بنیان بوده و با معرفی تولیدات علمی فناوری این شرکت ها، قدمی در راستای اشتغالزایی و تولید ثروت از علم و نوآوری بردارد...

بی شک شماره های اولیه ی نشریه کاستی های فراوان خواهد داشت که طی کار خودش را نشان می دهد. امید که فرصت بهتر شدن را به ما بدهید...

در خاتمه بر خود لازم می دانم از همکاری چند گروه برای تهیه و تدارک این ماهنامه تشکر و قدردانی کنم. نخست از خانواده عزیزم که پیوسته پشتیبانم بوده و هستند و بعد از جناب آقای شکوهی راد مدیر مسئول محترم روزنامه گیلان امروز که پیوسته همراه و راهنمایم

با رعایت حریم ها تلاش خواهیم کرد در حد مقدورات، وضع موجود را انعکاس دهیم چون هنگامی که در مورد شرایط امروز اطلاعات نداشته باشیم نمی توانیم فردایی بهتر بسازیم. بنابراین وقتی صحبت از موفقیت هاست باید شکست ها و ناملایمات و کاستی ها را نیز مد نظر داشته باشیم که یا بواسطه قصوری آگاهانه ایجاد می شود و یا برگرفته از ناآگاهی و نابخردی است. اگر صحبت از هنجارها باشد باید ناهنجارها را هم مد نظر قرار دهیم. چون بیان کلیشه ای معلول ها بدون توجه به علت ها رهگشا نخواهد بود. و یا وقتی مطلبی در مورد موفقیت در بخش کشاورزی، صنعتی و غیره ارایه می دهیم باید در مورد خلا های موجود در این بخش ها که مانع و مخل پیشرفت هستند نیز بنویسیم. و یا وقتی از جذب سرمایه گذار صحبت می کنیم باید پاسخی برای این سوال افکار عمومی که چه کسانی و چرا سرمایه گذاران را فراری می دهند نیز داشته باشیم و الی آخر...

در این راه لازم است همگی تلاش کنیم تا ضمن دوری از خرافه های جدید و مدرن، تابوهایی را که در واقع تابو نیستند مورد بررسی، تعمق و تدقین قرار داده و به کمک اساتید و صاحبانظران برای کاهش بسیاری از ناهنجاری ها که خاص جامعه ما هم نیست راهکار منطقی ارایه دهیم. زیرا پاک کردن صورت مسئله نه تنها چاره کار نیست بلکه فراوانی ناهنجاری ها و آفت ها را افزایش داده و آنها را مزمن می کند...

بی شک همه ی ما در گذار از سنت به مدرنیته آن هم با سرعتی که طی دهه اخیر با آن روبرو بوده ایم سخت در تعارض هستیم و این طبیعی است، حتی اگر وانمود کنیم که چنین تعارضی وجود ندارد! اما از آنجا که همه چیز به جز «تغییر» دستخوش تغییر می شود باید عادت تغییر تفکر را در خود نهادینه کنیم تا بتوانیم در رویارویی با جامعه امروز و فردا بهترین و درست ترین عکس العمل را از خود بروز دهیم...

و اما از شما خوانندگان عزیز می خواهم بدون اینکه ما را قضاوت کنید، در مورد «ماهنامه گیلان فردا» نظر بدهید. ما نیز در ماهنامه قصد قضاوت شخص یا اشخاص و یا جریانی را نداریم. چرا که قضاوت سازوکار خود را می طلبد و باید به جمیع جهات توجه داشت و سپس حکم صادر کرد. بنابراین بی صبرانه منتظر نظرات شما هستیم. نقدمان کنید که به قول دوست عزیزی، بی نقد فتیر است. هر طور که دوست دارید نظر دهید، نقد مثبت، منفی و حتی کوبنده. که اگر چنین کنید منتی وصف ناپذیر بر ما گذاشته اید. هر چند که در جامعه ما رییس و مدیر و کارکنان هیچ سازمان و اداره و نهاد و ارگانی تحمل شنیدن نقد را ندارند و بیشتر به تعریف و تمجید عادت کرده اند اما به نظر می رسد تنها در نقد است که می توان گامی به جلو برداشت و برای رفع نواقص و معایب و کاستی ها راهکار پیدا کرد، البته به شرط وجود منطق و بدون حب و بغض. در هر صورت از طریق تلفن، پیامک، پی ام، سایت، ایمیل و اینستاگرام ما را از نظرات خود

بخشی از پیام رئیس جمهور

به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۹۴-۹۵

آغاز ماه مهر و فصل مدرسه را به همه معلمان، مربیان و دانش آموزان عزیز صمیمانه تبریک می گویم. مدرسه خانه امید دولت، مردم و آموزش و پرورش بنیادی ترین بخش توسعه کشورمان است. ما نیاز به مدرسه پویا و نوآور در شرایط کنونی کشور داریم و سازندگان اصلی این مدرسه معلمان و مربیان و دانش آموزان این سرزمین اند. راه رسیدن به این هدف از مدرسه و آموزش و پرورش ما می گذرد. استعداد و هوش فرزندان این زاد و بوم بالاست و باید به کشف و پرورش آنها بیشتر و بهتر بپردازیم. توانمندی آموزش و پرورش در تربیت دانش آموزانی است که قادر باشند در کنار تربیت ذهن با جامعه و جهان پیرامون خود به درستی ارتباط برقرار کنند؛ باید به آنها آموخت که جهان نو را خود بشناسند و در آن زندگی کنند و در عین حال تعلق خاطر به دین و فرهنگ و سرزمین خود داشته باشند. مدرسه ما باید بتواند دانش آموزانی متفکر، پرسشگر، نقاد و اخلاقی تربیت کند. مدرسه مطلوب ما مدرسه خلاقیت عقلانیت و گفتگو و مداراست. شما معلمان، مربیان و دانش آموزان عزیز باید به ما کمک کنید که به این مدرسه مطلوب نزدیک شویم، مدرسه ای که پناهگاه همه شما و ما باشد، البته می دانم که آموزش و پرورش ما تا رسیدن به این نقطه هنوز تنگناهای زیادی دارد. کمبودها و کاستی های اقتصادی و آموزشی، معلمان و دانش آموزان عزیز ما را در دستیابی آسان به این هدف با مشکل روبرو می کند. معلمان ما نیازمند زندگی عزتمندانه هستند تا تمام ذهن و توان خود را صرف آموزش و پرورش کنند و دانش آموزان به احترام و توجه بیشتر نیاز دارند تا بتوانند قدرت انتخاب خود را بالا ببرند.



دکتر ظریف: هم اندیشی بیشتر

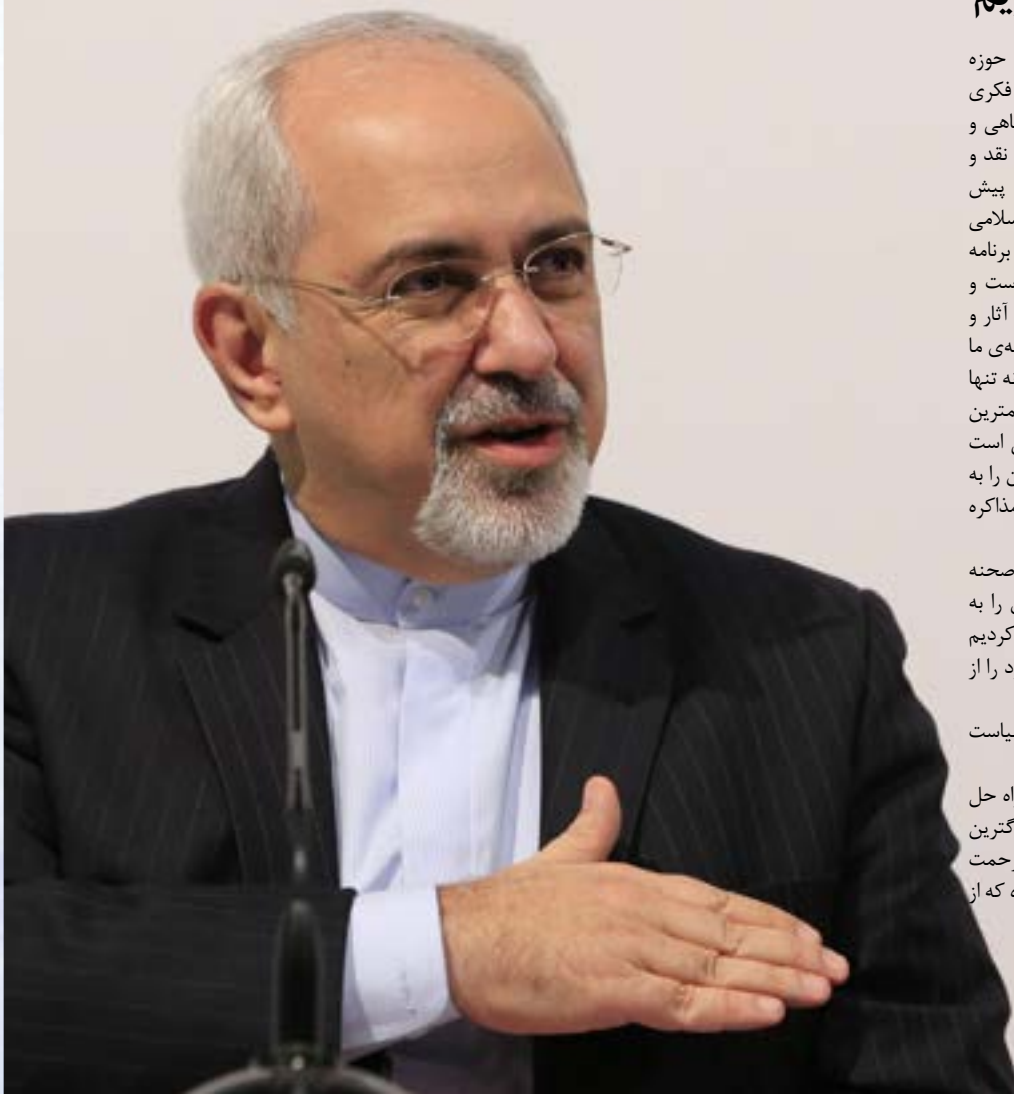
در سیاست خارجی احتیاج داریم

دکتر محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه معتقد است در حوزه سیاست خارجی بیش از سایر حوزه ها به هم اندیشی و هم فکری احتیاج داریم و نیازمند ارتباط مداوم بین محیط های دانشگاهی و محیط اجرایی سیاست خارجی هستیم تا بتوانیم با طراحی و نقد و نظارت سازنده به سمت اهداف عالی نظام جمهوری اسلامی پیش برویم. وی می گوید: امروز نه تنها سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بلکه منطقه و جهان به دنبال رسیدن به تفاهم در برنامه صلح آمیز هسته های کشورمان هستند و این امر بسیار مهم است و طلیعه بسیار خوبی از همکاری های سازنده را نشان می دهد و آثار و مواهب بسیار مهمی را برای کشور به دنبال خواهد داشت. وهمه می ما اذعان داریم که دیپلماسی هسته های در یک سال و نیم گذشته نه تنها یکی از موضوعات مهم سیاست خارجی ما بوده بلکه یکی از مهمترین موضوعات عرصه بین الملل پس از جنگ سرد است. موضوعی است که در مقاطع مختلف شش وزیر خارجه کشورهای عمده جهان را به یک شهر آورده که در مقابل نمایندگان ملت بزرگ ایران به مذاکره بپردازند.

شرایطی که به صورت ظالمانه از سوی برخی بازیگران در صحنه بین المللی در دنیا بر جمهوری اسلامی تحمیل شده و ما آن را به صورت کلی پروژه ایران هراسی و اسلام هراسی معرفی می کردیم به شدت خدشه دار شده و رو به زوال است و رنگ و بوی خود را از دست داده است.

وی می افزاید: سیاست مقام معظم رهبری مبتنی بر سیاست مقاومتی، ایران را آسیب ناپذیرتر کرده است.

ما ثابت کردیم ملت ایران اهل گفتگو، منطق و رسیدن به راه حل است و نشان دادیم ایران یک مذاکره کننده جدی است. و بزرگترین افتخار برای بنده و دوستان در تیم مذاکره کننده که واقعا زحمت اصلی مذاکرات بر دوش آنها بود و از آنها تشکر می کنم این بوده که از حمایت مقام معظم رهبری و حمایت مردم برخوردار بودیم.



بهبود جایگاه منطقه‌ای و جهان‌ای ایران یکه از اهداف اساسی برنامه ششم توسعه است

ایجاب می‌کند که این برنامه با شتاب و دقت بیشتری و نیز حساب شده تدوین و اجرا شود.

دبیر ستاد برنامه ششم توسعه با اظهار این موضوع که بحث آمایش سرزمین آن چنان که باید در برنامه‌های قبلی مورد توجه واقع نشده است، گفت: وجود نابرابری‌ها و عدم تعادل در گذشته در کشور نتایج نامناسبی پدید آورده، به گونه‌ای که در برخی مناطق و برخی زمینه‌ها، این نابرابری‌ها به دو برابر هم رسیده است.

دکتر دژپسند با بیان این که بسیاری از مناطقی که در حال حاضر در محرومیت به سر می‌برند، دارای توانمندی‌های قابل توجهی هستند، اظهار داشت: در تدوین برنامه ششم توسعه به این قابلیت‌های مناطق توجه خاصی می‌ذول خواهد شد.

وی رشد فراگیر و مستمر را در برنامه ششم توسعه بسیار با اهمیت توصیف کرد و گفت: هدف برنامه ششم توسعه رسیدن به رشد هشت درصدی در اقتصاد است و لازمه این تحقق، اشتغال پایدار و توجه به همه عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است.

معاون هماهنگی برنامه و بودجه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور همچنین اظهار داشت: لایحه قوانین دائمی برنامه ششم توسعه ۳۱ شهریور ماه ۱۳۹۴ به عنوان زیرساخت حقوقی به مجلس شورای اسلامی تقدیم خواهد شد و در این زیرساخت به حساب ذخیره ارزی و صندوق توسعه ملی اشاره شده است.

وی با بیان این که در تدوین برنامه ششم توسعه از دیدگاه‌های ۱۸۰ نفر از کارشناسان و صاحب‌نظران خارج از دستگاه‌های اجرایی استفاده شده، گفت: تاکنون ۲۹ شورای برنامه‌ریزی برای تهیه برنامه ششم توسعه تشکیل شده و در عین حال با فراخوان اعلام شده از دیدگاه‌های تمام صاحب‌نظران عرصه توسعه کشور بهره خواهیم برد.

دکتر دژپسند در خاتمه سخنان خود توجه به مضامینی از قبیل اقتصاد دانش‌بنیان، رقابت‌پذیری، توانمندسازی بخش خصوصی، بهبود محیط کسب و کار، شفاف‌سازی و کاهش فساد و پایداری محیط زیست را نیز در برنامه ششم توسعه مورد تأکید قرار داد.

نخستین جلسه عمومی اعضای ستاد برنامه و شوراها برنامه‌ریزی برنامه ششم توسعه با حضور دکتر محمدباقر نوبخت معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و با شرکت جمعی از وزراء و نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مدیران و کارشناسان این سازمان برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، دکتر محمدباقر نوبخت معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در این جلسه اظهار داشت: وظیفه اصلی ستاد برنامه‌ریزی برنامه ششم توسعه راهبری این برنامه است و در عین حال وظیفه اجرای برخی از تصویب‌نامه‌ها را هم با لحاظ کردن آینده‌نگری و آینده‌پژوهی دنبال می‌کند.

دکتر نوبخت گفت: کار مهم ما این است که از سال ۹۵ تا ۹۹، جایگاه ایران را در رقابت‌های منطقه‌ای و تحولات جهانی ارتقا بخشیم.

رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور با اشاره به ابلاغ سند چشم‌انداز بیست ساله کشور از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی گفت: بر اساس این سند و در افق ۱۴۰۴ به توسعه و بالندگی و جایگاه نخست علم و فن‌آوری در منطقه باید نایل شویم، اما با وجودی که در حال حاضر نیمی از زمان اجرای آن سپری شده و در عین حال اتفاقات غیرقابل پیش‌بینی متعددی هم رخ داده است که باید متناسب با تحولات به ویژه تحریم‌ها، اهداف تعدیل می‌شد. اما باید این نکته را در نظر بگیریم که هدف اصلی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، تحقق سند چشم‌انداز و بیست‌ساله است.

وی با تأکید بر این موضوع که دوره برنامه ششم توسعه از سال ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ و در افق ۱۴۰۴ بتوانیم به اهداف ترسیم شده برسیم، اظهار داشت: سمت و سوی برنامه‌ریزی در برنامه ششم توسعه به گونه‌ای باشد که با در نظر گرفتن آینده‌نگری و آینده‌پژوهی از تمام ظرفیت‌های موجود کشور باید استفاده کنیم. وی با تأکید بر این موضوع که برنامه ششم توسعه به لحاظ ماهوی و شکلی نسبت به برنامه‌های پیشین متفاوت خواهد بود، گفت: برنامه ششم توسعه به عنوان برنامه ماندنی دولت یازدهم باید از آسیب‌های برنامه‌های قبلی عاری باشد و آن آسیب‌ها نباید تکرار شود.

دکتر نوبخت با اظهار این موضوع که طی یک سال گذشته مقدمات تهیه برنامه ششم توسعه آغاز و بررسی شده، گفت: ما حتی می‌توانیم بخشی از انجمن‌های تخصصی و دیدگاه‌های صاحب‌نظران عرصه توسعه را در بخش‌های رسمی بگنجانیم.

وی در خاتمه سخنان خود اظهار امیدواری کرد که آنچه در برنامه ششم توسعه تصویب و گنجانده می‌شود، باید متناسب با شأن و منزلت بالای مردم کشور باشد.

گزارش مذکور حاکی است در ادامه نخستین جلسه عمومی اعضای ستاد برنامه و شوراها برنامه‌ریزی برنامه ششم توسعه، دکتر فرهاد دژپسند معاون هماهنگی برنامه و بودجه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و دبیر ستاد برنامه ششم توسعه گفت: برنامه ششم توسعه دارای ویژگی‌های خاصی است که آن را از برنامه‌های پیشین متمایز می‌کند.

وی افزود: کار تدوین برنامه ششم توسعه از تیرماه سال ۱۳۹۳ آغاز شده و بروز شکاف عمیق بین ایران و بعضی کشورهای منطقه





بررسی دستاوردهای هفته دولت

دولت تدبیر و امید به عنوان دولتی برخاسته از آراء عمومی مردم ایران اسلامی گامهای بلندی را در مسیر عزت و اقتدار این مرز و بوم برداشته است و هفته دولت که یادآور فداکاریهای فرزندان پاک نهاد و گرانقدر انقلاب و احیا کننده روزهای پرشور خدمتگزاری شهیدان بزرگ، رجایی و باهنر است به فرصتی تبدیل شد تا خادمان و خدمتگزاران ملت، بخشی از دستاوردهای نظام را برای مردم تشریح کنند و با بهره برداری از پروژه های عام المنفعه موجی از امید و نشاط را در جامعه بوجود آورند.

بی شک ایجاد آرامش و امید و توجه اساسی به احیای اخلاق در جامعه، پرهیز از تصمیمات عجولانه، اجرای طرح تحول سلامت در کشور، مهار تورم، به ثمرنشدن حقوق هسته ای کشور از طریق مذاکرات هسته ای و افزایش تعامل مثبت با جهان، تلاش در رفع موانع تولید و افزایش اطمینان به سرمایه گذاران، رسیدگی به مشکلات زیست محیطی کشور و پرهیز از رانتها، جلوگیری از انحصار و فساد و توجه به اشتغالزایی از دستاوردهای بارز و مشهود دولت تدبیر و امید است.

در هفته دولت سال جاری در گیلان نیز با تلاش و کوشش کلیه دستگاههای اجرایی و بخش خصوصی استان ۱۲۶۹ پروژه عمرانی با اعتباری بالغ بر هزار و ۱۵۵ میلیارد تومان در بخشهای مختلف از جمله صنعتی، کشاورزی، شیلات، عمران شهری، گاز رسانی، آبرسانی، برق رسانی، آسفالت راههای روستایی، فضاهای آموزشی، ورزشی، مسکن مهر، حمل و نقل، گردشگری، بنادر و دریانوردی به بهره برداری رسید.

در هفته دولت امسال همچنین شاهد رشد اعتبار هزینه شده و تعداد پروژه ها نسبت به هفته دولت سال گذشته بودیم. تعدادی از این پروژه ها با حضور وزیر محترم تعاون، کار و رفاه اجتماعی، راه و شهرسازی و معاونین محترم رئیس جمهور در امور مجلس و رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست کشور به بهره برداری رسید.

نگاهی به حجم انبوه افتتاح پروژه های عمرانی در هفته دولت امسال نشان از شتاب بخشیدن و تکمیل پروژه های نیمه تمام است.

دستاوردهای دولت در گیلان شامل کسب هفت دوره پیاپی رتبه ی نخست بهبود فضای کسب و کار، کمتر بودن میانگین تورم گیلان از میانگین کشور، کاهش آمار بیکاری از ۱۵،۵ درصد در ابتدای سال ۹۲ به ۱۳،۲ درصد در پایان سال ۹۳ و ۱۰ درصد در فصل بهار ۹۴، تقویت تعامل با احزاب و تشکلهای صنفی، سیاسی، صاحب نظران، اقوام و مذاهب، ساماندهی سواحل، تقویت پایه های امنیتی مرز در بستر اشتغال و سرمایه گذاری به خوبی حاکی از افقهای روشن برای گیلان بهتر و برتر است.

امیدوارم با سعی و تلاش و کوشش همه ی دستگاههای اجرایی و همدلی و همزبانی خوب مردم و رسانه ها بتوانیم در سایه هدایت های مقام معظم رهبری و سکنداری ریاست محترم جمهوری به برنامه های ترسیم شده در افق سند چشم انداز دست یابیم.

محمدعلی نجفی
استاندار گیلان

گیلان منطقه‌ای پر از فرصت است



ماهنامه گیلان فردا - قبل از اینکه صحبت های اصلی اش را شروع کند با خرسندی از اینکه در رشت است می گوید «من یک گیلانی هستم»...

خانم دکتر سیده فاطمه مقیمی عضو هیات رئیسه‌ی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران که در جلسه سرمایه گذاری رشت و در مورد فرصت‌های سرمایه‌گذاری در دوره‌ی پسا تحریم با تاکید بر اقتصاد گیلان سخنرانی می کرد با اعتقاد بر اینکه اقتصاد مقاومتی به معنی زجر کشیدن نیست بلکه افزایش گرایش به تولیدات داخلی و کاهش واردات محصولات خارجی است گفت: گیلان منطقه‌ای پر از فرصت است و بایستی برای این فرصت‌ها برنامه‌ریزی و از آنها به نحو درست استفاده کرد.

عالی رتبه در کشور هستیم که اتفاق خوبی در دوره پسا تحریم است. اما در بلند مدت، دو طرف خواستار تجارت و سرمایه گذاری های مشترک در زمینه هایی که مزیت نسبی دارند هستند.

♦♦♦ مزیت های اقتصادی گیلان ♦♦♦

وی در بخشی دیگر از سخنان خود با اشاره به مزیت های اقتصادی استان گیلان از جمله همسایگی با کشورهای حاشیه دریای خزر، گمرک و بندر، منطقه آزاد، محصولات کشاورزی استراتژیک و... گفت: رشد اقتصادی کشور و استان با سرمایه گذاری شکل می گیرد، اما سرمایه گذاری زمانی اتفاق می افتد که اهتمام وجود داشته و بستر کار آماده باشد.

لازم به ذکر است وی طی سخنان خود سولاتی با مضمون زیر را نیز طرح کرد:

- ♦ آیا بانک مرکزی ایران امنیت سرمایه گذاری طرف خارجی را تامین می کند؟
- ♦ اهداف و برنامه های بلند مدت کشور در خصوص صنایع و خدمات مختلف چیست؟
- ♦ میزان ریسک سرمایه گذاری در ایران چقدر است؟
- ♦ روش های نقل و انتقال پول و سرمایه چگونه است؟
- ♦ آیا بانک های خارجی امکان حضور در ایران را دارند؟
- ♦ زنجیره ارزش و صنایع پشتیبان برای سرمایه گذاری در صنایع مختلف وجود دارد؟
- ♦ آیا امکان برقراری ارتباط بین صنایع کوچک و متوسط با شرکت ها و سرمایه گذاران خارجی فراهم شده است؟

پرمفعت دانست و گفت: امروزه کشورها سعی دارند با استانداردسازی و بهبود شرایط و ایجاد مشوق های لازم از منابع سرمایه‌گذاران به بهترین نحو ممکن استفاده کنند.

♦♦♦ قوانین سرمایه‌گذاری ♦♦♦

وی با تاکید بر اینکه در کشور ما قوانین خوبی برای شروع سرمایه‌گذاری در طی سالهای اخیر به تصویب رسیده گفت: اما قوانین مزاحم و بازدارنده هم داریم که باید اصلاح شوند. از طرف دیگر قانون بهبود فضای کسب و کار دو سال است که تصویب شده ولی هنوز آئین نامه اش ابلاغ نشده است، در حالی که با اجرای درست قوانین مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی، رفع موانع تولید و قانون بهبود محیط کسب و کار شرایط بهتری برای سرمایه گذاران فراهم می شود.

♦♦♦ مثبت‌اندیشی سرمایه‌گذاران ♦♦♦

سخنران مرکز خدمات سرمایه‌گذاری خارجی استان گیلان خاطر نشان کرد: امروزه بخش مهمی از شرایط حاکم بر فضای کسب و کار به نگرش و مثبت‌اندیشی سرمایه‌گذاران و فعالان بخش خصوصی و در حقیقت نگرش مثبت و خوشبینی به آینده‌ی اقتصادی کشور برمی‌گردد. این شرایط در کوتاه مدت می‌تواند بر روند شاخصهای اقتصادی و تحولات تجاری اثر گذاشته و زمینه‌ی مذاکرات تجاری را برای سالهای آینده فراهم سازد.

♦♦♦ سرمایه‌گذاری پسا تحریم ♦♦♦

وی ادامه داد: پس از توافقی وین شاهد حضور هیات های

♦♦♦ امنیت سرمایه ♦♦♦

مقیمی گفت: اگر قرار است سرمایه در منطقه‌ای انباشته شده و ایجاد کسب و کار کند باید امنیت وجود داشته باشد و طرحهای اجرایی هم توجیه اقتصادی داشته باشند، چون سرمایه جایی نمی‌رود که امنیت نباشد و ریسک و خطر آفرینی بالایی هم وجود داشته باشد.

♦♦♦ سرمایه‌های انسانی ♦♦♦

وی با تاکید بر اینکه یکی از شاخصه‌های مهم سرمایه‌گذاری، سرمایه‌های انسانی هستند افزود: بایستی برنامه‌ریزی کرد و از سرمایه‌های انسانی برای پیشرفت و بهبود کارها بهره‌گیری نمود.

♦♦♦ تمام امکانات و ابزار ♦♦♦

عضو هیات رئیسه‌ی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران با اشاره به اینکه بسیاری از کشورها در تجارت جهانی از تمام امکانات و ابزار موجود برای توسعه‌ی تجارتشان استفاده کرده و تعاملات بین‌المللی و منطقه‌ای خود را با حساسیت ویژه دنبال می‌کنند، گفت: با رشد فعالیت کشورها و شفافیت های بین المللی، مرزهای زمینی و هوایی کم رنگ تر شده و کشورهایی که بتوانند در تعاملات منطقه ای و بین المللی نقش موثری داشته و اعتبار خود را افزایش دهند بهتر می توانند اعتماد سرمایه گذاران و سایر کشورها را جلب کنند.

♦♦♦ منابع سرمایه‌گذاران ♦♦♦

مقیمی حمایت از سرمایه‌گذاران را برای کشورها

سیده فاطمه مقیمی که به گفته خودش در رشت به دنیا آمده است بزرگ شده تهران و اکنون ۵۶ ساله است، وی یک کارآفرین ایرانی و دارای مدرک مهندسی راه و ساختمان و مدرک مدیریت حمل و نقل است. او در سال ۱۳۵۸ در یک شرکت حمل و نقل بین‌المللی ابتدا در بخش ترجمه و بعد در بخش کامیون داری شروع به کار کرد و مدت سه سال در آن شرکت بود. در سال ۱۳۶۱ تصمیم به کار مستقل گرفت که این تصمیم تا مرحله اجرایی شدن دو سال طول کشید و در سال ۱۳۶۳ شرکت خود سدیدار را به ثبت رساند. چندی پیش در سایت‌های خبری فهرستی از میلیاردرهای ایرانی منتشر شد که فاطمه مقیمی هم در این فهرست قرار داشت. او در گفتگویی، با اعتراض به این عنوان گفت پولدارترین زن ایران نیست و یک زندگی کاملاً معمولی دارد. او در مصاحبه ای دیگر اعلام کرد «سرمایه مالی ندارم اما مولتی میلیاردم». گفتنی است رضا یادگاری و مهشید سنایی فرد بنیانگذاران مجموعه کتاب‌های کارآفرینان بزرگ ایرانی، زندگینامه سید فاطمه مقیمی را با همکاری دانشگاه صنعتی شریف به عنوان کتاب درسی تحت عنوان کارآفرینی به شیوه سیده فاطمه مقیمی، اولین بانوی کارآفرین در صنعت حمل و نقل و کشتیرانی خصوصی در ایران نوشته و منتشر کرده اند. مقیمی هم‌اکنون عضو شورای دبیران و مشاوران مجله پنجره خلاقیت نیز هست و مقالاتی از او در زمینه کارآفرینی بانوان در این مجله منتشر می‌شود.

رسیدن به رشد هشت درصد با «توسعه دریا محور»

ماهنامه گیلان فردا- ۱۳۹۵ سال شروع برنامه پنج ساله ششم توسعه است و مقام معظم رهبری سیاست های کلی این برنامه را به دولت ابلاغ کرده اند. تکیه اصلی برنامه ششم توسعه بر اقتصاد مقاومتی و تقویت بنیان های تولید در راستای سند چشم انداز ۲۰ ساله کشور است. برای رسیدن به اهداف پیش بینی شده در سند چشم انداز ۱۴۰۴ کشور و کسب رتبه اول علمی، اقتصادی و فنی منطقه ناگزیر به رسیدن به رشد بالای هشت درصد در کشور هستیم. حال با توجه به اینکه رشد اقتصادی در حال حاضر حدود ۳ درصد اعلام شده است؛ برای رسیدن به رشد بالای هشت درصد چه برنامه هایی باید داشته باشیم؟ و در استان گیلان چطور باید برای تحقق این مهم کوشید؟ دکتر منصور مولایی پور، مدیر کل امور اقتصادی و دارایی استان گیلان توجه به «توسعه دریا محور» را به عنوان اولویت اول پیشنهاد می کند.

حمل و نقل و انبارداری را دارد. هزینه حمل و نقل دریایی نسبت به جاده ای یک سی و هفتم است. ۳- بیشترین تجارت جهان در حاشیه دریاهاست؛ زیرا ۹۰ درصد حمل و نقل وزنی جهان دریایی است و ۹۰ درصد حمل و نقل ارزشی جهان دریایی و هوایی انجام میشود. ولی در گیلان بیش از ۹۰ درصد حمل و نقل جاده ای (پرخاطر و پرهزینه) است. ۴- کلان شهرهای جهان در حاشیه دریاها ساخته می شوند؛ ولی کلان شهرهای ایران (مثل تهران و رشت) از دریا فاصله دارند. ۵- مناطق آزاد و مناطق ویژه اقتصادی گیلان و جهان در حاشیه دریاها استقرار دارند. ۶- فرودگاه آزاد به عنوان مکمل مناطق آزاد در محور



دریاها شکل می گیرد. ۷- گردشگری با محوریت دریا بیشترین جاذبه را در جهان دارد؛ ضمناً اولویت اول جمعیت ۱۵ میلیونی تهران، دریای شمال است. ۸- کشاورزی با محوریت دریا قادر است شیلات و غذای سالم دریایی را نیز پوشش دهد؛ مانند کشور ساحلی هلند که از صدف خوراکی و صادرات گل درآمد ۲۰ و ۱۶۰ میلیارد دلاری کسب کرده است. ۹- صنعت با محوریت دریا مکمل بندر آزاد و بندر نسل سوم و حمل و نقل چند وجهی است. ۱۰- مرز دریایی با روسیه معین گیلان، روسیه عضو هشت کشور صنعتی؛ دارای رتبه اول انرژی (نفت و گاز) و فلزات جهان، با تجارت ۹۰۰ میلیارد دلار رتبه پنجم واردات (۳۶۰ میلیارد دلار) جهان و جزء ده کشور سرمایه فرست دنیا است. پتانسیل بالقوه بسیار زیادی در کشور روسیه وجود دارد که می توان با پیوند تجارت خارجی و سرمایه گذاری خارجی؛ آنها را به بالفعل تبدیل کرد.

از نظر شما کدام شاخصهای مهم اقتصاد گیلان می توانند در تعیین اولویت سرمایه گذاری موثر باشند؟

شاخص ها زیاد هستند، به عنوان مثال درآمد سرانه اندک چون سهم تولید ناخالص داخلی (بدون نفت) استان گیلان از کشور در سال ۱۳۹۰ معادل ۲۶ درصد و سهم جمعیتی استان ۳،۳ درصد (۷۷۷ هزار خانوار و دو و نیم میلیون جمعیت) بوده است. تولید سرانه استان در سال ۱۳۹۰ معادل ۴۸ میلیون ریال یعنی ۴ میلیون ریال در ماه بود که در رتبه ۱۷ کشور قرار می گیرد. لذا تولید یا درآمد سرانه استان گیلان از ۱۶ استان کشور کمتر بوده است. یعنی متوسط رفاه اقتصادی در استان گیلان از ۱۶ استان کشور پایین تر است. از طرف دیگر درآمد ده برابر دهک غنی به فقیر یعنی حداقل ۲۵۰ هزار نفر در استان گیلان زیر خط مطلق فقر (زندگی با کمتر از یک دلار در روز) قرار دارند.

رشد اندک اقتصادی و قاعده هفتاد به ایکس هم شاخص دیگر است. به این ترتیب که سهم اندک صنعت و درآمد اندک سرانه اگر با رشد اندک اقتصادی در روند همراه باشد ما را در دام توسعه نیافتگی مستمر قرار می دهد. رشد اقتصادی مهمترین پارامتر در مباحث اقتصادی است. برای تحقق رشد اقتصادی ۸ درصدی ۱۰۰۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری

به نظر شما رسیدن به رشد هشت درصدی چه پیش نیازی دارد؟

برای رسیدن به اهداف سند چشم انداز و رشد اقتصادی هشت درصد لازم است ۱۰۰۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری طی دوره پنج ساله محقق شود که ۴۰ درصد آن باید از محل سرمایه گذاری خارجی باشد. اگر سرمایه گذاری مذکور انجام شود؛ رشد اقتصادی ۸ درصد محقق می شود.

آن وقت چه تاثیری در اقتصاد افراد به وجود می آید؟

در نتیجه سبد مصرفی و ثروت خانوار هر ۹ سال دو برابر می شود. ولی اگر سرمایه گذاری مذکور انجام نشود؛ رشد اقتصادی کمتر مانند یک دهم درصد (نه منفی) خواهیم داشت. و هر ۷۰۰ سال سبد مصرفی و ثروت خانوار دو برابر خواهد شد.

این اعداد که خیلی تامل برانگیز هستند! سازوکار لازم برای سرمایه گذاری خارجی در استان گیلان در وهله اول چیست؟

سرمایه گذاری خارجی نیازمند تعامل فرابخشی در استان و دیپلماسی خارجی (مخصوصاً با کشور روسیه) است تا سرمایه گذاران و آژانسهای سرمایه گذاری خارجی (به ویژه شرکتهای چند ملیتی) شناسایی شوند. ما تقاضا برای سرمایه و سرمایه گذاری داریم ولی تقاضای موثر نداریم؛ لذا تمایل به سرمایه گذاری داریم ولی به علت فقدان بسته سرمایه گذاری و تعامل بین المللی قادر به جذب سرمایه گذاران خارجی نیستیم.

بر اساس کدام دلیل و شاخص چنین نظری دارید؟

مهمترین شاخص جهت اثبات این امر شاخص فضای کسب و کار است که ایران رتبه ۱۵۱ را دارد. برای دستیابی به این مهم لازم است محور توسعه اقتصادی برای سرمایه گذاری خارجی تبیین شود. اطلاعات موجود نشان می دهد که توسعه با محوریت دریای گیلان می تواند به عنوان موتور محرک تولید و اشتغال برای سایر بخش ها تلقی شود. بنابراین الزامیست اهداف دستگاهها مانند ثبت اسناد؛ صدا و سیما، دانشگاهها و ... به نحوی بازتعریف شود که حداقل ۵۱ درصد از منابع زمانی، توانهای کارشناسی و منابع مدیریتی (نه الزاماً منابع پولی) آنها به مهمترین اولویت استان جهت کاهش هزینه مبادله تخصیص یابد.

به نظر حضرتعالی در گیلان در کدام بخش باید سرمایه گذاری بیشتری انجام شود و چرا؟

به اعتقاد من باید در زمینه «توسعه دریا محور» در استان خیلی کار کنیم. اگر بخواهم کوتاه توضیح دهم باید بگویم به دلایل زیر «توسعه دریا محور» به عنوان اولویت اول پیشنهاد می شود: ۱- بیشترین اشتغال جهان در حاشیه دریاهاست؛ چون ۶۶ درصد جمعیت جهان در حاشیه ۶۰ کیلومتری دریاها سکونت دارند؛ ولی ما استانی مهاجر فرست هستیم. ۲- بیشترین تولید در حاشیه دریاهاست؛ چون کمترین هزینه

طی برنامه پنج ساله لازم است. طبق محاسبات، کل بودجه دولتی تنها ۳۰ درصد آن را پوشش می‌دهد؛ اگر همین سهم را هم برای بخش خصوصی فرض کنیم (که فرض بیش از حد است) لذا ۴۰ درصد ظرفیت خالی برای سرمایه‌گذاری خارجی داریم تا مکمل (نه جایگزین) سرمایه‌گذاری داخلی برای تحقق رشد اقتصادی ۸ درصدی باشد. و نظر به اینکه در هر سه بخش دولتی، خصوصی و دیپلماسی خارجی در تحقق سرمایه‌گذاری ضعیف بوده‌ایم لذا تحقق رشد اقتصادی ۸ درصد در سه سال اول برنامه پنجم رخ نداد.

❖ **بسیاری از پیامدهای عدم تحقق رشد ۸ درصدی در جامعه قابل لمس است. به زبان علمی چطور این موضوع را تحلیل می‌کنید؟**

خب توجه به فرمول هفتاد به یکس که در تحلیل رشد اقتصادی بسیار مهم است. اگر رشد اقتصادی ۸ درصد باشد هر ۹ سال تولید یا درآمد دو برابر می‌شود. یعنی سبد مصرفی و رفاه خانوار و ثروت هر ۹ سال دو برابر می‌شود. ولی اگر رشد اقتصادی یک درصد باشد؛ هر ۷۰ سال تولید یا سبد مصرفی و رفاه خانوار دو برابر می‌شود و اگر رشد اقتصادی یک دهم درصد باشد هر ۷۰۰ سال تولید یا سبد مصرفی خانوار دو برابر می‌شود. ضمناً رشدهای منفی مثل سال ۱۳۹۱ بسیار فجیع خواهد بود!

❖ **شاخص‌های تاثیر گذار دیگر کدامند؟**

اشتغال نامتوازن با تولید نیز بسیار اثر گذار است.

سهم اشتغال بخش صنعت و کشاورزی استان گیلان در سال ۱۳۹۰ هر یک حدود ۲۵ درصد بوده است. مقایسه آن با سهم ارزش افزوده (تولید) آنها که حدود ۱۰ تا ۱۲ درصد است، نشانگر مزاد عرضه کار (صد در صد بیشتر از نرمال) و بهره‌وری پایین نیروی کار در دو بخش صنعت و کشاورزی است. یعنی اگر سهم تولید حدود ۱۲ درصد باشد؛ در شرایط جاری حجم اشتغال، متوازن با حجم تولید

نیست لذا امید داشتن به دو بخش صنعت و کشاورزی برای رفع بیکاری استان جای تامل است.

❖ **فکر نمی‌کنید اگر سرمایه در گردش بیشتر باشد و بانک‌ها تسهیلات بدهند افراد علاقمند در بخش صنعت و کشاورزی حرف‌هایی برای گفتن داشته باشند؟**

واقعیت این است که بانک‌ها، موسسات مالی و کارشناسان آنها سودآور بودن (مهمترین انگیزه اقتصادی) بخش‌های صنعت، معدن و کشاورزی استان را نفی می‌کنند. شاهد این امر هم میزان تسهیلات پرداخت شده در سالهای گذشته است. چون سهم بخش صنعت، معدن و کشاورزی از تسهیلات اعطایی استان در سال ۱۳۹۰ به ترتیب نه و دو دهم، نه و دو صدم درصد بوده است یعنی علیرغم تکلیف‌ها بیش از ۸۰ درصد منابع از دو بخش صنعت، معدن و کشاورزی گریزان است.

همچنین براساس اطلاعات سایت بانک جهانی فضای کسب و کار ایران در سال ۲۰۱۳ بین ۱۸۹ کشور در رتبه ۱۵۲ است یعنی ۱۵۱ کشور برای جذب سرمایه‌گذار و فعالیت اقتصادی در رتبه بالاتر از ایران قرار دارند. باید توجه داشته باشیم عوامل فضای کسب و کار عوامل بیرونی یا تنظیمات قانونی، موثر بر کل اقتصاد است نه برای یک صنعت، ضمناً عواملی هم هستند که بر فعالان اقتصادی اثر می‌گذارند ولی فعالان اقتصادی بر آن اثر نمی‌گذارند. لذا بخش خصوصی نمی‌تواند بر بهبود فضای کسب و کار اثر بگذارد چون این وظیفه حاکمیت است. شاخصهای فضای کسب و کار، شاخصی معتبر برای سنجش اقتصاد کشورها برای سرمایه‌گذاران است.

❖ **وضعیت فضای کسب و کار چطور ارزیابی می‌شود؟**

معمولاً سه معیار هزینه (غالباً بر حسب درآمد سرانه)، مدت زمان و تعداد مراحل قانونی از معیارهای مهم

اندازه‌گیری شاخصهای فضای کسب و کار هستند.

❖ **این شاخص‌ها جهانی هستند؟**

بانک جهانی؛ شاخصهای ده گانه ای برای فضای کسب و کار دارد که عبارتند از:

۱- شاخص شروع کسب و کار

۲- شاخص پایان کسب و کار

۳- شاخص اخذ اعتبارات

۴- شاخص اخذ مجوزها

۵- شاخص دریافت مجوز ساخت و ساز

۶- شاخص تجارت

۷- شاخص مالیاتی

۸- شاخص سهولت اجرای قرار دادها

۹- شاخص دشواری و هزینه استخدام و اخراج

۱۰- شاخص حمایت از سرمایه‌گذاران

❖ **بالاخره برای بهبود شرایط اقتصادی استان چه کار باید کرد؟**

درآمدهای استانی شامل درآمد مالیاتی و... حتی هزینه یک وظیفه حاکمیتی مانند آموزش و پرورش استان گیلان را نیز پوشش نمی‌دهد. درحالی که سایر هزینه‌های حاکمیتی استان گیلان مثل امنیتی، قضایی، سلامت و... نیز طبق قانون اساسی حاکمیتی است و الزامیست که از محل درآمد استانی تامین شود. معافیت مالیاتی و گمرکی به همراه بهبود چرخه کسب و کار در محور دریا در میان مدت؛ اگر چه درآمد دولت را کاهش می‌دهد؛ اما در بلند مدت یک منبع سرشار برای حاکمیت است؛ بنابراین پیوند سرمایه‌گذاری با ارتقای درآمد استان در قالب بهبود فضای کسب و کار، می‌تواند در بلند مدت استان گیلان را به سمت خودگردان بودن هدایت کند تا منافع استانی برای کل خانواده دولت و به تبع آن برای مردم، در حد استاندارد و نرمال جهانی تامین شود.



هنوز...



دکتر ژاله حساسخواه *

این یادداشت به بازخوانی عملکرد رییس دولت یازدهم و ارزیابی آن با متر و معیار یک شهروند می پردازد و میزان تحقق وعده های حسن روحانی البته نه در مقام یک فرا انسان بلکه در مقام رییس تنها یک قوه از سه قوه در جمهوری اسلامی ایران و در ظرف اختیارات همین مقام مورد بررسی قرار می گیرد.

هنوز پس از دو سال روحانی برای بسیاری محبوب است زیرا یادآور حس خوب مردم سالاری است، مردم سالاری برای مردمی که آگاهانه خواستند با رای خود به دوره تسلط احساسات افراطی (مانند کینه، خشم، نفرت، انتقام) بر زندگی، جان و مال مردم پایان بدهند و توانستند. مردم سالاری مردمی که اراده کردند روزی نو با محوریت عدل، قانون و عقل آغاز کنند و قدرت را از راه مدنی از یک فرد نو ظهور در عرصه سیاست کلان (که به دلیل ناآشنایی به ظرایف این عرصه، آن را به میدان آزمون و خطا بدل کرده بود، خود را در مرکز امور می دید و یک تنه به همه صاحب نظران متخصص و نظام های علمی رایج، پشت پا می زد و به تصور همه چیزدانی هر روز طرحی نو در می انداخت) بگیرند و آن را به سکندار با تجربه ای واگذارند که قسمت اعظم عمرش را با انگیزه و دانش در پست های کلیدی گذرانده و سیاست علمی و منطقی را هم در بعد نظری و هم عملی می شناسد.

هنوز پس از دو سال کلید روحانی مظهر امید به باز گشوده شدن درهای ناگشودنی است، کلیدی جادویی که مدعی است می تواند قفل های زنگ زده روابط خارجی، شرایط سخت اقتصادی پیش روی مردم، شکاف در مسائل اجتماعی و سیاسی بین گروه ها و احزاب و جناح ها، فضای امنیتی در زمینه فرهنگی و در محیط های آموزشی را بگشاید. اگرچه این کلید تا کنون توفیق داشته که چند قفل را هم بگشاید ولی مهمترین قفل پیش روی تحقق وعده

های رییس دولت یازدهم در دو سال گذشته، یعنی قفل تحریم، همچنان بر درهای خزانه کشور بسته است. خزانه ای که می بایست بدلیل کسب بالاترین درآمد فروش نفت در دولت پیشین یاری رسان دولت کنونی شود، امروز به بزرگترین چالش برای دولت درآمده است و کار را به آنجا رسانیده که تمام توان دولت فعلی را به خود و در جهت یافتن رهیافتی برای مهار وضعیت اقتصادی، بخصوص تورم افسار گسیخته ناشی از آن اختصاص داده است، توری که برجای جای زندگی مردم اثر گذاشته است.

هنوز تحریم، این مولود ورق پاره های سازمان های جهانی، همه چیز حتی آب، نان و سلامت مردم را تهدید می کند. از این رو از تلاش در برقراری تعامل عزتمند و سازنده با جهان به عنوان اصلی ترین کلید گشاینده این قفل در برنامه دولت تعبیر می شود که اهمیت آن در مذاکرات نفس گیر هسته ای با دولتهای بزرگ جهان نیز به اثبات رسیده است. مذاکراتی که به منظور تهیه دستورالعملی برای برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) با ۵+۱ صورت پذیرفت حتی تا همین مرحله هم به بهبود چهره ایران و پذیرش نقش موثر آن در معادلات جهانی انجامیده است. دستاورد مهمی که روحانی و تیم او توانستند برخلاف همتایان خود در دولت نهم و دهم با مذاکره، درک متقابل، محبت، تحجیب، تکریم و لبخند از دولتهای بزرگ کسب کنند. توافقی که انشالله نوید دسترسی ایران به بازارهای جهانی، عرضه کالاهای مختلف در آنها و در نتیجه گشایش اقتصادی را می دهد. البته هنوز متاسفانه فرجام برجام مشخص نیست و هر لحظه بیم آن می رود که دستاورد دیپلماسی هوشمندانه سیاستمداران دولت تدبیر و امید مورد خدشه قرار گیرد و ما را به سرخط بازگرداند.

هنوز در زمینه اجتماعی و فرهنگی علیرغم خواست دولت مبنی بر ایجاد جامعه با نشاط و شاد در چارچوب موازین دینی و قانونی و برخی اقدامات خوشایند مانند از سرگیری فعالیت خانه سینما، همچنان اختلاف سلیقه مردم با دولت در مصادیق فرهنگی محل مناقشه است.

هنوز در بعد اجتماعی توزیع ثروت در جامعه عادلانه نیست و مردم همچنان نتوانسته اند تغییر مثبت در زندگی خود احساس کنند. هنوز علیرغم تلاش صادقانه دولت در زمینه تامین مسکن، سلامت و خدمات درمانی شکاف طبقاتی هر روز عمیق تر از گذشته خودنمایی می کند.

هنوز دولت در برآوردن یکی از مهم ترین وعده هایش یعنی اشتغال علیرغم آمارهای امیدبخش توفیقی

نداشته است و خانواده ها همچنان از بیکاری عزیزانشان رنج می برند و از عوارض اجتناب ناپذیر آن مانند طلاق، اعتیاد و ... مضطربند. هنوز در بعد سیاسی به جز برخی اقدامات مثبت دولت مانند از سرگیری فعالیت خانه احزاب، راه زیادی تا نهادینه شدن حقوق شهروندی در پیش است.

هنوز حضور جدی زنان تنها به پای صندوق های رای محدود می شود ولی همچنان در مسائل سیاسی، اجتماعی، از فرصت های برابر برخوردار نیستند. هنوز علیرغم تلاش دولت برای برقراری آرامش داخلی، محبت و آرامش به خانه راه نیافته است. هنوز خانه از چند گانگی در تمامی انواع آن: قومی، ملی، مذهبی، جنسیتی، جناح بندی سیاسی و ... رنج می برد و در تلاطم است. شاهد مدعا سرخط روزنامه های هر روز است که سرشار از اهانت، تهمت، چند دستگی، تهدید، و ... است و چیزی که گم شده است همدلی و همزبانی که اتفاقا بطور غریبانه ای بر پیشانی امسال نیز حک شده است، حلقه مفقوده ای که فقدان آن تنها بدلیل بی خردی و بی بصیرتی است.

هنوز در زمینه مسائل سیاسی به تمام اهدافمان نرسیده ایم. سرنشینان قایق سیاست ایران همچنان عامدانه سرگرم ایجاد روزن در قایق هستند تا دیگر سرنشینان را غرق کنند غافل از اینکه این سرنوشت محتوم خود آنها را هم تهدید می کند. هنوز تصویر زشت و تضعیف کننده اختلافات داخلی کشورمان این پیام را به جهان می دهد که پاشنه آشیل در ایران عدم وجود صدای واحد در آن است، پیامی که همچنان فرصت طلبان خارج نشین را به وسوسه می اندازد که بر شدت اختلافات دامن زنند.

هنوز بیم آن می رود به جایی برسیم که علیرغم داستانهای ایثار در ادبیات ملی و مذهبی، عشق، ایمان عقیده و وطن پرستی به واسطه عطش کسب قدرت کمرنگ شود.

اما همچنان امید به فرزندان راستین وطن وجود دارد که دامن از این جنگ باخت-باخت برچینند تا مبادا کشور بیش از این لطمه نبیند. وطن پرستانی که برایشان نه حسن روحانی و نه هیچ رییس جمهور دیگری یک فرانسین نیست و قرار هم نبود که اینگونه باشد. وطن پرستانی که پیروزی ها را می بینند، کاستی ها را درک می کنند و فارغ از من و ما همگام با دولت و دست بدست آن در اعتلای این کشور تلاش می کنند.

* استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه گیلان

گیلان بی نظیر در جهان

سارا فرزانه *



می گوید در هیچ جای کره زمین منطقه ای مثل گیلان وجود ندارد، و آنقدر این جمله را محکم ادا می کند که باعث افتخار است. پروفسور پرویز کردوانی که یکی از چهره های ماندگار و به پدر کویر ایران معروف است آن چنان گیلان را می شناسد و آنقدر اکتیو و فعال از توانمندی های گیلان حرف می زند که آدم سر شوق می آید. وقتی برای مصاحبه به ایشان زنگ می زنم بدون هیچ اما و اگر می پذیرد. اما وقتی چند دقیقه زودتر از وقت هماهنگ شده به ایشان تلفن می کنم می گوید «هنوز چند دقیقه به قرارمان باقی است و من باید کاری انجام دهم». من هم قبول کرده و قطع می کنم تا دوباره و راس ساعت توافق شده با ایشان تماس بگیرم. آنچه در ادامه از نظراتان می گذرد خلاصه ای از این مصاحبه تلفنی است:

● شما می فرمایید در هیچ جای کره زمین منطقه ای مثل گیلان وجود ندارد. گیلان و مازندران هم باید بیابان می شدند مثل یزد و دبی. ولی الان به این صورت هستند. چرا؟ و چرا باید بیابان می شدند؟

برای اینکه از عرض ۳۰ درجه جغرافیایی هوایی با فشار زیاد می وزد و چون نزدیک منطقه استوایی حاره ای است هوای پر فشار مجاور حاره ای می گویند، ولی تأثیرش در نیمکره شمالی از ۱۵ درجه تا ۴۵ درجه است. یعنی کشورهایی که در این عرض جغرافیایی قرار گرفته اند تحت تأثیر این هوای پر فشار هستند که با وجود این دو اثر مانع تشکیل ابر و بارندگی می شوند.

خب این دو اثر عبارتند از: یکی هوای پر فشار یعنی مثل هوایی که بدمیم در لاستیک یا مثل اینکه روی کباب باد بزنیم، یعنی پخش می شود. پس اگر دریاچه ای در نقطه کم فشار باشد وقتی آفتاب می خورد تبخیر می شود چون منطقه کم فشار است (منطقه ناپایدار)، ولی همین دریاچه اگر در منطقه پر فشار باشد وقتی آفتاب می خورد تبخیر

جنوب شرق و تمام رطوبتی را که از دریای سیاه، اژه و مرمره می آید به کوه می خورد، سرد می شود، بارندگی می شود، از برکت کوه است. همچنین جهت کوه های البرز و تالش بسیار عالی است. کوه البرز تقریباً تا سد منجیل سپیدرود کشیده می شود تا شاهرود و بعد کوه تالش کشیده شده



می شود اما پخش نمی کند مثل بادبز روی کباب و امکان صعود را نمی دهد. بنابراین هوایی امکان بارندگی دارد که برود بالا و سرد شود. پس رطوبت را پخش می کند و امکان صعود را نمی دهد و هوا را سنگین کرده مانع از ابر می شود. کشور ما درمحنی این هوای پر فشار و درعرض حداقل از ۱۵ درجه تا ۴۵ درجه قرار دارد.

در حالی که مال ما از ۲۵ درجه (در چاه بهار) تا ۳۹ درجه (در شمال گیلان) است. پس گیلان و مازندران باید بیابان می شدند. کما اینکه الان در شمال گیلان و قسمتی از مازندران (ترکمنستان صحرای قزل قون) بیابان داریم ولی چون دریای گیلان تا آن طرف کشیده شده به روی آنها تأثیر گذاشته است.

بنابراین کشورهایی که در عرض ۱۵ تا ۴۵ درجه هستند چنین وضعیتی دارند. و ما در عرض ۲۵ تا ۳۵ درجه باید سراسر خشک و کم باران می شدیم.

● اما اینطور نشد. چرا؟

چون در طول تکامل کره زمین دو اتفاق افتاد که کشور ما استثنایی شد و آب و هوای چهارفصل دارد.

در دوران دوم زمین شناسی سراسر کشور ما دریای تغلیس بود. اما در دوران سوم زمین شناسی، کره زمین گرم شد و تغییر کرد و دریای تغلیس کم کم خشک شد و از آن فقط دریای مازندران در شمال و خلیج فارس در جنوب باقی ماند.

● یعنی کویرها همه زیر آب بودند؟

بله، و الان در دوره چهارم زمین شناسی هستیم. حدود ۴/۷ میلیارد سال پیش که کره زمین به وجود آمد سراسر آتشفشان بود. به مرور آتشفشان ها کمتر و اکسیژن آزاد در هوا پیدا و امکان نزدیک شدن اکسیژن و ویدروژن و تشکیل آب فراهم شد. کره زمین سرد شد و خوشبختانه کشور ما داری چین خوردگی و رشته کوههای خوبی شد.

چون خیلی از کشورهای کوهستانی مثل دبی که فقط از دو تپه (حورالعین و فجیره) تشکیل شده، سراسر خشک است و خاک هم ندارد، ولی کشور ما کوهستانی شد آن هم به جهت عالی. یعنی کوههای زاگرس در جهت شمال غرب و

تا آستارای ما و تا آستارای شوروی. این دو کوه اگر نبودند شمال هم بیابانی می شد، ولی کوه البرز و کوه تالش توام با دریا باعث شد آب و هوای استثنایی در گیلان به وجود آید. یعنی آب و هوای مناسب فقط به خاطر دریا نیست بلکه دو کوه به اضافه ی دریا، یک آب و هوای محلی (لوکال) را به وجود آورده که تحت تأثیر هوای پر فشار سیبری است.

پس هوای خوب گیلان مدیون کوه تالش و کوه البرز و دریای خزر است.

بله، دقیقاً همینطور است. در ایران دو هوای پر فشار داریم که یکی باعث خشک و کم بارانی و بیابان می شود یعنی کم فشار حاره ای ولی در گیلان به خاطر کوه البرز و تالش، پر فشار تأثیر ندارد و اینجا پر فشار حاره ای است که در مرداد شروع می شود و منطقه باران خیز گیلان گاه تا ۲ هزارمیلیمتر بارندگی دارد. (۵۰۰ میلیمتر در بهار، ۵۰۰ میلیمتر در تابستان و هزار میلیمتر در پاییز) پس یک آب و هوای محلی درست می شود.

● چرا گیلان باران بیشتری از سایر نقاط دارد؟



چون مسیر هوای پرفشار بیشتر از یک منحنی را طی می کند، به منطقه بندرانزلی می خورد مسیر بیشتری را طی می کند سپس به کوه البرز و تالش می خورد، می خواهد از روی این کوه ها برود بالا، سرد می شود و ایجاد بارندگی می کند. حتی بارندگی جلگه ای گیلان بیشتر از ارتفاعات و حدود ۲ هزار و ۳ هزار میلیمتر است. پس این بارندگی از برکت کوه است.

● و گیلان بی نظیر می شود.

بله، همینطور است. البته در قسمت مرکزی طرح هایی دارند تا بتوانند از رطوبت و باران و هوای خوب گیلان به نحوی بهر مند شوند. مثلا در رژیم گذشته آقای هومان فرزاد طرحی داد که اگر از خلیج فارس آب را پمپاژ کنیم، به سه منطقه پشت چاله جازموریان (بیابان لوت و دشت کویر) ببندیم دریاچه ی بزرگی می شود و وقتی دریاچه شد همانطور که گیلان و مازندران بارندگی دارند در این منطقه هم بارندگی می شود.

● آیا چنین طرح هایی موجب تغییراتی در وضعیت آب و هوایی گیلان نمی شود؟

من در کتاب خشکسالی و راه های مقابله با آن (در سال ۱۳۸۰) بررسی کردم و گفتم نه. و توضیح دادم اگر شمال هوای پرفشار دارد ، بارندگی دارد، کوه دارد، اما وقتی هوای پرفشار در پاییز و زمستان در طیس بوزد به حدی است که اصطلاحا می گویند مادیان بچه می اندازد. چون در این قسمت هوای پرفشار سرد است ولی در شمال از روی دریا تعدیل می شود، ضمن اینکه پشت سرش کوه وجود دارد و ایجاد بارندگی می کند. خیلی از استاداها می گویند علت خشکی تهران وجود کوه البرز است. قبلا آقای مسعودی هم طرح دادند که کانال درست کنند تا رطوبت شمال به تهران بیاید. (دوزنقه ای را در نظر بگیرید که قاعده کوچک آن تهران و قاعده ی بزرگ آن شمال باشد...).

اما من نامه نوشتم و گفتم نمی شود. چون باید بررسی کنیم این رطوبتی که از کانال می خواهیم بگیریم می تواند هوا را برای قسمت داخلی بیاورد یا نه؟ حتی اگر هوا را بیاورد، باز تبدیل به بارندگی نمی شود و این کار هزینه زیادی هم دارد. (مثل حالتی که وقتی توی حمام بخار می شود، در را باز نکنیم و منتظر بمانیم تا از یک روزنه، بخار به مکان دیگر انتقال یابد).

الان هم از بالای گیلان و مازندران رطوبت می آید بالای قزوین و تهران (اصطلاحا) می گویند ابرهای سرحد) ولی به محض رسیدن هوای پرفشار آن را پخش می کنند. به عنوان مثال بالای شیرکوه در یزد، چون بلند است باد جنب حاره ای بالای ابر درست می شود ولی همین که به یزد می رسد، پخش می شود. مثل دودی که از دودکش می آید بیرون، ولی وقتی آمد بیرون باز پخش می شود. حتی اگر کانال هم درست کنیم تا این رطوبت را بیاورد باز باران نمی شود، فقط با این کار باران گیلان و مازندران کم می شود، پس بهتر است این کار را نکنیم.

● طرح های دیگری هم در این خصوص بوده است؟

در رژیم گذشته و در زمان آقایان هاشمی و خاتمی هم برای تغییر آب و هوای ایران طرح هایی دادند که آن طرح ها هم کارساز نبود. چون حتی اگر دریا درست کنیم، کوهی نداریم. بنابراین آب و هوای محلی استان گیلان به برکت کوه تالش و کوه البرز به اضافه دریاست و بیشتر بارندگی از پرفشار سیبری درست می شود. که در پائیز شدید است، در زمستان هم باران داریم و بعد در بهار بخشی از مردم از ۱۵ فروردین تا ۱۵ اردیبهشت خدا خدا می کنند که بارندگی نشود، چون نشای برنج در آن موقع خراب می شود. اما بعد که نشای

برنج رشد کرد حالا دیگر بارندگی کم می شود، ولی حالا دیگر تابستان است و نیاز به آب داریم. بنابراین با اینکه شمال پرباران ترین نقطه ایران است هنگام کشاورزی برنج باران کم است و یا نیست. در حالی که در تایلند و هند فصل مرطوبشان که بعضی محصولات نیاز به آب دارند، بارندگی زیاد است.

در بندر انزلی ۱۶۵۰ میلیمتر باران در شرق و در غرب آن تا ۲۰۰۰ میلیمتر باران هم داریم. که کلا می گویند آب و هوای معتدل مرطوب خزری. و در دنیا چنین آب و هوایی نداریم. و گیلان بی نظیر است.

● پس اگر کوه و دریا نداشتیم بیابان می شدیم.

برای همین است که می گویم گیلان باید بیابان می شد یا حداکثر مثل سمنان و یزد می شد اما بر اثر کوه تالش و البرز و دریا، آب و هوای معتدل مرطوب دارد. اگر دریا نبود قسمت زیادی از گیلان و مازندران یخ می زد.

● اما چرا می فرمایید این آب و هوا بی نظیر و استثنایی است؟ خیلی از کشورهای اروپایی هم چنین آب و هوایی دارند.

چون سراسر اروپای مرکزی هم آب و هوای معتدل و مرطوب دارند، مثل انگلیس، آلمان، بلژیک و... ولی ۹۰ درصد محصولاتی که در گیلان به عمل می آید آنجا به عمل نمی آید. یعنی هیچ کجای دنیا در این عرض جغرافیای کمتر از ۴۰ درجه چنین آب و هوای مرطوبی با این مشخصات وجود ندارد.

● چه محصولاتی در گیلان هست که در کشورهای اروپایی با آب و هوای مشابه نیست؟

انواع چای، و انواع برنج در سراسر آلمان، انگلیس و ... وجود ندارد. آنها هندوانه، طالبی، گرمک، خربزه، نیشکر، انار و انجیر ندارند و بعضی از این میوه ها را اصلا نمی شناسند. حتی موز هم آنجا به عمل نمی آید. در حالی که در گیلان و مازندران موز گلخانه ای کاشتند. (البته بعد دیدند برای اینکه موز رنگ بگیرد، مشکلاتی دارند).

حتی در کوههای تالش بوته زعفران قابل کشت است و یا در اشکورات، زرشک. همچنین انواع گیاهان دارویی در گیلان داریم که در اروپا نیست. در گیلان درخت صنوبر در یک سال چهار متر رشد می کند. حتی می توانیم جنگل های مصنوعی خوبی داشته باشیم (که البته به اشتباه می گویند زراعت جنگل). و دولت حتی ۵۰ درصد هزینه را می دهد تا افراد را تشویق کند تا در دشت ها درخت بکارند و بهترین هم صنوبر است، زیرا در یک هکتار چهار تا ۱۲ میلیون درآمد چوب در گیلان داریم.

و یا کرم ابریشم در گیلان به عمل می آید که در اروپا نیست و اصلا نمی شناسند. هرچند که متاسفانه کارخانه اش از بین رفت. در گیلان همچنین توتون و تنباکو به عمل می آید، که در اروپا هم هست ولی به کیفیت منطقه گیلان نیست.

و یا خوک خوب رشد می کند و وقتی در منطقه ای رشد خوک خوب است حتی اگر ما از گوشت آن استفاده نمی کنیم می توانیم آن را به کشورهای غیر مسلمان صادر کنیم. همانطور که چند سال پیش در کشور قورباغه پرورش دادند تا برای خارج از کشور صادر کنند. یعنی یک ظرفیت صادراتی برای اقتصاد استان و کشور است. حتی فیل ماهی را می توانیم صادر کنیم.

و یا منطقه زیتون خیز رودبار را داریم. در اروپای مرکزی زیتون پیدا نمی شود و از جاهای دیگر می آورند.

و یا اینکه لوشان در گیلان یکی از گرمترین و خشک ترین نقاط گیلان و ایران و جهان است. و کلا» کمتر از ۱۰۰ تا ۱۲۰ میلیمتر شاید باران داشته باشد و در تابستان به



۵۰ درجه می رسد و مردم آنجا تقریباً هیچوقت کت نمی پوشند. اما بهترین و بزرگترین تولید کننده پیاز هستند. باد منجیل هم که از برکت دریا و کوه تا تهران می آید و انرژی را تامین می کند. بادام زمینی گیلان را فراموش نکنیم. اروپا هم بادام زمینی دارد ولی به درشتی و کیفیت بادام آستانه نیست. از طرف دیگر مناظر طبیعی مثل سیاهکل، درفک، تالاب انزلی، جنگل، ساحل و... فوق العاده است. خلاصه اینقدر ظرفیت در گیلان وجود دارد که از کنارشان ساده می گذریم. انشالله اگر جناب آقای استاندار همایشی ترتیب بدهند تا توانمندی های گیلان را بررسی کنیم و از من دعوت شود، همه این ظرفیت ها را خواهم گفت.

● **به تالاب بی نظیر انزلی اشاره کردید که متاسفانه به دلیل ورود فاضلاب و رشد بی رویه آژولا بخش زیادی از ظرفیتش تحلیل رفته است. نظرتان در این مورد چیست؟**

در ایران آژولا را دهه سی آوردند، می گویند بالای تالاب است ولی از نظر من بلا نیست. چون آژولا یک سرخس

است و باکتری ای دارد که ازت را از هوا می گیرد و در هند و تایلند آن را همراه با برنج می کارند چون باعث می شود ۳۰ درصد تولید برنج افزایش پیدا کند زیرا کود نمی دهند. و آژولا مرتب تکثیر می شود و می توان به عنوان علوفه در گیلان استفاده کرد. البته یونجه ۲۰ درصد ازت دارد و بهترین گیاه برای دامداری صنعتی است ولی در گیلان به عمل نمی آید. اما شبدر در گیلان هست. بنابراین آژولا ۵ درصد از یونجه بیشتر ازت دارد و می تواند علوفه خوبی را برای دامداری صنعتی تامین کند. بنابراین فقط روی تالاب است که آژولا نمی گذارد نور به تالاب برسد. یعنی از یک طرف آژولا و از طرف دیگر پساب دو رودخانه زر رود و گوهر رود با مواد شوینده و مضر می آورد و فسفات دارد، باعث می شود گیاه رشد نکند و موجودات تالاب هم کم می شود. اما باید به دامداران بگویند که این آژولا را بچینند و ببرند برای دامشان چون یک علوفه ارزان است و تالاب هم تمیز می شود و نیازی نیست ژاپنی ها را بیاورند. هر چند بگذاریم که تالاب الآن فقط سه متر عمق دارد و لجن و

لاستیک و آژولا آن را گرفته و باید کامل و درست لایروبی شود ولی آژولا میتواند به عنوان علوفه مصرف شود.

● **دیگر کدام ظرفیت گیلان نظر تان را جلب می کند؟**

گیلان از نظر جاذبه طبیعی گردشگری هم بی نظیر است ولی متاسفانه بسیاری از این جاذبه ها و فرصت ها به حال خود رها شده اند. ظرفیت ها و جاذبه های دیگری هم دارد مانند ماسوله. بنابر این در هیچ کجای دنیا چنین نقطه مرطوبی وجود ندارد. ولی متاسفانه روی این همه ظرفیت دقت نمی شود. به عنوان مثال ۱۰ سد روی قزل اوزن می زنند که اگر این سدها راهاندازی شود به کلی سیپدرود خشک می شود. در خاتمه سپاس و درود بابت وقتی که گذاشتید امیدوارم یک روز بتوانم تمام ظرفیت های بی نظیر گیلان را معرفی کنم چون در این مصاحبه بیشتر به لحاظ اقلیمی به موضوع پرداختیم.

* **مهندس محیط زیست و کارشناس ارشد مدیریت آموزشی**

جغرافیای طبیعی و اقلیم استان

استان گیلان از استان های شمالی کشور است.

ناهمواری های آن از غرب به شرق شامل: تالش، ماسوله، پشته کوه و رشته کوه البرز است که از سه بخش غربی، مرکزی و شرقی تشکیل شده است. البرز غربی مانند حصار ی استان گیلان را در بر گرفته است و بلندترین قله آن فک یا دلفک (آشیانه عقاب) نام دارد. جلگه های استان گیلان در میان دریا و کوهستان، تا ارتفاع یکصد متری سطح دریا، گسترده اند. مساحت این جلگه ها به بیش از پنج هزار کیلومتر مربع (نزدیک به یک سوم زمین های استان) می رسد. این زمین ها به سه قسمت عمده تالش، گیلان غربی و گیلان شرقی تقسیم می شوند.

پرویز کردوانی متولد ۱۳۱۰ در روستای مندولک گرمسار است. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در داراب و دیپلمش را از دبیرستان رازی که آن ایام به مدرسه فرانسوی ها مشهور بود گرفت. متوسطه برای ادامه تحصیل به آلمان رفت دکترای رشته عمران کویر را از آلمان دریافت کرد. او به عنوان چهره ماندگار در زمینه جغرافیا معرفی شده است.

مدیرکل دفتر مطالعات آموزشی دانشگاه تهران، بنیانگذار و رئیس مرکز تحقیقات مناطق کویری و بیابانی ایران راهنمایی بیش از ۱۵۰ پایان نامه فوق لیسانس و ۷ رساله دکتری مطالعات میدانی در مناطق کویری و بیابانی ایران استاد نمونه دانشگاه تهران برنده جایزه «مهرگان علم» به خاطر تالیف بهترین کتاب سال در زمینه محیط زیست، عضویت در بنیاد مطالعات آسیایی، شبکه آب خاورمیانه، عضو هیات امنای صلح سبز، رئیس کمیته بیابان زدایی انجمن متخصصان محیط زیست ایران، تالیف بیش از ۲۰ جلد کتاب و ده ها مقاله علمی به زبان های فارسی، انگلیسی و آلمانی و سخنرانی های متعدد در مجامع علمی داخلی و خارجی از جمله فعالیت های این استاد گرانقدر است.



از بوسار تا گلزار

گلزار ۴۳ ساله شد

واهانیان با بیان اینکه گلزار تنها شهرک رشت است که تاریخچه احداث مشخصی دارد می گوید: این منطقه در ابتدا شالیزار بود و از اواخر دهه ۴۰ مورد توجه بخش خصوصی برای عمران و آبادی قرار گرفت. و در سال ۱۳۵۱ کلنگ نخستین و وسیع ترین طرح شهرک سازی گیلان در رشت به زمین زده شد و امسال گلزار ۴۳ ساله شده است. چاپ خبر احداث شهرک گلزار

این استاد معمار می گوید: البته در آن سالها ساخت و ساز در کشور رونق زیادی نداشت و حتی ساختمان های چند طبقه بسیار کم بود. بنابراین احداث شهرکی به این وسعت بسیار مهم بود و این خبر در کل کشور به گوش دیگران رسید. و در دو تا از روزنامه های آن زمان به نام «طالب حق» و «طلوع اسلام» هم این خبر چاپ و در مورد تاثیرات آن مقالاتی نوشته شد.

وی ادامه می دهد: مراسم کلنگ زنی شهرک گلزار با حضور «غلامرضا عون جزایری» استاندار وقت و اسدالله رشیدیان یکی از سرمایه گذاران بزرگ آن زمان و دکتر علی آبادی و... برگزار شد. به گفته وی طراحی شهرک گلزار به عهده دکتر علی آبادی و تیم وی بود که در آن زمان طراحی شاهین شهر اصفهان را نیز به عهده داشتند.

گلزار برای ۱۵ هزار نفر

واهانیان با ذکر اینکه وسعت شهرک گلزار یک میلیون و ۷۰۰ هزار مترمربع ثبت و برای سکونت ۱۵ هزار نفر طراحی شده بود گفت: در این شهرک که به ۳ مرکز تقسیم می شد، هزار و ۵۰۰ خانه تک ویلایی و هزار و ۷۰۰ آپارتمان ساخته شد که به مرور زمان به مردم فروخته شد.

طراحی خیابانها با عرض ۴۵ متر

وی اضافه می کند: علاوه بر واحدهای مسکونی، مسجد گلزار که تا به امروز پابرجاست به همراه درمانگاه، دبیرستان

دخترانه و پسرانه و فروشگاههایی که مایحتاج ساکنان شهرک را تامین کنند، نیز پیش بینی شده بود. مسجد گلزار همزمان با ساخت شهرک نوسازی شد و به دستور سرمایه گذار شهرک، احداث و کاشی کاری های مسجد را معماران برجسته اصفهانی برعهده گرفتند.

در طرح شهرک، عرض خیابانها ۴۵ متر در نظر گرفته شد و فضای سبز با درختان سر به فلک کشیده در اطراف خیابان، جزئی از طرح شهرک بوده است.

از بوسار تا گلزار

این معمار پیشکسوت ادامه می دهد: البته از ابتدا شهرک گلزار، به این نام شناخته نمی شد. در ۱۸ تیر که کلنگ ساخت شهرک با حضور مسئولان وقت استانی و شهری به زمین زده شد، این شهرک با نام شهرک «بوسار» ثبت شد، اما در شهریور همان سال پس از اعلام فراخوان عمومی و بر اساس پیشنهادات مردم، نام شهرک به «گلزار» تغییر پیدا کرد.

واهانیان بر اساس اسنادی که در پژوهش تاریخ رشت جمع آوری و مطالعه کرده، درباره تغییر نام شهرک می گوید: بنا بر آنچه در شماره یومیه روزنامه بازار در تاریخ ۱۹ شهریور سال ۵۱ منتشر شده، همزمان با سالروز بعثت پیامبر اکرم (ص) در ۱۵ شهریور، نام «گلزار» جایگزین «بوسار» شد.

وی می افزاید: نکته جالب توجه این است که انتخاب این نام بنا بر اجماع هیأت داوران بوده است. و شخصی که نام گلزار را برای شهرک پیشنهاد داده بود از گرفتن جایزه تعیین شده امتناع کرده و از هیأت داوران خواسته بود که جایزه وی را به آسایشگاه معلولان رشت اهدا کنند.

ماهانامه گیلان فردا -

تقریباً قسمت اعظم این مصاحبه به طور شفاهی و سربایی در گفت و گو با استاد واهانیان در پژوهشکده گیلانشناسی شکل گرفت. اما وقتی برای تکمیل مصاحبه و داشتن تاریخچه جامع تری از «گلزار» به دفتر کار ایشان رفتم متوجه شدم حرف های زیادی در حوزه ساخت و ساز شهری و معماری دارند که واقعاً شنیدنی است. روبرت واهانیان چهره شناخته شده، صاحب نظر و در واقع گنجینه ای در حوزه معماری است و شنیدن خاطرات و تجارب این استاد فرهیخته می تواند چراغ راهی برای بسیاری از دانشجویان و دانش پژوهان جوان و همچنین مسئولان و تصمیم گیران در حوزه شهری باشد. هر چند که وی از اینکه جوانان برای شناخت بهتری از تاریخچه شهر و محله خود خیلی علاقمندی نشان نمی دهند کمی دلخور است، اما با علاقمندی از تجارب و خاطرات خود در زمینه معماری و طراحی شهری حرف می زند و می گوید شناخت شهر و محله ای که در آن زندگی می کنیم بسیار مهم است. آنچه در ادامه بنظر تان می رسد خلاصه ای از این گفت و شنود است:

اهمیت شهرک گلزار

واهانیان به اهمیت کنونی شهرک گلزار برای شهرداری رشت اشاره می کند و می گوید: اکنون بخش عمده ای از درآمد شهرداری رشت از محل عوارض و پروانه ساخت و ساز شهرک گلزار تامین می شود. و چون احداث شهرک گلزار بر اساس طرحی درست و کارشناسی بوده توانسته در عمل هم موفق باشد. اما یکاش در سالروز احداث شهرک، با یادآوری حواشی زمان ساخت، جشنی مردمی برگزار شود. تا مردم بخصوص جوانترها از تاریخچه محله خود اطلاعاتی داشته باشند. چون دانستن معمولاً حساسیت ها و نگرانی های آدمی را بیشتر می کند و این کار می تواند آغاز راهی برای مشارکت بیشتر شهروندان در حوزه های مختلف شهری برای بهتر شدن شرایط زندگی باشد.

گلزار در حال حاضر

گفتنی است در سال های اخیر ساخت و سازهای زیادی در گلزار صورت گرفته است و نمای این شهرک از یک شهرک ویلایی به بافتی آپارتمانی و مجتمع های چند واحدی مسکونی، اداری و تجاری تغییرات زیادی داشته است. در این محله بانک ها، مجتمع های تجاری، رستوران ها و نمایندگی مارک های معروف بسیاری وجود دارند. مرکز خرید و پارک های «کلیپارک» و بوستان «توحید» از دیگر اماکن شهرک گلزار هستند.

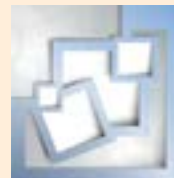
مجسمه میدان گلزار

در گیلان از قدیم «ماهی» نماد زایش و «اسب» نماد کار بوده است. و این مجسمه یک موجود ترکیبی افسانه ای یونان باستان است که سر و دو دست شبیه اسب و بدنی شبیه ماهی و باله هایی فلز دارد. فلسدار دارد به نام هیپوکامپوس (HIPPOCAMPUS) یا اسب ماهی، که مرکب پوسیدون (POSEIDON) فرمانروای دریا بوده و همچنین ارباب گالاتئا (GALATEA) پری دریایی را حمل می کرده که در نقاشی های فرانسوی و ایتالیایی دوره رنسانس و باروک به چشم میخورد. این تمثال بیش از ۳۷ سال پیش توسط یک مجسمه ساز رشتی ساخته و با افتتاح شهرک گلزار رشت در آنجا نصب شد.





محله محوری در رشت



دکتر سید محمد علی ثابت قدم، شهردار رشت با بیان اینکه «محله محوری» برای جلوگیری از تراکم زدایی، حفظ و صیانت هویت محله ها و تفویض اختیار به شهرداران مناطق مفید است، هدف از اجرای طرح مدیریت محله محور در رشت را مشارکت آگاهانه شهروندان در مدیریت شهر، واگذاری امور به خودشان و نوسازی و توسعه هر محله و منطقه با کمک مدیران و ساکنان همان محله عنوان می کند.

شهردار رشت با اعتقاد بر اینکه با افزایش جمعیت و توسعه شهرها نقش محلات کم رنگ شده و هویت برخی از محلات از بین رفته است می خواهد با اجرای طرح محله محور، مردم به طور رسمی در مدیریت شهر سهیم شوند.

وی در حاشیه ی نشست هم اندیشی نحوه ی اجرای طرح "محله محوری" شهرداری شهر رشت به خبرنگار واحد مرکزی خبر گفت: اجرای برنامه های مذهبی، فرهنگی و هنری، ورزشهای بومی محلی، برپایی ایستگاههای سلامت و نقاشی، ارائه مشاوره های حقوقی و خانوادگی و آموزش کمکهای امدادی از جمله برنامه هایی است که به صورت هفتگی از شهریور ماه ۱۳۹۴ در ۵۵ محله رشت برگزار می شود.

ساکنین معرفی خواهیم کرد. وی با این دیدگاه که امروزه فرهنگ، تولید سرمایه و پول می کند گفت: در حوزه اقتصاد ما در اکثر موارد وارد کننده تکنولوژی هستیم بنابراین باید در فرهنگ نگاه ویژه ای داشته باشیم. شهردار رشت گفت: در شهرداری می توان با جمع آوری منابع اطلاعاتی در حوزه های مختلف، منابع مالی را در حوزه فرهنگی وارد کرد.



محله گلزار جزو شهرداری منطقه یک

شهرداری رشت، شامل ۵ منطقه است. محله "گلزار" یکی از محلات منطقه یک شهرداری شهر رشت است. این محله در شمال غرب رشت واقع شده است. شهرداری منطقه یک حدوداً با ۲۴/۳۲۶/۷۲۵ متر مربع وسعت دارای جمعیتی بالغ بر ۱۶۱۷۱۷ نفر است. از محلات آن می توان به سیاه اسطوخ، چمارسرا، بیستون، کوچه صفاری، علی آباد، حسین آباد، استادسرا، فلاحی، پل بوسار، خمسه بازار، گلزار، پستک، مهرآیین، اسماعیل آباد و کوی نخودچر، پاسکیاب، کوی داودی اشاره کرد. ساختمان اداری شهرداری منطقه یک نیز در بلوار معلم نبش چهارراه ویلانچ واقع شده است.

وی از تدوین شناسنامه محله های رشت خبر داد و گفت: ۵۵ محله رشت دارای شناسنامه می شوند تا از این طریق ارتباط بهتری با نخبگان شهر داشته باشیم. وی با بیان اینکه ۱۵ تلویزیون شهری در ۱۵ ناحیه رشت نصب می شود تا مردم از این کانال ها تمام اخبار شهری را بدست آورند، افزود: در این تلویزیون ها علاوه بر اطلاع رسانی، شخصیت های مطرح آن محله را به صورت الگو به



واهانیان که همچنان در زمینه تحقیق و پژوهش معماری و شهری فعال است بی هیچ ادعایی، با انبوهی از اسناد و تجربه و نگاهی علمی به معماری و شهرسازی هم اکنون در رشت زندگی می کند. بنظر می رسد لازم است ضمن قدردانی از این استاد ارجمند دستاوردها و میراث فرهنگی که وی طی این سالها جمع آوری کرده است توسط اهالی فرهنگ گیلان با افتخار در مکان مناسبی نگهداری شود.



همکاری با شهرداری، دعوت شد. هنوز با شهر رشت و ساختار شهرداری به درستی آشنا نشده بود که واقعه ناگوار زلزله ۳۱ خرداد ۱۳۶۹ گیلان رخ داد. او در این گیر هنگام مسئولیت اجرایی بازسازی برخی از ساختمان های مهم شهری که از زلزله آسیب دیده بودند، از جمله مدیریت بازسازی ساختمان شهرداری رشت را به عهده گرفت. خود وی می گوید: «با توجه به تجربه های علمی و عملی توانستم با دسترسی به نقشه ها و پابندی کامل به اصالت معماری آن، برج ساعت شهرداری را بازسازی کنم».

پس از وقوع زلزله مطالعات بسیاری از سوی نهادهای دولتی مانند استانداری، سازمان مسکن و شهرسازی، سازمان میراث فرهنگی و مرکز مقابله با سوانح طبیعی ایران، وابسته به بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، شروع شده بود. در این زمان، روبرت هم درگیر بازسازی برج ساعت و هم مشغول تدارک مقدمات برگزاری انتخابات نخستین دوره سازمان نظام مهندسی معماری و شهرسازی استان بود. پس از بازسازی برج ساعت شهرداری رشت، واهانیان مرمت بنای خانه ی قدیمی متعلق به نخستین شهردار رشت، حاج میرزا خلیل آقا، که اکنون شورای شهر در آنجا مستقر است انجام داد.

«بر گرفته از فصلنامه فرهنگی پیمان»



(روبرت واهانیان سال ۱۳۱۶ در تبریز به دنیا آمد. وی پس از دوره تحصیلات متوسطه، در دبیرستان فردوسی تبریز، در سال ۱۳۳۷ در رشته شبانه زبان و ادبیات فارسی، در دانشگاه تبریز درس خواند اما این آرمانی نبود که او در پی آن بود. به همین خاطر یک سال بعد با تلاش بیشتر در کنکور سراسری شرکت کرد و در رشته معماری دانشگاه تهران قبول شد. وی در سال ۱۳۴۶ از رشته معماری دانشگاه تهران فارغ التحصیل و در بخش خصوصی مشغول به کار شد. در پائیز ۱۳۴۶ دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، دوره عالی رشته شهرسازی را بنیاد نهاد و ضمن اشتغال به کار این دوره پنج ساله را نیز طی کرد.

واهانیان پس از گذراندن دوره پنج ساله شهر سازی در آلتیه دکوراسیون و معماری داخلی، به نام آوانگارد، با همکلاسی خود همکاری و مدتی بعد با پایه گذاری یک شرکت ساختمانی، تجربه های دیگر را آغاز کرد. کار شرکت، طراحی و ساخت مجتمع های بزرگ آموزشی بود. این شرکت توانست در تهران، خوانسار و رشت کارهای ساختمانی مختلفی از جمله هنرستان صنعتی در خوانسار و مرکز آموزش کشاورزی شهید اشرفی اصفهانی در رشت را، به انجام رساند.

واهانیان در ۱۳۶۶ از کار در شرکت یاد شده دست کشید و در رشت اقامت دائم گزید و از آغاز ۱۳۶۹ به دعوت شهردار جوان رشت، برای

ملک شخص حقوقی واگذار شد به اشخاص حقیقی

استان نیز رای صادره از شعبه پنجم را تأیید کرد و رای قطعی شد.

آیا متصرفین تمکین کردند؟

پس از تأیید حکم آراء صادره مبنی بر خلع ید و ازاله اعیانات منجر به صدور اجرائیه شعبه پنجم اجرای احکام حقوقی شد ولی طی چند مرحله، تقاضای استمهال متصرفین مورد موافقت قرار گرفت و اجرای آن به تعویق افتاد.

یعنی متصرفین علی رغم رای دادگاه باز حاضر به تخلیه آنجا نیستند؟

حدود دو سال است که حکم خلع ید برای آنجا صادر شده، متصرفین آنجا را خالی کرده اند اما قسمت دیگر حکم را که قلع و قمع بنا بود انجام ندادند.

چرا؟ نظرشان چیست؟

در مورد این موضوع از سوی خدمات شهری، متصرفین دعوت شدند و از آنها پرسیده شد که چرا برای قلع و قمع بنا هنوز اقدامی نکرده اند، که آنها گفتند «این بنا مال ماست و شهرداری باید مبلغی را به ما پرداخت کند» اما این حرف وفق مقررات نیست چون در رای دادگاه پرداخت غرامت دیده نشده است. و حتی شهرداری می گوید متصرفین باید اجرت المثل ایام تصرف را پرداخت کنند. و این محاسبه انجام و رقم اجرت المثل با آنها در میان گذاشته شد اما آنها به پرداخت تمکین نکردند و پرونده مفتوح مانده است.

شهرداری رشت بالاخره چه اقدامی کرد؟

در نهایت شهرداری (در تاریخ ۲۰ مهر ۹۲) نامه ای به رئیس وقت شورا نوشت و ضمن ارایه توضیحات لازم و دادن مهلت کافی به محکومین از شورا خواست برای حفظ اموال و حقوق عمومی و جلوگیری از تضییع آن، حکم دادگاه که پس از طی مراحل و مواعد قانونی لازم الاجرا است در دستور کار قرار گیرد.

بنابراین پس از گذشت این همه سال، الان به گفته شما دو سال هم از خلع ید گذشته ولی هنوز این مکان به صورت بلاتکلیف و فرسوده در مرکزی ترین پارک رشت رها شده است. بالاخره تصمیم مدیران مرتبط و خدمات شهری رشت در این مورد چیست؟ آیا پیشنهادی از طرف مردم نشده است؟

درست است هنوز اقدامی صورت نگرفته، اما پیشنهادات مختلفی بوده که باید بهترین انتخاب شود. ولی برای این کار هم باید نکاتی مد نظر قرار گیرد. از جمله اینکه برای آنجا ابنیه و تاسیسات دیده نشده است. از طرف دیگر محوطه سبزه میدان زیر نظر سازمان میراث فرهنگی هم هست و باید با آن اداره هماهنگ باشیم.

برای کاربری آنجا چه پیشنهاداتی بوده است؟

پیشنهاداتی مبنی بر اینکه آنجا به عنوان یک سکو برای اجرای نمایش باشد و یا تندیس گذاشته شود. چون همانطور که گفتیم در آن محوطه ساخت و ساز نمی توان کرد.

امیدواریم حداقل در اجرای یکی از طرح های پیشنهادی، بهترین و بیشترین کاربرد و کارکرد برای شهروندان در نظر گرفته شود و سلیقه ای عمل نشود...

(لازم به ذکر است اسامی کسانی که ادعای مالکیت این ملک و بنا را داشته اند در دفتر ماهنامه محفوظ است.)

وضعیت ملکی و حقوقی کتاب فروشی داخل پارک سبزه میدان رشت به چه صورتی است؟ چرا این بنا سال ها به حال خود رها شده؟

در سال ۱۳۶۰ کتابفروشی سبزه میدان (معروف به کتاب فروشی شهید انصاری) توسط جهاد سازندگی با متراژ ۵۲ متر مربع احداث شد و هدف آن ترویج معارف دینی و کتب مذهبی و در واقع مکانی غیر انتفاعی و غیر تجاری بود. اما پس از آن در سال ۱۳۶۸ این کتاب فروشی با اخذ بها به دفتر تبلیغات اسلامی واگذار شد. و دفتر تبلیغات نیز از سال ۱۳۷۳ مکان فوق را توسط شخص دیگری به صورت استیجاری در اختیار اشخاص حقیقی قرار داد و عملاً کتاب فروشی از حالت غیر تجاری و مکان صرفاً فرهنگی خارج شد.

یعنی ملک عمومی (حقوقی) به اشخاص حقیقی واگذار شد؟! متأسفانه بله. واگذاری ملک به شخص حقوقی بر خلاف مقررات تبدیل شد به واگذاری ملک به شخص حقیقی.

چرا شهرداری اقدامی نکرد؟

سال ۱۳۸۰ شهرداری طی نامه ای (به شماره الف/۱۲۷۲/۱۱۲) از متصرف ملک تقاضا کرد ضمن معرفی نماینده ای برای چگونگی جمع آوری کتاب فروشی اقدام کند و حتی شهرداری نسبت به ارزیابی و تعیین غرامت اعیان کتاب فروشی هم اقدام کرد اما پاسخی دریافت نکرد. و کتاب فروشی حدود شش تا هفت سال همانطور ماند.

بعد از آن چه اتفاقی افتاد؟

در سال ۱۳۸۱ مرحوم ... مکان فوق را به اشخاص حقیقی دیگری از جمله آقایان ... و ... منتقل کرد. به عبارت دیگر حقوق متصوره برای مکان فوق را علی رغم عدم مالکیت منتقل کرد.

پس این تخلف باز هم تکرار شد و دوباره ملک عمومی به اشخاص حقیقی دیگری واگذار شد؟!

بله و چون واگذاری خلاف بود شهرداری سال ها پیگیر موضوع بوده است. چون شهرداری رشت مالک شش دانگ پلاک ثبتی ۷۸۸ بخش دو رشت (سبزه میدان) است و کلیه نقل و انتقالات بدون اجازه و اطلاع شهرداری غیر نافذ است. بنابراین در سال ۱۳۸۲ طی اظهارنامه ای به شماره ۳/د/۲۷۴۱/ظ به متصرفین اخطار شد که نسبت به رفع تصرف و پرداخت حقوق قانونی شهرداری اقدام کنند و حتی قید شد که در غیر این صورت شهرداری وفق مقررات و از طریق مراجع قضایی اقدام خواهد کرد.

آنوقت متصرفین چه کار کردند؟

اقدامی نکردند و عدم توجه متصرفین به اخطارها منجر به طرح دادخواستی شد که طی آن شهرداری در جهت حفظ اموال عمومی تقاضای خلع ید و ارایه اعیانات و اجرت المثل ایام تصرف را کرد.

و در تاریخ ۸۶/۸/۳ طی رای شماره ۶۷۰ شعبه پنجم دادگاه عمومی حقوقی، دعوی شهرداری را ثابت تشخیص و به استناد مواد ۳۰۷ و ۳۰۸ و ۳۱۱ و ۳۱۷ و ۳۲۰ و ۳۳۷ قانون مدنی و مواد ۱۹۸ و ۵۱۶ و ۵۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی، متصرفین را محکوم به پرداخت اجرت المثل ایام تصرف و خلع ید و ازاله اعیانات احداث و هزینه دادرسی و دستمزد کارشناسی کرد. نهایتاً پس از فراز و فرود فراوان در تاریخ ۹۱/۵/۴ طی دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۱۳۱۴۲۰۰۴۳۳ شعبه نهم دادگاه تجدید نظر

رقیه ابراهیم زاده اصلی

بیش از سی سال از راه اندازی کتاب فروشی داخل پارک سبزه میدان رشت می گذرد، اما سال هاست که در این کتاب فروشی بسته و تقریباً شبیه یک بنای مخروبه شده است. بسیاری از شهروندان و حتی مسافران و گردشگرانی که به رشت می آیند از خود می پرسند داستان این بنای نیمه مخروبه چیست و چرا در پارک مرکزی و قدیمی شهر رها شده است! حتماً شما هم بارها از سبزه میدان رد شده و این کتاب فروشی قدیمی را دیده اید. حالا دیگر این بنای کوچک با آن ظاهر رنگ و رو رفته و پله های شکسته و پرچمی که سال هاست زیر آفتاب و باران رنگ پریده و پاره شده است نمای زشت و بدقواره ای را در پارک به وجود آورده و بدون هیچ کارکرد فرهنگی هر روز تصویر ناموزونی را به شهروندان هدیه می دهد! اما به راستی این وضعیت و بلاتکلیفی تا کی قرار است ادامه داشته باشد؟ این سوال شهروندان را از آقای یاسر صفاکار مدیر حقوقی شهرداری رشت پرسیدم. با هم این گفت و گو را می خوانیم:



سرای میخچی، بنایی که می تواند گردشگران را جذب کند

تخریب یا احیا

ماهنامه گیلان فردا- سرای میخچی در رشت، خیابان شریعتی، روبروی مسجد حاج مجتهد واقع شده و این اثر معماری در تاریخ ۷ اسفند ۱۳۸۶ با شماره ثبت ۲۱۵۵۶ به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. اخیرا در جهت تخریب این بنای قدیمی و تاریخی و احداث پاساژ و نظایر آن اقداماتی انجام شد که باعث انتقاد دوستداران میراث فرهنگی شده است. در نامه ۶۴ تشکیل مردم نهاد استانی و ملی که برای جلوگیری از تخریب سرای تاریخی میخچی در شهر رشت خطاب به آقایان دکتر نوبخت، ریاست سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور سلطانی فر، ریاست سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور دکتر حناچی، دبیر شورای عالی شهرسازی و معماری ایران دکتر ثابت قدم، شهردار شهر رشت نوشته شده آمده است:

در جهان امروز که کشور ها سعی در شناختن و معرفی آثار و مفاخر تاریخی و فرهنگی خود به جهان دارند، در استان گیلان و شهر رشت، یک اثر ثبتی در معرض خطر تخریب و جایگزینی با مرکز خرید و پاساژ می باشد.

“سرای میخچی” به عنوان اثری تاریخی جزء مجموعه بافت تاریخی و ارزشمند شهر رشت و بازار تاریخی آن محسوب می شود و دارای ارزش مطالعاتی معماری و بوم شناختی است. سرای تاریخی میخچی در حریم بنای ثبتی هتل فردوسی، محدوده بافت تاریخی، محور و گذری تاریخی واقع شده و از عناصر شاخص تشکیل دهنده بافت تاریخی شهر رشت محسوب می شود که معماری خاص و موقعیت و دسترسی آن به همراه واقع شدن در جوار مجموعه ای از آثار تاریخی و واجد ارزش همچون خانه تاریخی چینی چیان، ساختمان تاریخی شورا و سباط و رودی آن، موجب تمایز این مجموعه از سایر کاروانسراهای تاریخی در داخل بازار گردیده و بر همین اساس می تواند یکی از اجزای مهم در جریان روند احیا و توسعه بافت تاریخی مرکزی شهر رشت و بازآفرینی آن با تکیه بر راهبرد گردشگری تاریخی و فرهنگی باشد. با مرمت و تخصیص ترکیبی از فعالیت ها همچون رستوران، کافه، فروشگاه صنایع دستی و بازارچه سنتی، گالری، سالن گردهمایی و نمایش، می توان سرای میخچی را به یک مرکز فرهنگی- هنری و گردشگری در قلب شهر رشت تبدیل نمود و دوباره زندگی را به این میراث تاریخی شهر رشت بازگرداند. آری، سرای میخچی می بایست حفظ شود تا فرزندان این مرز و بوم هویت تاریخی خود و شهرشان را از یاد ببرند.

بر این اساس، ضمن احترام به حقوق مالکیت بنای مذکور، مخالفت خود باتخریب سرای تاریخی میخچی شهر رشت را اعلام می داریم و خواهشمندیم در جهت حفظ و احیای این مجموعه تاریخی ارزشمند و منحصربفرد به عنوان بخشی از هویت تاریخی و فرهنگی شهر رشت و استان گیلان تدبیر لازم را اتخاذ فرمایید.

انجمن دوستداران میراث فرهنگی استان گیلان

- انجمن صنفی راهنمایان گردشگری گیلان
- موسسه گردشگران سبز اندیش
- موسسه گردشگران پایدار گیل
- خانه فرهنگ گیلان
- انجمن متخصصین صنعت گردشگری گیلان
- بنیاد تاریخ و میراث فرهنگی ایران
- انجمن مجموعه داران ایران
- انجمن فرهنگی گیلان
- انجمن اورآسیا
- موسسه سرزمین ایده آل ما
- جمعیت زنان و جوانان حافظ محیط زیست گیلان
- دیده بان یادگارهای فرهنگی و طبیعی ایران
- کمیته گردشگری و توسعه پایدار بنیاد مهر
- انجمن متخصصان گردشگری ایران
- موسسه یادگارهای تاریخی فرهنگی و طبیعی گیلان
- دیده بانان ثروت های طبیعی و فرهنگی سرزمین ایران
- انجمن طلایه داران فرهنگ گردشگری گیلان
- موسسه سفیر دیار دیلم
- موسسه سبز کاران بالان
- موسسه هزارستان چمن
- انجمن دوستداران روستای امام
- موسسه شقایق های وحشی
- جمعیت زنان مبارزه با آلودگی محیط زیست شاخه گیلان
- انجمن طرفداران توسعه انزلی
- موسسه کودکان سبزاندیش
- انجمن شیوان سبز آستارا
- انجمن جوانان سها
- انجمن ایلام شناسی ایران
- انجمن توفای شوشتر
- انجمن مهرگان شیراز

- موسسه ضحی ایرانیان
- انجمن گردشگری سلامت به باش
- انجمن غار و غار شناسی ایران
- انجمن گردشگران سرزمین من
- موسسه سپیده ی بیداری
- انجمن فعالان گردشگری کرمانشاه
- انجمن حیات ایران (فارس)
- انجمن نقش آفرینان جوان (بوشهر)
- انجمن دوستداران محیط زیست لنگرود
- انجمن آوای سبز
- انجمن بانوان امدادگر
- موسسه ساحت اندیشه گیل
- موسسه کاوشگران مهد
- انجمن ژین و ژینگه زاگرس کرمانشاه
- انجمن حافظان خشت خام یزد
- انجمن نوآندیشان نوژن پژوه
- موسسه پرتو گردشگری
- انجمن پیشگامان خورشید استهبان
- انجمن میناکاران نقش جهان
- انجمن جام جهان بین اسپادانا
- انجمن بهین شهرمن (بوشهر)
- انجمن پاپوروان سنه (کردستان)
- موسسه تمدن کریمان کویر (کرمان)
- خانه عصر باستان
- موسسه نبض سبز حیات
- انجمن پویشگران سفر پاک
- انجمن توسعه محلی بهارستان
- موسسه طلوع سفر زاگرس
- انجمن مهرورزان توانا
- موسسه کنشگران توسعه پارس
- انجمن دوستداران سرزمین ریگ و افتاب
- انجمن طلوع سپید مهرپارسیان
- انجمن جوانان سپید پارس



گل بکاریم و آشغال نریزیم

نمی دانم برای دوری از این عادت ناپسند چه زمانی اقدام خواهیم کرد؟ اصلا چه باید بشود تا ملزم به رعایت پاکیزگی و بهداشت شهری بشویم؟ آیا باید دستوری صادر شود؟ جریمه ای در نظر گرفته شود؟

چرا با بی توجهی به این مقوله مهم که اصولا از بدیهیات است چهره شهر و دیارمان و حتی محیط کارمان را خراب می کنیم؟

در شهرهایمان به اندازه کافی کمبود و کاستی به لحاظ میلمان شهری وجود دارد، نمونه اش همین رشت خودمان که متأسفانه در دهه های اخیر از بی مهری و سهل انگاری زیادی رنج برده است و معلوم هم نیست کی به معنای واقعی به ارزش و اعتبار کهن بر خواهد گشت!

حتما شما نیز چهره شهر را پس از برگزاری مراسمی از قبیل اعیاد و یا تعزیه های ماه محرم و صفر دیده اید! رها کردن ظروف یک بار مصرف، انداختن پاکت آبیوه و یا بسته بندی کلوچه و بیسکویت پس از خوردن و دهها چیز دور ریختنی مشابه دیگر در سطح خیابان ها و معابر عمومی واقعا نشان از چه دارد؟ چطور می توانیم ادعا کنیم که به پاکیزگی اهمیت می دهیم ولی در مقابل چنین رفتارهای ناپسندی از ما سر می زند! این رفتارهای ناپسند از کدام فرهنگ و کدام عادت ناپسند اجتماعی نشأت می گیرد؟

حال تصور کنید یکایک ما شهروندان نیز نسبت به شهر رنجورمان که ادعا می کنیم دوستش می داریم، بی توجه و نامهربان باشیم! باور کنید اگر هر یک از ما در معابر عمومی فقط آشغال نریزیم چهره شهرمان تغییر خواهد کرد. باید از خودمان شروع کنیم و منتظر دیگری نباشیم. نگهداری و پاکیزگی محیط زندگی در اماکن عمومی از بدیهیات است که در هیچ شرایطی نباید نسبت به آن بی توجه بود. افزایش سطل های زباله و تعمیر و رنگ سطل

مرسده دلمی

تقریبا هر ساعت از شبانه روز میتوانیم پلاستیک های کوچک و بزرگ آشغال و زباله را کنار درب منازل و سر کوچه ها ببینیم. ساک ها و پلاستیک هایی که حاوی زباله خشک و تر به صورت باز و یا سر بسته منظره نامطلوبی را در تیررس چشم رهگذران و عابران بوجود می آورند!

اما به غیر از این زباله ها، در بسیاری از نقاط دیگر نیز می توان آشغال های ریز و درشت را مشاهده کرد! فرقی نمی کند وسط خیابان، حاشیه پارک، بلوارها، کنار و یا داخل جوی آب، کنار مغازه ها، در بازارچه های میوه و تره بار و حتی گاهی در تاکسی و اتوبوس...! متأسفانه بسیاری از ما در تمیز و پاکیزه نگه داشتن محیط کارمان هم کوتاهی می کنیم و حاضر نیستیم حتی همان فضا و مساحت کوچکی را که در اختیار داریم درست نگه داری کنیم. در حالی که پاکیزه نگه داشتن محیط کار علاوه بر اینکه از بدیهیات است باعث افزایش راندمان کاری و انگیزه بهتر برای کار کردن می شود که بخشی از تدارکات لازم آن به عهده اداره، سازمان یا کارفرما و بخش دیگر به عهده خود شخص است.

های موجود می تواند جلوی خیلی از این بی مسئولیتی های کوچک را بگیرد. و موجب انگیزش بیشتر شهروندان برای مشارکت در این امر مهم و همکاری با پاکبانان زحمتکش باشد.

بی شک اگر ما کوچه، خیابان، شهر، روستا و مسیر جاده های درون شهری و برون شهری مان را تمیز نگه داریم هیچوقت هیچ گردشگری هم به خود اجازه نخواهد داد که زباله هایش را در معابر عمومی و گردشگاهها و طبیعت زیبای گیلان رها کند...

خوشبختانه در هفته های اخیر از سوی شهرداری رشت نسبت به زیبا سازی فضای شهری اقداماتی شده است. نمونه اش کشیدن طراحی و نقاشی ها زیبای دیواری توسط هنرمندان این رشته است. این کار نوید بخش انجام اقدامات بیشتر و یزرگتر در فضای شهری است.

البته یک پیشنهاد هم برای شهرداری داریم. اگر شهرداری مناطق مختلف رشت، گل کاری بلوارها و حاشیه خیابان ها را یکی از الویت های اصلی خود قرار دهند (نه الویت فصلی و مناسبتی) نه تنها در زیبا سازی شهر موثر خواهد بود بلکه موجبات تلطیف و آرامش شهروندان را نیز فراهم خواهند کرد. در همین راستا خیلی از بیکاران در رشته ها و مهارت های باغبانی هم می توانند مشغول کار شوند. البته برای موفقیت بیشتر در این زمینه لازم است مناطق هر یک با گلکاری و باغبانی زیباتر در بهبود فضای شهری رقابت کنند. باور کنید با همین دو اقدام کوچک می توان چهره شهر را در وهله اول زیبا و تلطیف کرد و از خستگی روزمره شهروندان و چشم انداز ساختمان های کج و معوج و بافت فرسوده کاست. و همزمان کارها و الویت های دیگر شهری به لحاظ عمرانی را که در نگاه اول مهمتر به نظر می رسند پی گرفت. شاید برای توجه به این مهم در عمل و به معنی واقعی، امروز هم دیر باشد اما امروز شروع کردن بهتر از فردا خواهد بود. امید که به خود بیایم و از خود شروع کنیم ...



چی چیلاس

«خوانندگان عزیز، در ماهنامه گیلان فردا، یک سری راهکارهای مدیریتی را به شما ارائه می دهیم که باور کنید همچون آب روی آتش کارساز است. در این ستون نه به دنبال نیش زرخه پوتال هستیم و نه نیش گرزک. فقط پیام ها را به چی چیلاس ها می سپاریم تا به پرواز درآیند تا زشتی و زیبایی کار از زاویه ای دیگر دیده شود...»

بعداً "به شما خبر می دهیم

ببینید دوستان عزیز، همه ی ما در مرادوات روزمره یا ارباب رجوع هستیم و یا تعدادی ارباب رجوع داریم. در هر شغل و حرفه باشیم فرقی هم نمی کند. چه بسا در این مراجعات کم یا زیاد ممکن باشد نخواهید پاسخ بعضی ها را بدهید. البته کوتاهی کردن در پاسخ چند دلیل دارد. اول اینکه ممکن است اصلاً دوست نداشته باشید جواب دهید، به کسی هم ربطی ندارد، همین هست که هست! دوم اینکه ممکن است حالش را نداشته باشید، باز هم به کسی ربطی ندارد! سوم اینکه ممکن است برایتان صرف نداشته باشد، باز هم به کسی چه مربوط! چهارم اینکه ممکن است فکر کنید موضوع به شما مربوط نیست، پس برای چه انرژی را هدر داده و دهان مبارک را باز کنید! پنجم اینکه ممکن است موقعیت شما را زیر سوال ببرد و به ضررتان باشد! ششم اینکه ممکن است بخواهید کلاس بگذارید! هفتم اینکه... خلاصه دلیل هر چه باشد فرقی ندارد، مهم این است که نمی خواهید جواب دهید!

پس بهتر است این عدم پاسخگویی به شکل مودبانه ای ابراز شود تا طرف مقابل فکر نکند جواب منفی شنیده است! بنابراین بهتر است به طرف مقابل بگویید «به شما خبر می دهیم» همین و خلاص.

دو سه بار که به دفعات این جمله را بگویید مطمئن باشید طرف مقابل عطای کار را به لقای آن می بخشد. مگر اینکه مثل بازیگر زرد قناری سماجت را چاشنی کار کند و بالاخره به جواب برسد. اما در چنین حالتی هم ناراحت نباشید اگر کار به آن مرحله رسید ما باز راهکارهای خلاقانه ای داریم که همه را از روند بروکراسی اداری دولتی و حتی خصوصی یاد گرفته ایم و به شما ارائه خواهیم داد. و شما همه این راهکارها را می توانید تحت عناوینی از قبیل تکریم ارباب رجوع (بخوانید تحقیر ارباب رجوع) نام گذاری کنید!



تاکسی پیام

تشکیل پرونده قضایی برای ۳۰۰ هزار تومان

هنوز کاملاً در تاکسی جابجا نشده که زنگ پیامک موبایلش به صدا در میآید. به محض اینکه پیامک رو می خونه مثل اسپند روی آتش شروع می کنه به چک چک کردن. و بدون اینکه راننده یا سرنشینان دیگه ازش چیزی بپرسن میگه: آخه من در تعجبم، برای اقساط باقی مانده که جمعاً ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان میشه چندین بار بهم زنگ زدن یا مدام پیامک میدن و تهدید می کنن که در صورت تاخیر، پرونده قضایی برای من درست می کنن! آخه این واقعا مسخره است که به خودشان اجازه میدن چنین پیامک هایی برای مشتریانان بفرستن. تازه اون هم یک صندوق نه بانک. حرفش به اینجا که می رسه یکی از مسافران میگه: خب از قدیم گفتن «قانون فقط برای ضعافتست. چون اختلاس گران میلیاردری آزادن، ولی بانک ها و موسسات پیگیر مطالبات چند صد هزار تومنی و بعضاً زیر ۵۰۰ هزار تومنی هستن».



ولی مسافردیگه ای میگه: البته اگه هزار نفر مثل شما اقساط کوچک معوق داشته باشن، کلی پول میشه. اما مسافرشاکی میگه: خب شما حساب کنین چقدر میشه، آیا مجموع این اقساط کوچک چند ده هزار تومنی و چند صد هزار تومنی به اندازه یک صدم مبالغی که اختلاس شده میشه؟ تازه جالب اینکه، این صندوق (که اخیراً تغییر نام داده)، سیستم دیگه ای راه انداخته و اون اینکه چند نفر رو آورده تا به مشتریان برای پیگیری مطالبات زنگ بزنن، اونا هم مدام مشغول این کار هستن، بعد برای خودشون قرار گذاشتن که حقوق این افراد رو ما ها پرداخت کنیم! لابد اصلاً پادشان رفته که این صندوق برای حمایت از اقشار آسیب پذیر راه اندازی شده، اونوقت گرفتن پول اضافه این وسط چه معنی داره معلوم نیست! به احتمال زیاد بعد این آمار را به آمار اشتغالزایی شون اضافه می کنند و می گویند شغل درست کردیم!!

جشنواره‌ی فرهنگی اقوام ایرانی در رشت

برگزاری یازدهمین نمایشگاه کتاب گیلان

ماهانامه گیلان فردا - دکتر فیروز فاضلی مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گیلان با اعتقاد بر اینکه جمع کردن خرده فرهنگ‌ها برای نمود بهتر و بهینه فرهنگ ایرانی و اسلامی یک ضرورت است، برگزاری جشنواره‌ی فرهنگی اقوام ایرانی را مبنایی برای تعامل و تبادل فرهنگی استان‌ها ارزیابی می‌کند و می‌گوید: تا انسان از اعماق دل و جان شاد و با نشاط نباشد نمی‌تواند شادی را به دیگران هدیه دهد و برگزاری جشنواره‌ی فرهنگی اقوام ایرانی فرصتی را فراهم می‌کند که انسان‌های شاد، امید را در دل افراد جامعه تقویت کنند. وی با اشاره به اینکه ایران اسلامی از اقوام مختلف تشکیل شده است که همگی در شکل گرفتن تمدن اسلامی و ایرانی نقش دارند، می‌گوید: اقوام مختلف، تکه‌هایی از یک پیکره واحد هستند که باعث قدرت این مملکت شده‌اند. «فرهنگ» هویت و سبک زندگی افراد جامعه است و «اقوام ایرانی» هم تکه‌های پازل سرزمین ایران هستند. وی با بیان اینکه گیلان هم از قومیت‌های مختلف تشکیل شده است که تنوع زبانی و آداب و رسوم در آن بارز است، از اینکه قوم کادوس‌ها یا همان کاسپین میزبان دیگر اقوام کشور هستند ابراز خوشحالی کرده و می‌افزاید: تجمع نمادین خرده فرهنگ‌ها در قالب برگزاری جشنواره اقوام برای نمود بهتر و بهینه فرهنگ ایرانی و اسلامی یک ضرورت است و برگزاری چنین جشنواره‌هایی مبنایی برای تعامل و تبادل فرهنگی استان‌ها خواهد شد. «گفتنی است جشنواره‌ی فرهنگی اقوام ایرانی با تاخیر چند روزه بخاطر گرامیداشت یاد شهیدان حادثه منا در مکه از ششم تا هفدهم مهر ماه در پارک قدس رشت دایر است.»

مدیرکل ارشاد اسلامی گیلان با اشاره به اینکه مطابق آخرین آمار، سرانه مطالعه گیلان جزو رتبه‌های برتر کشور است، اعتقاد دارد که هنوز کتاب از سید خانوار گیلانی حذف نشده است. وی نقش دستگاه‌های اجرایی از جمله شهرداری در برپایی نمایشگاه کتاب را بسیار مهم ارزیابی کرده و می‌گوید: انتظار داریم شهرداری در ارایه خدمات به بازدیدکنندگان نمایشگاه کتاب فعال‌تر از گذشته باشد تا مردم با دسترسی راحت‌تر و بیشتر از نمایشگاه کتاب استفاده کنند. وی با پیشنهاد اینکه شهرداری می‌تواند غرفه معرفی شهر رشت در کتب و نوشته‌های مکتوب را در نمایشگاه کتاب ایجاد کند، می‌گوید: هدف از این غرفه حساس شدن مردم در مورد شهر رشت و ریشه تاریخی و فرهنگی آن است. و چنانچه شهرداری و شورا با تخصیص اعتبار، میزان تخفیف نمایشگاه را بیشتر کنند علاقمندان به کتاب می‌توانند کتاب‌های خود را راحت‌تر تهیه کنند. دکتر فاضلی همچنین از تدوین شناسنامه فرهنگی و هنری استان خبر می‌دهد و می‌گوید: این شناسنامه فرهنگی کمک خواهد کرد تا با شناسایی هنرمندان، خدمت‌رسانی بهتری داشته باشیم. (لازم به ذکر است یازدهمین نمایشگاه کتاب بیست و پنجم آبان الی یک آذر برگزار خواهد شد.)

افتتاح بزرگترین سالن مجتمع آمفی تئاتر استان پس از ۱۷ سال

به گزارش روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گیلان، بالاخره پس از ۱۷ سال، بزرگترین سالن مجتمع آمفی تئاتر استان اول مهر امسال در بندر آستارا افتتاح شد. برای اتمام فاز نخست این مجتمع فرهنگی و هنری که با حضور استاندار گیلان، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی و جمعی از مسئولین استانی و شهرستانی و هنرمندان افتتاح و به بهره‌برداری رسید، ۲۱ میلیارد و ۵۹۳ میلیون ریال هزینه شده است. سالن آمفی تئاتر مجتمع فرهنگی هنری بندر آستارا با ظرفیت ۷۰۳ صندلی بزرگترین سالن آمفی تئاتر استان است. فاز اول این مجتمع شامل سالن آمفی تئاتر و اجتماعات، اتاق‌های گریه، انبار و کارگاه دکور، آرشو لباس، فضاهای خدماتی تاسیساتی و پشتیبانی به مساحت ۲ هزار و ۷۵۰ مترمربع است فاز دوم این پروژه با زیربنای ۴۱۰ مترمربع شامل گالری هنرهای تجسمی، ورودی اصلی، فضای انتظار، بالکن نمایش، پلاتو نمایش و بوفه است و با تخصیص اعتبار لازم در آینده به بهره‌برداری خواهد رسید.



مطبوعات محلی در عرضه مطالب و تولید محتوا فعال تر باشند

خبری باعث می شود مطبوعات محلی مطالب خود را بیشتر غیر تولیدی و دسته دوم عرضه کنند و طبیعتا چنین تولیداتی نمی تواند مورد اقبال قرار گیرد.

♦ فکر می کنید با وجود گسترش روز افزون رسانه های دیجیتال، رسانه های مکتوب چه موقعیتی پیدا خواهند کرد؟

بارها در ذکر علت عدم استقبال مردم به رسانه های مکتوب، وجود رسانه های الکترونیکی و فضاهاى مجازى به عنوان یک دلیل شمرده شده است. ولی من فضای مجازی و شبکه های اینترنتی و اطلاع رسانی را عامل عدم اقبال مردم به رسانه های مکتوب نمی دانم. شبکه های مجازی در کشورهای توسعه یافته مثل ژاپن، آمریکا و اروپا بسیار فعالتر و پرسرعت تر و آزادانه تر در دسترس مردم هستند اما در همین کشورها تیراژ مطبوعات و کتاب نه تنها کاهش پیدا نکرده بلکه جایگاه خود را همچنان داراست. چون نشریات روزانه ای در این کشورها چاپ و نشر می شوند و گاهی حتی همزمان در چند شهر بزرگ با تیراژ چند ده میلیونی چاپ و عرضه می شوند و مورد استقبال هم قرار می گیرند. بنابراین عدم استقبال مطبوعات بطور اعم چندان ارتباطی با توسعه فضای مجازی و شبکه دیجیتالی ندارد. شبکه های دیجیتالی عمدتا مختصر، تلگرافی و بعضی غیر قابل اعتماد تلقی می شوند. زیرا منابع مطمئن در اختیار ندارند و قالب محتوای اطلاع رسانی آنها گاه با شایعه و شائبه و گاهی تخیلات همراه است. و کم و بیش مردم هم دریافته اند که به خیلی از این مطالب و این منابع نمی توان خیلی اعتماد کرد. اما در هر حال همین شبکه ها امروز به دلیل اینکه نشریات ما، نشریات تولیدکننده محتوای کارآمد و روزآمد و پر محتوا نیستند و البته از خود سانسوری و محافظه کاری های خودخواسته و تحمیلی رنج می برند، نمی توانند چیز دندانگیریتری از شبکه های مجازی عرضه کنند. بنابراین، شبکه های فوق به عنوان رقیب برای آن ها مطرح می شوند.

اگر مطبوعات ما در عرضه مطالب و تولید محتوا به شکل فعال و موثر عمل کرده و مطالب تازه و مورد علاقه خوانندگان را عرضه کنند، تبعاً مخاطبان خود را پیدا خواهند کرد. اما در هر حال فقر مطالعه بخصوص مراجعه به منابع مکتوب در کشور ما به عنوان یک آسیب فرهنگی باید مورد توجه قرار گیرد.



(البته استثنا ممکن است وجود داشته باشد اما قاعده این است.)

بنابراین شرایط مالی و اقتصادی نشریات محلی به عنوان حلقه ضعف و ناتوانی و افت کیفی آنهاست و این مسئله شروع یک سیکل معیوب خواهد بود. چون نشریات محلی حتی اگر بخواهند از کادر فنی مناسب، نویسندگان و خبرنگاران حرفه ای استفاده کنند نمی توانند با بنیه اقتصادی ضعیفی که دارند



چنین نیروهایی را به کار گیرند. طبیعتا وقتی یک مجموعه محلی نتواند از کادر مناسب فنی، کادر مناسب خبری، نویسندگان و خبرنگاران ورزیده استفاده کند چیزی برای عرضه و ایجاد رغبت در خواننده پدید نمی آورد. به نظر من علت اصلی عدم استقبال از نشریات محلی است. یعنی بخشی به طور عمده درونی است که ضعف مالی، فنی، کادر کارآموده

به نظر می رسد نشریات استانی و محلی به نسبت نشریات سراسری با استقبال کمتری روبرو می شوند. البته استثنا وجود دارد ولی در بیشتر مواقع وضعیت چنین است. اما چرا؟ آیا نیروهای متخصص در این حرفه در استان کم هستند و یا خوانندگان، مرغ همسایه را غاز می پندارند، شاید هم اقتصاد ضعیف برخی از استانها از جمله گیلان در کمیت و کیفیت نشریات تاثیر بگذارند. بی شک همه این عوامل دخیل هستند اما اینها همه عوامل نیستند. چون قدرترین روزنامه نگاران کشوری، خود شهرستانی بوده و بسیاری از آنها هم گیلانی هستند. برخی از افراد هم گسترش رسانه های مجازی را در این وضعیت دخیل می دانند. در این باره نظر آقای محمد کاظم شکوهی راد نویسنده و مدیرمسئول و صاحب امتیاز روزنامه گیلان امروز را می خوانید.

♦ به نظر شما دلیل استقبال کم خوانندگان از نشریات محلی چیست؟

عدم استقبال مردم از رسانه های محلی البته به عوامل متعددی بستگی دارد. اول اینکه متأسفانه به طور کلی نرخ مطالعه و استفاده از رسانه های مکتوب در جامعه ما بسیار پایین و به عبارتی رقت آور است. در مجموع تیراژ و شمارگان روزنامه ها و مطبوعات سراسری نیز وضع مناسبی ندارند. برای یک روزنامه سراسری تیراژ ۱۰ هزار یا ۲۰ هزار در واقع فاجعه است. اما اینکه چرا به طور خاص روزنامه ها و دیگر نشریات محلی مورد اقبال زیادی قرار نمی گیرند باید بگوییم رقبای کشوری در یک رقابت ناسالم و غیر عادلانه با مطبوعات محلی عمل می کنند. بنابراین نشریات استانی از نظر اقتصادی ضعیف هستند. چون نشریات کشوری از پشتیبانی عمده یا اسپانسرهای قوی و اقتصادی یا حمایت های نهادهای دولتی مرتبط یا همسو برخوردارند و قادرند نشریات تولیدی خود را با حجم بیشتر و

کیفیت و محتوای بهتر و رنگ و روی زیباتر و چاپ و توزیع بهتر به خوانندگان عرضه کنند. به عنوان نمونه یک روزنامه استانی در هشت صفحه احتمالا با دو صفحه رنگی یا کلا تک رنگ حداقل قیمتی که می تواند عرضه کند حدود ۷۰۰ تومان است. در حالی که روزنامه های کشوری با حجم پنج برابر این کیفیت و رنگ و لعاب بهتر کمتر از این رقم عرضه می شوند.

دیروز، امروز، فردا

تو نیکی می کن و در دجله انداز

سید نورالدین هاشمی *

سوال کردم. و بدین گونه اگر چه او با کف دستی خوردن فراوان بقیه را از شر کتک خوردن نجات داد ولی واقعا همه ی ما از این پیشامد اندوهگین و متاثر شدیم. این واقعیتی بود از روش تعلیم و تربیت در گذشته ای دقیقا ۶۵ سال پیش، که نگارنده خود شاهد آن بود و پس از این همه سال هنوز آن را به خاطر دارد و اثرش را فراموش نکرده و نخواهد کرد. بعدها که نگارنده خود به کسوت معلمی در آمد با اثرپذیری از آن رفتارهای ناهنجار و خشونت آمیز گذشته که حاصلی جز جمود فکری و خشونت اخلاقی و رفتاری نداشت در تمام دوران خدمت فرهنگی خود بر آن کوشید که نه تنها از پرسش و توضیح خواستن دانش آموزان ناراحت و عصبانی نشود بلکه آن ها را وادار به پرسش و دلیل خواستن کند و چه بسا که با کمک و بحث با یکدیگر راه حل مناسبی برای پرسش ها پیدا می شد. آری این چنین بود در گذشته...

اما امروز دانش آموزان بدون ترس و واکنش در برابر چنان استدلالی لب به اعتراض می گشایند



و از گوینده دلیل و شاهد می خواهند که مثلا چگونه ممکن است دو قرص نان در امواج رودی شناور باقی بماند بدون آن که آسیبی ببیند و سپس چگونه هر روز به دست مغرورقی نجات یافته و نشسته بر دیواره ی رود برسد؟! و به فرض آن که اگر سوال و پرسشی مطرح نشود که می شود، نه تنها باور نمی کند بلکه آن را داستانی بی پایه و اساس می شمارد و ارزشی برایش قائل نخواهد بود. زیرا دانش آموز و نسل امروز چشم و گوشی باز دارد و اگر مساله ای با دلیل و منطق همراه نباشد آن را نمی پذیرد و بیان داستانهایی این چنین نه تنها نویسنده یا گوینده را به نتیجه ی دلخواهش که باوراندن و قبولاندن نظرش به دیگران است، نمی رساند که هیچ، نتیجه ی عکس هم به بار می آورد و باعث آن چنان بدگمانی و بی اعتقادی به چنین نویسنده یا گوینده ای خواهد بود که اگر سخنی را هم به درستی و منطقی قابل قبول بیان کند به سختی می پذیرد. نسل امروز آگاه است و هوشیار، خود، جامعه و محیط پیرامونش را آن چنان که هست می شناسد، در برابر بی منطقی ها ایستادگی می کند. برای حل مشکلات به دنبال یافتن و شناختن علت و معلول می رود، امروز دیگر نمی توان نسل پرسشگر "چرا؟" گورا با داستانی (هر قدر هم زیبا و فصیح) یا بیت و ابیاتی شعر یا جمله ای پندگونه وادار به پذیرش کرد. کوشش و تلاش با روش آموزشی گذشته و ایجاد ترس و رعب، آب در هاون کوبیدن و نقش بر آب زدن است. نسل جوان امروز اطلاعات وسیعی از جهان هستی و خود دارد که نمی توان آن را نادیده گرفت و باید بپذیریم و باور کنیم که امروزه هم دنیا، هم روابط اجتماعی در دنیا و هم طرز فکر و اندیشه ی نسل های جدید تغییر یافته ست و چه زیباست که به جای قرار گرفتن در مقابل نسل جوان، در کنارشان قرار بگیریم و با استفاده از اندوخته ها و تجربیات گذشته ی خود با استدلال منطقی و درست با روشی دوستانه همگام با آنان حرکت کنیم تا بتوانیم جامعه ای سالم، با نشاط و پذیرای میراث های گرانبار به جا مانده از نسل های گذشته داشته باشیم نه نسلی رمنده و به بی راهه رفته و این ممکن نیست مگر با خودسازی و درست اندیشی، تا شاهد شکوفایی جوانان در امروز بوده و فردایی پربارتر داشته باشیم.

* فرهنگی بازنشسته

آموزش نسل دیروز به گونه ای بود که آنچه گفته می شد باید پذیرفته و به کار گرفته می شد بدون پرسش یا اعتراضی؛ عرف و اخلاق جامعه بر محوری می چرخید که آنچه نوشته یا گفته می شود حاصل تفکر، اندیشه، عملکرد و تجربه ی پیشینیان بوده که بسیار از ما داناتر، آگاه تر و نکته سنج تر بوده اند و دیگر چون و چرا در نوشتار و گفتارشان جایگاه و معنایی نداشت. وقتی مثلا برای تشویق مردم به نیکوکاری یا دستگیری از درماندگان و محرومان جامعه سخنی گفته می شد و با چاشنی بیانی از شعر هم همراه می شد پر واضح است که دیگر جای بحث و گفتگو نیست به ویژه آنکه اگر آن شعر از شاعر و سخنوری نامدار چون سعدی یا هم طرازان وی باشد و در این گونه موارد اگر کسی جرات به خرج می داد و سوالی مطرح می کرد و اعتراضی می کرد متهم می شد به بی ادبی و گستاخی که تو را چه به این فصولی ها که درباره ی نوشته یا گفتار فلان شاعر، نویسنده یا سخنمدانی مشهور و پراوازه دلیل بخوای و در صحت و درستی آن گفتار یا نوشتار دچار شک و تردید شوی و اما و اگر بیاوری؟!!

این روش و نحوه ی برخورد و آموزش در خانواده، مدرسه و جامعه حاکم بود، خواهی نخواهی باید بدان تن در می دادی و اگر هم گاهی کورسویی از اندیشه ای، باوری و یا نظری دیگر به ذهنت راه می یافت حاصلی جز سرکوب، ریشخند، تنبیه و بدویبراه نداشت و بر همین منش و روش این حالت تسلیم و اطاعت کورکورانه و جمود فکر و اندیشه و خود ناباوری از نسلی به نسل دیگر منتقل می شد و می دیدی که همچنان "در" بر یک پاشنه می چرخد.

کلاس ششم ابتدایی بودم در دبستان سیروس رودبار. پیرمردی که به عنوان دفتردار مدرسه فراست می کرد نقش معلم رزرو را هم داشت و هرگاه معلمی به هر دلیلی نمی توانست در کلاس حضور یابد به جای معلم غایب به آن کلاس می آمد و به پند دادن و نصیحت گویی می پرداخت تا ساعت کلاس به پایان برسد. یک روز هم ما توفیق پیدا کردیم که از شنیدن حکایت های شیرین و نصایح پدران اش بهره مند شویم و ایشان هم آن روز برای ما در باب کمک به هممنوع و دستگیری از بیچارگان صحبت کرد و این بیت شیخ اجل سعدی را هم به عنوان شاهد مثال و سند درست و منطقی بودن ادعایش برایمان خواند که: "تو نیکی می کن و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز" و سپس ادامه داد که علت سروده شدن این بیت شعر هم این بوده که به واقعیت داستانی اتفاق افتاده و این بیت شعر حاصل تجربه ای است که از آن داستان گرفته شده است و سپس با همان روش همیشگی خود داستان را بدین گونه بیان کرد تا دیگر در صحت و درستی آن شکی در دلی ایجاد نشود و به شرح ماجرا پرداخت: حاکمی غلامی داشت که بسیار مورد محبت و توجه اش بود. روزی غلام برای شنا کردن به دجله می رود و به غفلتی آب او را با خود می برد ولی از آنجا که اجلش سر نرسیده بود در سطح آب شناور می ماند و به تخته پاره ای دست می یابد، سوار بر آن در جهت رود دجله به پیش می رود و موجی او را به کناره ی دیواره ای از رود پرتاب می کند، چندین روز از این واقعه می گذرد و حاکم یا امیر، غواصانی را برای یافتن مرده یا زنده ی غلام می فرستد که آنان پس از چندین روز غلام را بر دیواره ی رود یافته، صحیح و سالم به نزد امیر می آورند که باعث شادمانی می شود. از غلام می پرسند که چگونه غرق شدی؟ او ماجرا را تعریف می کند و از او سوال می کنند چگونه در این مدت از گرسنگی آسیبی ندیدی و زنده مانده ای؟ او می گوید: هر روز دو قرص نان که نام شخصی بر آن نوشته شده بود از آب می گرفتم و می خوردم و زنده می ماندم. نام شخص را می پرسند و پس از شنیدن نامش برای یافتن او اقدام می کنند و ناوایی را می یابند که هر روز نام خود را بر دو قرص نان حک می کرده و به امید آن که گرسنه ای یا درمانده ای را سیر کند به امواج دجله می افکنده است. امیر با شنیدن این داستان دستور می دهد که هدایای فراوانی به آن شخص بدهند و او هم پاداش نیکو کاری خود را بدین گونه دریافت می کند. نصیحت گوی سالخورده با بیان این داستان نیز ما را تشویق می کرد که کار نیک هیچ گاه بی پاداش و کار بد بی سزا نمی ماند. که البته در این نتیجه گیری هیچ شک و تردیدی نیست و به قول معروف پاداش و سزای کارهای خوب و بد دیر و زود دارد اما سوخت و سوز ندارد!

یکی از دانش آموزان پرسید: "آقا! این دو قرص نان در میان امواج خروشان دجله که انسان را با خود می برد و غرق می کند چگونه با طی مسافتی طولانی سالم می ماند و حتی نام نگاشته شده بر آن از بین نمی رود و هر روز صحیح و سالم به دست آن شخص نشسته بر ساحل رود دجله رسیده است؟ پرسش همان بود و خشم پیرمرد ناصح همان، از کلاس بیرون رفت و چند دقیقه بعد مدیر مدرسه با ترکه ای در دست وارد کلاس شد و بی مقدمه پرسید که پرسش کننده را معرفی کنید. همه سکوت کردند و کسی جرات نکرد سخنی بگوید و او هم از همان ردیف اول شروع کرد به کف دستی زدن، یکی دو ردیف که بی گناه کف دستی خورديم، همکلاس پرسشگر ما که از بقیه بچه ها بزرگتر و قوی تر هم بود گفت آقای مدیر من

گیلانی ها غالباً نسبت به داشته های خود بی تفاوتند

شما تا چه حد با نشریات استانی آشنا هستید؟ کدام ها را می پسندید یا نمی پسندید و چرا؟ آیا تا کنون شده مطلبی در نشریه ای (کشوری یا استانی) بخوانید که خیلی به دلتان نشست باشد و در مورد آن با دفتر نشریه تماس بگیرید و به آن مجموعه انگیزه بدهید؟ یا به عکس برایتان پیش آمده به خاطر ویرایش نادرست و یا منبع ناموثق یک مطلب، دلیلش را از دست اندر کاران نشریه مربوطه جویا شوید؟ به نظر می رسد چنین عکس العمل هایی از سوی خوانندگان و افکار عمومی در جامعه ما خیلی مرسوم نیست! در حالی که با خبر شدن از نظرات و واکنش های خوانندگان برای نویسندگان و روزنامه نگاران مفید فایده خواهد بود و می تواند بهانه ای برای بهتر شدن باشد. اما به غیر از این موضوعات سوال دیگری هم به ذهن می رسد و آن اینکه چرا استقبال از مطبوعات محلی (رسانه های محلی) کم است؟ و جایگاه مطبوعات در عصر دیجیتال کجاست؟ این موضوع را با آقای محمد تقی پوراحمد جکتاجی، روزنامه نگار، مولف، محقق، شاعر و مدیر مسئول ماهنامه گیلہ وا مطرح کردیم، پاسخ ایشان چنین است:



◆ چرا گیلانی ها از نشریات استانی کمتر استقبال می کنند؟

گیلانی ها اصولاً غالباً نسبت به داشته های خود و آن چه مربوط به خود است بی تفاوتند مثلاً نسبت به زبان، فرهنگ بومی، تعلقات قومی، خانه های قدیمی و امثال این ها بی توجه اند. نشریات استانی هم یکی از این موارد است. البته شمول نمی دهم ولی نگاهشان معمولاً به جاهای دیگر و غریب است. مثلاً گیلہ وا

یکی از نشریات استانی است که ۲۴ سال سابقه انتشار دارد، خارج از گیلان به ویژه در تهران و خارج از کشور به خوبی دیده و استقبال می شود اما در خود گیلان چندان عنایتی به آن نمی شود. اما باید دید نشریات استانی جدا از این عارضه که عرض کردم چیزی برای گفتن دارند که نظر هم ولایتی ها را به خود جلب کنند یا نه، چون در بخش دیگر، گیلانی ها بسیار دقیق و نکته سنج و هوشمندند. وقتی حرف ایشان و دلشان و دغدغه های استان را در این نشریات ببینند مطمئناً حساسیت نشان می دهند. خودمانیم قریب به اتفاق نشریات ما- به زعم خود همکاران

مطبوعاتی- آن نیست که باید عرضه شود. باری به هر جهت است برای بیمه کردن و بیمه شدن خود و خانواده و احیاناً پارانہ ای و البته مهمتر، برای چند تایی،

کسب رانت و به دست آوردن تربیونی جهت عرض اندام و اظهار وجود و بالاخره نزدیک شدن به قدرت، پس می بینید نمی شود کلی گفت چرا نشریات استانی از سوی هم ولایتی ها مورد استقبال قرار نمی گیرند. حالا موارد پس پستی به کنار!

◆ با وجود رسانه های دیجیتال، جایگاه رسانه های مکتوب کجاست؟

به گمان من این از دست ما خارج است که جایگاه رسانه مکتوب را ثابت نگه داریم. جبر زمان است و زاییده انقلاب الکترونیک. همان طور که نسل کهنه تازه می شود، تکنولوژی قدیم هم جدید می شود، کتیبه های سنگی جایش را به خشت و لوح وبعد به پوست و سپس به کاغذ داده است. حالا هم کاغذ به موج می سپارد. ذائقه مطالعه هم تغییر می کند. سطح و عمق مطالعه هم شکل عوض می کند. ظاهراً اکنون زمان سطحیات است. رسانه های مکتوب مثل بافت فرسوده شهر است که کم کم به تاریخ می پیوندند. بنابراین باید تخریب و نوسازی شود یعنی تعطیل شود و دیجیتال گردد یا تعمیر و بازسازی شود و به عنوان یک مدل دستی و تاریخی برای علاقه مندان خاص آن بماند و البته محدود و معدود و انگشت شمار. تکلیف به زودی مشخص می شود.



جای خالی شهرها در قاب سینمای ایران

مجتبا پورمحسن *



نمایش شهرهای رشت و انزلی در فیلم «در دنیای تو ساعت چند است؟» نگاهها را متوجه یک واقعیت تلخ کرد؛ چرا قاب عکس شهرها بر دیوار سینمای ایران خالی است؟ رسیدن به پاسخی مناسب برای این سوال مستلزم صیقل دادن موضوع و طرح سوالات جزئی تر است.

● این جا تهران است...

تهران، یکی از کلانشهرهای دنیاست که علاوه بر پایتخت سیاسی، بزرگترین شهر کشور هم محسوب می شود. آمار غیررسمی جمعیت این کلانشهر را تا ۱۵ میلیون نفر تخمین زده اند. با همهی اما و اگرها تهران با فاصله ی بسیار

زیاد نسبت به دیگر شهرهای بزرگ ایران، مهم ترین شهر کشور است و عمده ای امکانات کشور در این شهر متمرکز شده است. بنابراین طبیعی است که داستان اغلب فیلم های سینمای ایران، در شهر تهران اتفاق می افتد. اما تهران فیلم های ایرانی چقدر با تهران واقعی تفاوت دارد؟ آیا تهران در سینمای ایران صاحب شخصیت است؟ در فیلم های ایرانی، یکی از کلیشه ای ترین دیالوگ ها، حرف زدن درباره ی بزرگی خوف آور تهران است. تهران

شهری است با جمعیتی که فاصله طبقاتی زیادی دارند و تعداد بسیار کمی از شهروندان خوب هستند، مگر آنکه بحث درباره ی مقایسه ی تهران با بلاد خارجه و غربت بی پایش باشد. در این مواقع هوابیما فرود می آید و افرادی که سال ها از وطن دور بوده اند به سرزمین مادری شان برمی گردند. یکی از بارزترین نمونه ها صحنه ای از فیلم «بوی پیراهن یوسف» است که در آن شخصیتی که نیکو کریمی نقش اش را بازی می کند از راننده ی تاکسی می خواهد که بارها و بارها دور میدان آزادی بچرخد. در این جا تهران، شهر نیست، وطن است. اما در باقی موارد چه؟ سال هاست متهمان و مجرمان فیلم های سینمای ایران را فقط به پاسگاه یوسف آباد می برند، انگار که تهران بزرگ فقط همین یک پاسگاه را دارد. از وقتی هم اتوبان های تهران پرتردد شده اند، اکثر ماشین ها در فیلم های سینمایی در اتوبان هستند و کمتر رنگ و بویی از خیابان های تهران می بینیم، خیابان هایی که هویت و تاریخ دارند و دهه ها برای شهروندان تهران خاطره سازی کرده اند. تازه اگر هم خدای نکرده تصویری از خیابانی در تهران ببینیم از ونک بالاتر نیست. بالای شهر در قاب سینمای تهران، خانه هایی هستند که ساکنان شان عمدتاً آدم های درستی نیستند. در بالای شهر فیلم های سینمایی ایرانی، از شهر خبری نیست! این نمونه ها شاید به ظاهر کم اهمیت به نظر برسند، اما نقش موثری در سست کردن عنصر باورپذیری در سینمایی را دارند که اکثر کارگردانانش مدعی هستند که ژانر فیلم های شان رئالیسم اجتماعی است. شهری که فقط یک پاسگاه دارد و آدم هایش یا توی آپارتمان هستند یا در اتوبان ها می رانند، چقدر به تهران واقعی شباهت دارد؟

● این جا ایران نیست...

این مشکل مختص سینما نیست، متأسفانه ادبیات ما نیز دچار همین مشکل است. کدام مشکل؟ مکان اکثریت قریب به اتفاق فیلم های ایران در تهران اتفاق می افتد، انگار که ایران شهر دیگری ندارد. به طور کل حافظه ی جامعه ادب و هنر ما ایران را متشکل از تهران به اضافه ی روستاها می داند. در داستان های ایرانی هم همین طور است. داستان یا در تهران

اتفاق می افتد یا در روستا. شخصیت ها یا شهروند تهرانی هستند یا روستایی. اگر پای صحبت اهالی سینما بنشینیم در پاسخ به چرایی این موضوع احتمالاً خواهند گفت فیلم هایی که داستان شان در شهرستان ها می گذرد از نظر تجاری جواب نمی دهند. از یک جهت هم راست می گویند. اگر نگاهی به تاریخ سینمای ایران و آمار گیشه ها ببندازیم می بینیم این ادعا بی اساس نیست. اما این حرف غلط است، چون نگاه فیلمسازان به شهرهای ایران به جز تهران اشتباه است. آنها با نگاه از بالا به پایین به شهرها یا به قول خودشان شهرستان ها (شهرستان یک مفهوم سیاسی است که در تقسیم بندی های وزارت کشور معنا پیدا می کند). اصلاً موفق نمی شوند شهرهای ایران را ببینند. برای مثال از نظر آنها انزلی فقط ساحل دریاست و افرادی که ماهی می فروشند! در حالی که انزلی شهری ساحلی است که عده ای از مردمانش از طریق صید و خرید و فروش ماهی امرار معاش می کنند. دقت کنید، «شهر»ی است که ... با این نگاه کلیشه ای،

بله فیلم هایی که داستان شان در شهرهایی غیر از تهران اتفاق می افتد شکست می خورند. اما می توان افق دید را گسترده تر کرد. در هالیوود بعضی از بهترین فیلم ها در یک شهر کوچک در گوشه ای از یک ایالت اتفاق می افتد. اگر شهر را در مفاهیمی مثل لهجه و شغل و نوع پوشش

خلاصه نکنیم می توان ایران را در فیلم های سینمایی آفرید، نمونه اش همین فیلم «در دنیای تو ساعت چند است؟» ساخته صفی یزدانیان که فارغ از ضعف هایش در خلق شهری غیر از تهران موفق عمل کرده است.

● در شهر خبری نیست...

خیلی باید خوش خیال باشیم که تصور کنیم آنچه در فیلم های اخیر و روی آنتن برای شهرهای پاریس و رم و بارسلونا اتفاق افتاده، در سینمای ایران برای شهرهای کشورمان رخ دهد. اگر به حافظه ام اعتماد کنم به خاطر می آورم که مسوولان شهر بارسلونا صرفاً به این دلیل که وودی آلن فقط از نام شهرشان در اسم فیلم اش استفاده کرد، چندصد هزار دلار پرداختند، چراکه به اعتقاد آنها این اتفاق به صنعت گردشگری این شهر کمک می کند. بحث پول را بگذاریم کنار؛ کدام مسوول ایرانی چنین اعتقادی دارد؟ چند درصد از مردم با چنین کاری موافق هستند؟ ما حتا نمی توانیم از آلمان های شهری خودمان در فیلم ها استفاده کنیم. از زمان ساخت برج میلاد در داستان چند فیلم شخصیتی برای خودکشی بالای این برج رفته است؟ از طرف دیگر وقتی هم این دغدغه برای فیلم سازی به وجود می آید نتیجه اش افتادن از آن ور بام است. نمونه اش یکی از دو اپیزود فیلم «تهران تهران» که داریوش مهرجویی ساخته است. عده ای از سالمندان را سوار یک ماشین می کنند و نقاط دیدنی شهر را به آنها نشان می دهند، همین قدر ناشیانه! تصاویر کارت پستالی که ارزش هنری چندانی ندارند و نمونه های بهترش در آرشو صدا و سیما و میراث فرهنگی موجود است. حالا این نمونه را با فیلم های وودی آلن مقایسه کنید.

شهرها در سینمای ایران غایبند، حتا تهران هم غایب است، چون نگاه سینماگران ایرانی شهرها را نمی بیند، زاویه نگاه شان اشتباه است، آن قدر که حتا تهران را که سال ها در آن زیسته اند به زحمت می توانند در فیلم های شان خلق کنند. «در دنیای تو ساعت چند است؟» صرفاً یک اتفاق است که واقع بین اگر باشیم بهتر است در حد یک اتفاق درباره اش حرف بزنیم.

* روزنامه نگار و نویسنده

گفت و گو با منصور ضابطیان روزنامه‌نگار، کارگردان، مجری و تهیه‌کننده در رشت هیچوقت تنها نمی‌مانید

رشت شهری زنده است

ساناز فرزانه

منصور ضابطیان (متولد ۷ آذر ۱۳۴۹ در تهران) روزنامه‌نگار، کارگردان، مجری و تهیه‌کننده است. وی در سال ۱۳۶۹ کاردانی رشته علوم آزمایشگاهی را در دانشگاه علوم پزشکی گیلان به پایان رساند و پس از چند سال رشته تحصیلی خود را تغییر و رشته سینما را در دانشگاه ادامه داد. او کار حرفه‌ای را با روزنامه‌نگاری شروع کرد و مصاحبه‌ها و گزارش‌های مختلف و خوبی را برای مجلات و روزنامه‌های حیات نو، چلچراغ، گزارش فیلم و کلک نوشت. در سال ۱۳۷۸ کار در تلویزیون را آغاز کرد. «سبد»، «مردم ایران سلام»، «جغرافیای فریاد»، «فرش واژه»، «نقره» و «رادیو هفت» از معروف‌ترین کارهای او در تلویزیون است. ضابطیان کتابی با عنوان «مارک و پلو» نوشته که حاوی شرح سفرهایش در قالب مصاحبه و گزارش به کشورهای فرانسه، اسپانیا، لبنان، هندوستان، ایتالیا، اتریش، ارمنستان، کره جنوبی و آمریکا است. بهترین گفتگوی سال و جایزه قلم بلورین بهترین گزارش سال در یکی از جشنواره‌های مطبوعات نیز به وی اختصاص یافت. اگر یک سوسمار بودیم و اگر یک زرافه داشتیم از دیگر کتاب‌های ضابطیان است.

رادیو هفت یکی از کارهای ارزنده این روزنامه‌نگار و هنرمند است. شاید شما بیننده برنامه زیبای رادیو هفت از شبکه آموزش بوده و این برنامه فرهنگی-آموزشی-ادبی و هنری را پسندیده باشید. هر چند مدتی است خبری از این برنامه پرمخاطب و وزین در سیما نیست که امیدواریم دوباره شاهد پخش آن باشیم. گفت و گوی صمیمی ماهنامه گیلان فردا با ضابطیان طراح، کارگردان و تهیه‌کننده رادیو هفت در ادامه به نظر تان می‌رسد:

♦ آقای ضابطیان تاکنون به رشت سفر کرده‌اید؟

بله، من دوسال از بهترین سال‌های عمرم را در گیلان و رشت گذراندم. چون طی سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۶۹ در علوم پزشکی گیلان مشغول به تحصیل بودم و این سال‌ها واقعا از بهترین سال‌های عمرم بود.

♦ قبل از سال ۶۷ گیلان را ندیده بودید؟

قبل از آن سفرهای گذری به گیلان داشتم، یعنی در زمان کودکی و در تعطیلات، گاه به شمال سفر می‌کردیم و گیلان هم عبور می‌کردیم.

♦ خب بعد از سال ۶۹ چطور، آیا دوباره به رشت آمدید؟

بله، سال گذشته به دعوت یکی از کتاب‌فروشی‌های گیلان برای معرفی کتابم به رشت دعوت شدم.

♦ به نظر تان بعد از ۲۳ سال که دوباره به رشت آمدید آیا شهر تغییراتی هم کرده بود؟

خیلی تغییرات عمده در حال و هوای شهر رشت احساس نکردم. البته خیابان‌ها کمی بزرگتر و ترافیک بیشتر شده است، بازار دوست‌داشتنی رشت که عاشقش هستم نیز همانطور مانده، اما به طور کلی حال و هوا و وضعیت رشت همان بود که بود.

♦ چه حسی نسبت به شهر رشت دارید؟

احساس من نسبت به شهر رشت چه در آن سال‌های دور و چه در این سفر اخیر به نوعی احساس امنیت است. در آن زمان که در علوم پزشکی رشت درس می‌خواندم سن زیادی نداشتم و تازه جوان بودم اما در شهر رشت احساس تنهایی و غربت نکردم و جالب بود وقتی بعد از سال‌ها دوباره به رشت سفر کردم باز هم این احساس را داشتم. چون رشت شهر زنده‌ای است و شاید یک سر و گردن به لحاظ فرهنگی بالاتر از بقیه شهرها باشد.

♦ جدا؟

بله، جدا! چون در رشت هیچ وقت تنها نمی‌مانید، یک نفر هست که همیشه جواب سلام آدم را بدهد. همیشه غذای خوشمزه‌ای هست و همیشه هوا مطبوع و دلنشین است.

♦ آقای ضابطیان دلم می‌خواهد احساس واقعی تان را بگویند، یعنی منتظر شنیدن تعریف نیستم.

نه، من در هیچ دوره‌ای از زندگی و کار غلو نکرده‌ام. و اینها را برای خوشامد شما نمی‌گویم. چون در سفر به شهرهای دیگر کمتر با چنین شرایطی رو به رو می‌شوم. شاید هم به خاطر حسی باشد که در همان سال‌ها نسبت به رشت پیدا کردم. و این باعث می‌شود هنوز هم نسبت به شهر رشت حساس باشم و گیلان و رشت را دنبال کنم.

♦ یعنی در شهرهای دیگر چنین حسی ندارید؟

خب من چنین رابطه‌ای با شهر دیگری غیر از رشت نداشتم. در تهران طولانی مدت زندگی کردم بیشتر از ۱۵۰ شهر دنیا را هم دیده‌ام ولی در هیچ کدام مقیم نبودم. بنابراین نسبت به تهران که زادگاهم است و در آن زندگی می‌کنم، دو سال در رشت مقیم بودم. شاید اگر در شهرهای دیگر طولانی مدت مقیم می‌شدم حس و حال دیگری نسبت به

آن شهرها پیدا می‌کردم اما این را هم باید بگویم که نسبت به خیلی از شهرهای ایران و جهان حس خوبی دارم. ولی حس زندگی در رشت را تجربه کرده‌ام.

♦ اصالتاً خودتان تهرانی هستید؟

در تهران متولد و بزرگ شدم اما پدر و مادرم اصالتاً مشهدی هستند.

♦ خب معمولاً وقتی در آن سال‌ها در رشت بودید و یا سال گذشته که به رشت آمدید چه چیزی به عنوان سوغات انتخاب می‌کردید یا می‌کنید؟

متأسفانه دوستان چینی مفهوم سوغات را از بین برده اند.

چون هر جا که سفر می‌کنید اجناس چینی را می‌بینید. به نظرم اگر زیتون را هم از چین وارد کنند دیگر در بازار رشت چیزهای بومی زیادی پیدا نمی‌شود. البته من هیچوقت ماهی را از رشت به عنوان سوغات نبرده‌ام، شاید به خاطر اینکه کمی سخت است. اما زیتون و زیتون پرورده را می‌پسندم. البته الان واقعا همه چیز در همه جا هست.

♦ راستی در سالهای ۶۹-۶۷ در علوم پزشکی رشت مشغول تحصیل در چه رشته‌ای بودید و به کجا ختم شد؟

آن موقع علوم آزمایشگاهی می‌خواندم منتهی چون زیاد علاقه مند نبودم در ادامه هنر خواندم.

♦ نظر تان در مورد غذا، زبان و موسیقی این خطه چیست؟

در این موارد تخصص خاصی ندارم که نظر کارشناسی بدهم. اما آنچه که در زمینه موسیقی گیلان نظرم را جلب می‌کند سرخوشی مستتر در موسیقی گیلان است که از سرخوشی مردم گیلان زمین و فرهنگ گیلان و شادمانی نشأت می‌گیرد. حتی در نواهای غمگانه هم می‌توان رگه‌هایی از موسیقی شاد و امیدوارانه را حس کرد. مثلاً وقتی آقای مسعودی حتی حزن آلود می‌خوانند ولی باز می‌توان آن سرخوشی را در صدا و ملودی و ترانه و آهنگ حس کرد. همینطور در کار بسیاری دیگر از عزیزان هنرمند گیلان این زیبایی و شادی حس می‌شود. از نظر فرهنگی که فرهنگ مردم گیلان سابقه‌ی دیرینه دارد. و اما غذاهای گیلانی جزو خوشمزه‌ترین غذاهای جهان است.

♦ در سفری که سال قبل به رشت داشتید چه چیزی بیشتر نظر تان را جلب کرد؟

فرسوده شدن و از بین رفتن مجموعه‌ای از ساختمان‌های قدیمی در مرکز شهر که جزو سرمایه‌های قدیمی این شهر هستند توجه‌ام را جلب کرد. و با خانه‌های قدیمی و بناهایی که ظاهرًا صاحبانشان نیستند و یا توانایی بازسازی ندارند. آپارتمان‌سازی بیشتر به چشم می‌آید.

آید. البته بعضی از ساختمان‌های قدیمی از جمله ساختمان شورای شهر رشت که بازسازی شده خیلی خوب است ولی متأسفانه به نظر می‌رسد که بعضی از ساختمانهای قدیمی ارزشمند به حال خود رها شده و یا فراموش شده‌اند.

♦ کمی هم در مورد رادیو هفت بگویید، چرا این برنامه خوب دیگر تهیه و پخش نمی‌شود؟

شما نسبت به این برنامه لطف دارید. ولی متأسفانه با مسئولان مرتبط به توافق نرسیدیم. شبکه‌ای خواهد که این برنامه صرفاً به صورت آموزشی ارائه شود و این با فرم برنامه و پسند مخاطبان نسبت به این برنامه متفاوت است.

♦ واقعا حیف است که برای تهیه چنین برنامه خوبی همکاری نشود. در هر صورت امیدواریم دوباره این برنامه پخش شود. در خاتمه، انشالله باز هم شما را در رشت ببینیم.

انشالله، امیدوارم شما هم نشریه موفقی داشته باشید.



عکس: کوروش رنجبر



غذای ما می‌تواند تاریخ و فرهنگ یک ملت باشد

دکتر بهرام امیراحمدیان *



غذا جزئی از فرهنگ یک ملت است. برای تهیه غذا فرایند دنباله داری پی گرفته می‌شود.

ابر و باد و مه خورشید و فلک در کارند

تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

در کنار دیگر ویژگی‌های ملل و اقوام، از جمله زبان، آداب و رسوم و پوشاک، غذا قرار می‌گیرد. غذا از آغاز خلقت بشر تا کنون جزو نیازهای نخستین او بوده و خواهد بود. در تمام ادیان الهی و حتی باورهای نخستین انسانها، غذا به عنوان عنصر اصلی حیات مورد احترام بوده و سوره مبارکه مائده در قرآن کریم نشان دهنده اهمیت غذا در دین مبین اسلام است و همیشه به قوت

حلال که با زحمت به دست می‌آید حرمت گذاشته می‌شود. کسب روزی حلال به این سبب ارزش دارد که در آن عناصر تولید مادی و معنوی از جمله ابزار تولید و فرهنگ تولید و

باورها و عقاید مردم دخالت داشتند و دارنده به عنوان مثال نانواها برای تهیه خمیر وضو می‌گرفتند. نان‌های تافتون، لواش، سنگک، بربری، خراسانی و نان قندی، مجموعه

هایی از قوت غالب مردم بود. برنج به ندرت مصرف می‌شد. خورشت‌ها با

رنگها و طعم‌های گوناگون سفره را می‌آراست. آبگوشت در

بسیاری از نقاط شهری و روستایی ایران، غذایی کامل و

فراگیر بود. در نواحی ترک زبان بریاش نیز آبگوشتی

دیگر با طعمی متفاوت بود.

در مثل بسیار کهن فارسی «دویدم و دویدم»،

جدول داده و ستانده اقتصاد به زبانی ساده

ترسیم می‌شود. خط اول این جدول با

«دویدن» آغاز می‌شود که همان حرکت

است و فعالیت و سپس رسیدن به سر کوه

به معنی اوج جدول زندگی است و اوج

منحنی حیات. دو خاتون که دیده می

شوند، به عنوان عناصر زاینده زمین و

آب و نمادی از آئین میترایی است که

پاک است و زاینده. آن دو عنصر پاک و

زاینده‌گی و مادر «آب» و «نان» که این

دو خاتون به راوی داستان می‌دهند هر

دو مقدس شمرده می‌شوند و از دستان دو

عنصر زاینده‌گی دریافت می‌شود. در آیین

زرتشت گفته می‌شود: هر که در آب تف

بیندازد گناهکار است. در زمینه نان که از

گندم تهیه می‌شود، نیز در آیین زرتشت آمده:

«هر که گندم می‌کارد راستی می‌افشاند». هم

چنین پیامبر گرامی اسلام می‌فرمایند: «نان را گرمای

بدارید».

«آب» به عنوان عنصر اصلی حیات و اشتغال کشاورزی و

«نان» به عنوان عنصر اصلی تغذیه و حیات شمرده می‌شود

که دو خاتون داستان ما، به راوی می‌دهند و در پی آن فعالیت

اقتصادی آغاز می‌شود. نان خورده می‌شود و نیرو به دست می‌آید.

آب به زمین داده می‌شود و کشت آغاز می‌گردد. حاصل کشت «گندم»

است و بعد داده‌ها و ستانده‌های اقتصاد آغاز می‌شود. گندم (بخش کشاورزی) به

نانوا (بخش صنعت) داده می‌شود. نانوا در مبادله کالایی، آتش (محصول بخش انرژی) تولید

می‌کند. آتش به زرگر (بخش تولید صنعتی) داده می‌شود و زرگر در این مبادله، قیچی (ابزار

تولید صنعتی) می‌دهد. قیچی به خیاط (بخش تولید پوشاک، صنایع سبک) داده می‌شود

و در عوض خیاط، قبا (پوشاک تولید شده) می‌دهد.

گندم به عنوان ماده اصلی تولید نان، در همه ادیان از جمله در دین زرتشت و پیش

از اسلام هم مقدس شمرده می‌شد و بنا به روایات اسلامی، حضرت آدم (ع) با خوردن آن

از بهشت رانده می‌شود. زیرا از جهان معنوی به جهان مادی گام می‌نهد و خداوند بزرگ اراده می‌فرمایند که بشر در زمین گسترش یابد.

در زبان آذربایجانی می‌گویند: «تاخیل اولسون عشق اولسون» (غله باشد عشق هم هست). ما ایرانیان نانی را که در گذر افتاده باشد، بر می‌داریم، می‌بوسیم و به گوشه‌ای می‌گذاریم. شروع اخلاق و مکارم و احترام به فرآورده‌های غذایی که از نعمات خداوندی است، از همین جا آغاز می‌شود.

هر غذایی در روند تکاملی خود تاریخی از ملل و اقوام را در خود جای می‌دهد. از نوع طبخ نان می‌توان

به ارزشهای آن جامعه پی برد. اگر نان و نمک کسی خورده می‌شود، تعهد می‌آورد که به صاحب سفره خیانت نشود. این چیزی نیست جز فرهنگ و آداب نیکو و پسندیده. یک لقمه نان با هم خوردن دوستی می‌آورد.

پس می‌توان گفت غذا نیز می‌تواند تاریخ و فرهنگ یک ملت باشد. فرهنگ، هستی یک ملت است. غذا جزئی از فرهنگ است.

فرهنگ که مجموعه‌ای از آداب، عادات و رسوم یک ملت است، در کنار تاریخ و سرزمین هویت یک ملت را می‌سازد.

تا همین چند دهه پیش سفره ایرانی مسلمان سرشار از نعمات گوناگون خداوندی بود که به شکل غذا های

متنوع روزمره و مراسم و آئین‌های دینی، مذهبی و فرهنگی جلوه‌گری می‌کرد. تا قبل از شکسته شدن

بازارهای سنتی و رسوخ تمدن لجام گسیخته غرب از طریق رسانه های گروهی و گسترش ارتباطات،

ایرانی غذاهای سنتی خود را که در طی قرون و اعصار با تاریخ و هویت خود گره زده بود و پیوند ناگسستنی

داشت، میل می‌کرد و همراه مزه و طعم و شکل و محتویات آن تاریخ فرهنگ و تمدن و دین و مذهب خود را مرور می

کرد. آن روزها برای سرگرمی بچه‌ها، خرده لواشهای سفره را با پنیر و سبزی می

آمیختند و به عنوان عصرانه مصرف می‌کردند. آن روزها «نان خشکی‌ها» نبودند تا مثل امروز

روزانه خروارها نان خشکیده و غیر قابل مصرف را به صورت نان خشک حمل و از چرخه مصرف انسانی

خارج کنند. گندمی را که هر دانه آن آیت خداوندی و در بر دارنده رنج و زحمت و سرمایه و وقت دهقان و انرژی و آب و گرمای طبیعت خداوندی است، این قدر آسان

از دست نمی‌دادند. آن روزها بچه‌ها برای سرگرمی «تخود و کشمش»، «گندم و شاهدانه» و «عدسی» بو داده در جیب می

ریختند و به مدرسه می‌رفتند و نمی‌دانستند که روزی «پفک نمکی» ها

نقل مجلس می‌شوند و همه را «تمک گیر» و محصول ذرت را به چیزی چون حبیب تبدیل

می‌کنند. بچه‌ها که تازه دندان در می‌آوردند، مادرانشان به یمن و برکت این پدیده و سیاس

به درگاه یزدان، مخلوطی به نام «دندان پختک» یا «دندانک» می‌پختند که از گندم، لوبیا، نخود، عدس و حبوبات تهیه می‌شد و به در و همسایه خیرات می‌کردند. شب جمعه‌ها حلوا

می‌پختند و خیرات می‌دادند. تابستانها «یتیمچه»، «آبدوغ خیار» و «فالوده طالبی» های شیرین زینت بخش سفره بود و در زمستانها کوفته تبریزی، کوفته برنجی، خورش آلو اسفناج،



مسمی بادنجان، مرغ مسمی، نرگسی، و در بهار، کوکو سبزی، دلمه، خورش کنگر و خورش ریواس و در تابستان خورش بامیه و همچنین انواع حلوا و تنقلات دیگر زینت بخش سفره بود. قیمة بادنجان، سیرقلیة، فسنجان، کالچوش، انواع آشها از جمله آش ماست، آش رشته، آش شله قلمکار، آش سرکه، شله زرد و کاجی غذاها و تنقلاتی بودند که دارند فراموش می شوند. برای عصرانه در زمستانها سیب زمینی تنوری، سیراب شیردان، جغول بغول، باقلی پخته، لبو، شلغم پخته و در تابستانها آبدوغ و بستنی و آلبالو دون کرده و شاتوت و آب زرشک عطش را برطرف می کرد. اما برآستی چرا سفره ایرانی دارد از غذاهای ایرانی تهی می شود و غذاهای بیگانه جایگزین آن می شود؟

ماه رمضان ماه مهمانی خدا بود و سفره ها از تنقلات و غذاهای خوش طعم و خوش مزه (هر خانوار به فراخور حال خود) زینت داده می شد. تا قبل از رونق نوشابه هایی که از خارج به فرهنگ ما تزریق شد، در سر سفره ها دوغ همراه با سبزی خشک یا سبزی تازه، جگر را جلا می داد. شربت سرکه شیر و سرکه انگبین کام ها را شیرین و عطش را بر طرف می کرد. سبزی خوردن و تربچه نقلی سرخ رنگ و شاداب زینت بخش سفره بود. بو و عطر ریحان و مرزه و ترخون، فضا را پر می کرد. انواع ترشی مانند لپته، هفت بیجار، ترشی موسیر، سیرترشی، بادنجان ترشی، و دیگر ترشیجات و خیار شور سفره ها را به باغی رنگین تبدیل می کرد و در زمستانها، تابستان می آفرید. همه این غذاها با تنوع جغرافیایی، آب و هوایی، پوشش گیاهی و قومی ایران، مجموعه ای بود رنگین از نعمتهای خدا و دسترنج کار بندگان خدا.

حالا کدامیک از آنها را می توان در سفره ایرانی دید؟ آیا می توان مصرف این غذاها و تنقلاتی را که برشمرده شد به کودکان آموزش داد تا هنگامی که تاریخ و فرهنگ این ملت را ورق می زنند خاطره ای از آن داشته باشند؟ آیا می توان طعم این غذا ها را به نسل بعد منتقل کرد؟

آن وقتها پیش از نشستن سر سفره دستهای خود را می شستند. هنگامی که سر سفره می نشستند خوردن غذا را با نام خدا آغاز می کردند. پس از صرف غذا، پیش از ترک سفره شکر یزدان می گذاشتند. آن روزها بوی نان از مسافت دور به مشام جان می رسید و رغبت خوردن و سپاسگزاری به درگاه کردگار را در انسان زنده می کرد. بوی قرمه سبزی و فسنجان و قیمة پلو تا چند خانه آن طرفتر شامه ها را نوازش و انسان را وسوسه می کرد. کوکو سبزی غوغا می کرد. سیب قندک نخستین نوپر میوه بود که عطر غریبی داشت و هنوز پس از سالها در خانه اول خاطره جوانهای آن دوره (میانسالان و کهن سالان کنونی) باقی گذاشته است و با یاد آوری سیب قندک و بستنی های سنتی که «نوپر بهار» نامیده می شد، لبخند بر لبان می نشیند. بوی شامی و کوفته هوا را معطر می کرد. خانواده ها به هم غذا تعارف و هدیه می دادند، مبادا زنی حامله یا بچه ای نابالغ هوس کند که در درگاه خدا شرمندة خواهند شد. همه به هم مهربان بودند و خداوند برکت را به سفره ها و به طعم غذا و بوی خوش نان می داد. آن روزها پدران میوه را در دستمال می پیچیدند که اگر ناداری ببیند متوجه نشود و هوس نکند. آن روزها کیسه های نایلون نبود تا با گستاخی درون خود را نمایان سازد. آن روزها حیا خریدار فراوان داشت. عشق بیشتر بود و محبت فرونتر.

پس چه باید کرد؟ امروز غذای ما از یاد می رود و فراموش می شود. فردا آداب و رسوم پسندیده دیگر و بعد نوبت به



باورها و آئینها می رسد. به یاد داشته باشیم که اعیاد و مراسم و غذاها و سرودها و باورها و لباسهای محلی، زبانها و گویشهای محلی و همه آنها مجموعه ای به نام فرهنگ و تمدن ایرانی را تشکیل می دهند که همه آنها هویت ملی ما را می سازند. برای حفظ هویت نمی توان تعدادی را نگهداشت و بقیه را پاس نداشت. همه آداب و رسوم و آئینها و جشنها و باورها در راستای شکر یزدان است. ایران سرزمین یکتا پرستی بوده و خواهد بود. ما باید این ارزشها را پاس بداریم.

اگر امروز غذاهای خود و فردا لباسهای محلی و روز دیگر زبانهای محلی و دیگر روز باورهای ارزشی خود را از دست بدهیم، سرانجام هویت خود را آسیب پذیر خواهیم کرد.

می توان گفت که پاسداشت غذاهای سنتی جزئی از پاسداری فرهنگ است. غذا، وسیله و راهی است برای حفظ هویت و فرهنگ ایرانی - اسلامی ملت ایران. ما غذا را به عنوان نعمات خداوندی می نگریم. این نعمات را باید پاس بداریم و به تاریخ و فرهنگ خود گره بزنیم. غذاهای آماده و تغییر الگوی مصرف از غذاهای سنتی به سمت این نوع غذاها، از غذاهای کنسرو و چه و چه، می رود تا ما را از هزاران نوع غذاهای گوناگون ایرانی دور سازد. اگر امروز غذای خارجی می آید، فردا غذاهای سنتی و ملی را می برد و هویت و فرهنگ ما را کم کم تهی کرده و برای خود جا باز می کند. تنوع غذا تنوع ذائقه را سبب می شود. شناخت غذاهای ملی و سنتی و محلی و شناساندن آن به دیگر اقوام و ملل می تواند در تعامل فرهنگی و گسترش گردشگری ملی و بین المللی بسیار کار ساز و کار آفرین باشد. این می تواند منبع ایجاد و کسب در آمد و اشتغال باشد.

*** استاد دانشگاه تهران**

و کارشناس مسایل آسیای میانه



دکتر اسماعیل ربیعی، معاون توسعه پژوهش، برنامه ریزی و آموزش نیروی انسانی آموزش و پرورش ناحیه دو رشت:

توسعه اجتماعی و سیاسی از کارکردهای آموزش و پرورش

شغل و درآمد و منزلت اجتماعی آینده افراد تاثیر بسزایی دارد از این رو آموزش و پرورش می تواند متشاه تغییرات اجتماعی نیز باشد، چون تمام جوامع دستخوش تغییر و دگرگونی می شوند. بنابراین از دستگاه تعلیم و تربیت انتظار می رود که جامعه را برای رسیدن به پیشرفت یاری کند.

دکتر ربیعی در پاسخ به اینکه دانش آموزان در زمان کنونی با چه مسایلی روبه رو هستند گفت: یکی از موضوعات فعلی این است که این روزها فضای مجازی وقت زیادی از اوقات مردم به ویژه جوانان مشغول به تحصیل را به خود اختصاص داده است. تا جایی که بسیاری از جوانان ما نسبت به آن اعتیاد پیدا کرده اند. اگر مدیریت صحیح اعمال نشود می تواند به عنوان یک عامل مخل فرهنگ و رفتار اجتماعی محسوب شود. البته فضای مجازی ذاتاً "بد نیست، هم می تواند به عنوان یک تهدید و هم فرصت به حساب آید، ولی آموزش و پرورش به عنوان متولی آموزش دانش آموزان باید نقش محوری در این موضوع داشته باشد.

وی با نظر به اینکه آموزش و پرورش، کلیدی است که راه را به سوی پیشرفت جامعه باز می کند، افزود: آموزش و پرورش در مدارس (و آموزش عالی در دانشگاه ها) با توجه به دیدگاه های علمی و تخصصی می تواند تحول مهمی در حوزه اقتصاد و توسعه پایدار بوجود آورند چون آموزش و پرورش با داشتن سرمایه انسانی عظیم یک سرمایه گذارانسانی بی همتا محسوب می شود که می تواند باعث تغییرات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در جامعه شود. از طرف دیگر دستگاه تعلیم و تربیت در هر جامعه ای نقش محوری در پرورش دیدگاه سیاسی هم دارد. پرورش سیاسی در علوم سیاسی از اهمیت ویژه ای برخوردار است و به این اشاره دارد که افراد در جامعه، احساسات و نگرش های مربوط به نظام سیاسی و نقش خود را در آن راه کسب می کنند، اگر چه تربیت سیاسی از سنین پایین تر آغاز می شود و در آن دوران تاثیرپذیری بیشتری دارد ولی این نوع تربیت تا بزرگ سالی ادامه دارد و آموزش و پرورش یکی از کارگزاران مسئول و فراگرد پرورش سیاسی هم به حساب می آید.

سارا فرزانه

با شروع سال تحصیلی جدید در مهر ماه هر سال شور و شادمانی در بین دانش آموزان در تمام مقاطع موج می زند، این ایام یادآور خاطرات خوش مدرسه برای اولیاء هم هست. ولی آیا بازگشایی مدرسه فقط به این معنا است که دانش آموزان باسواد شوند و بیشتر یاد بگیرند یا اینکه آموزش و پرورش کارکردهای ویژه ای هم دارد که از طریق تعلیم و تربیت به انجام رسالت خود می پردازد. در همین خصوص نظر دکتر اسماعیل ربیعی، معاون توسعه پژوهش، برنامه ریزی و آموزش نیروی انسانی آموزش و پرورش ناحیه دو رشت را جویا شدیم.

دکتر ربیعی با بیان اینکه مدرسه جایگاهی است که پرورش و آموزش در آن شکل می گیرد گفت: مشارکت طلبی و مشارکت جویی با اعمال اخلاقی و روابط انسانی بسیار حائز اهمیت است. برای انجام مسئولیت های خطیر، مدارس باید پژوهش محور باشند و پژوهش هم لازم است از دوران ابتدایی شروع شود. آموزش و پرورش باید دانش آموزان را مسئولیت پذیر بار آورد تا آنان در دوران زندگی شان مسئولیت هایی را که به آنها محول می شود به نحو احسن انجام دهند. وی اضافه کرد: یکی از کارکردهای آموزش و پرورش ایجاد الگوی مصرف صحیح است. و مدارس برای انجام این کار از طریق تعلیم و تربیت و رفتار مدیران و معلمان با اجرای اصول مصرف بهینه به تشویق دانش آموزان می پردازند.

وی در پاسخ به این سوال که به نظر تان مهمترین کارکردهای آموزش و پرورش چیست؟ گفت: رشد و توسعه ی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی از همه مهمترین جامعه پذیری و... از مهمترین کارکردهای آموزش و پرورش همه کشورها است. فرهنگ، روش زندگی مردمان هر جامعه ای است و جامعه برای بقاء و دوام خود نیاز اساسی به آن دارد. و هر جامعه برای تولید دوباره فرهنگ یا باز آفرینی فرهنگی به آموزش و پرورش رسمی نیاز مبرم دارد. وی یکی از وظایف مهم آموزش و پرورش را تربیت نیروهای ماهر و متخصص و آماده کردن آنان برای جذب در بازار کار دانست و اضافه کرد: کیفیت آموزش و رشته تحصیلی در تعیین



نخبه کشی

دکتر رضا سیمبر *

داشته باشند و بعد از انتصابات آمارها و ارقام را به دقت پی جویی کنند. و نهایتا عملکردها را با شعارها بسنجند. همچنان که نظارت دقیق، به موقع و محاسبه شده دستگاه های اجرایی مرتبط هم می تواند دستاوردهای گرانقدری را برای استان داشته باشد.

دانشگاهیان ما نیز عهده دار رسالت مداری هوشمندانه و نقادانه در این زمینه هستند. تعامل دانشگاه های استان با مجامع اجرایی و عملیاتی استان ضعیف به نظر می رسد و این شایسته گیلان ما نیست. البته باید تاکید کنم که این ضعف حاصل و مولود یک چرخه ضعیف



دو طرفه است.

دانشگاهیان ما درگیر تدریس هستند، اغلب هر کس در رشته خودش چندان دردها و چالش های استانی را نمی شناسد و تنها پسند می شود به تدریس برخی از دروس علمی، که اگر چه در حد خود قابل تقدیر است، اما آکادمی نقاد و چالش ایجاد کن و پرسشگر در سطح استانی خیلی کم است. این در حالی است که برخی چهره های آکادمیک در سطح فردی خوب می درخشند اما کار تیمی شایسته و نظام مند برای شناسایی چالش های استانی و تدبیر و تمشیت برای حل آن ها به شدت کم یاب است. البته گیلان در زمینه هم تکمیلی های اقتصادی به کشورهای حوزه دریای

خزر بسیار قدرتمند است و اگر ما بتوانیم که این هم تکمیلی ها را با درایت و اقتصاد سیاسی قدرتمند، سامان دهی و مدیریت کنیم هرگز مشکل بیکاری به عنوان یک معضل بزرگ اجتماعی و اقتصادی در استان ما وجود نخواهد داشت. در کار فرهنگی نیز باید قوی تر عمل کنیم تا توانمندی های غنی فرهنگ گیلان را متبلور سازیم و از آن به عنوان یک پارامتر قدرتی در سطح ملی استفاده نماییم. همچنین مدیریت و ساماندهی هر چه سریع تر محیط زیست که یک نیاز آنی برای استان است، تا به عنوان یک فرصت دیده شود نه چالش، ضروری است. گردشگری نیز یکی از توانمندی های بسیار بالای استان است که متأسفانه در سطوح مختلف و از جنبه های گوناگون به آن پرداخته نشده است. درست به مانند موضوع هم تکمیلی های اقتصادی که به آن اشاره شد، چون گردشگر هم می تواند کمک موثر و شایسته ای برای به هلاکت رساندن نکبت بیکاری در استان باشد اما تحقق این امر نیازمند کار آکادمیک، برنامه ریزی و مدیریت شایسته است.

یقینا گیلان و گیلانیان عزیز خیلی شایسته تر از آن چیزی هستند که در شرایط فعلی از آن برخوردارند. شاید مشکل ترین چالش ما نخبه کشی است که هنوز در جناح بندی های سیاسی و انتصابات خطی و جناحی پر رنگ تر از شایسته سالاری و تخصص مداری جلوه گر می شوند.

* استاد تمام گروه علوم سیاسی
دانشگاه گیلان

شایسته است با ذکر این نکته شروع کنم که گیلان ما در یک سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی از لحاظ شاخص های توسعه یافتگی رتبه پنجم را دارا بود، اما در سال ۱۳۶۵ در بین بیست و چهار استان کشور به رتبه هشتم تنزل کرد، در پایان برنامه توسعه دوم، رتبه سیزدهم و در برنامه چهارم با تحقق همه اهداف کمی رتبه پانزدهم را احراز کرد. در چنین حالتی قطعاً همه اندیشمندان و پژوهشگران گیلانی باید به طور شایسته با هم اندیشی راهی را برای افق آینده ی بهتر استان مان به تصویر بکشند.

در بعد سیاسی چانه زنی های بالا دستی

ما ضعیف به نظر می رسد و لازم است در هرم قدرت و تاثیر گذاری بر روی نهادهای آن لابی گری موثر تری داشته باشیم. در این راستا نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی و گیلانیان صاحب منصب در پایتخت مأموریت خطیری بر عهده دارند. چون اقتدار نظام جمهوری اسلامی ایران زاینده در بطن انقلاب اسلامی آن است.

در بعد اجتماعی، متأسفانه گیلان دچار جامعه شناسی نخبه کشی است. ما از استان هایی هستیم که در این پدیده اجتماعی رتبه های اول را دارا هستیم. اگر چه این یک پدیده ملی است، اما در استان ما شاید بتوان گفت که کم نظیر است. با روی کار آمدن دولت های مختلف هم چهره این موضوع تغییر پیدا نکرده است و همواره جناح

بندی های سیاسی بر شایسته سالاری تفوق و برتری داشته است.

حتی امروز که دولت آقای روحانی با شعار اعتدال و تدبیر بر سر کار آمده است اما متأسفانه دهها نمونه مستند از دستگاه های علمی و اجرایی وجود دارد که چطور روحیه نخبه کشی بر مدیران ما حاکم است. نیروهای شایسته را به بهانه های مختلف منزوی می کنند و افرادی را به مناصبی می رسانند که تخصصی در کارشان ندارند و صرفاً به خاطر ارتباطات و روابط سیاسی و فامیلی به قدرت می رسانند.

ضعف رسانه ها ی خبری و اطلاع رسانی استان ما در مقام مقایسه با خیلی از استانهای برتر کشور در این زمینه بسیار مشهود است. رسانه ها به ویژه مکتوب و سایتهای خبری ما به جای نقد موثر ساختارهای تصمیم گیر در استان، صرفاً کار تبیینی و توصیفی می کنند و به بهانه های گوناگون جذب آنها می شوند. در حالی

که رسانه ها و مطبوعات زمانی پویا هستند که ناقد باشند. برخی سایت ها نیز صرفاً انگار که بلندگوی تبلیغاتی برخی از چهره ها و افراد هستند و به این ترتیب آن سایت و مطبوعه را تبدیل به عکاس خانه افراد مطلوب خود می نمایند که این فرآیند اصلاً شایسته آنها نیست. اگر می خواهیم گیلان از این عقب ماندگی و ضعف مشهود بیرون بیاید، نیازمند سایت های خبری و مطبوعات نقاد، گزارش گر، تحلیل گر، پی جو و مستقل هستیم. البته درست است که ساختارهای سیاسی ما نیز در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیازمند اصلاح و تقویت هستند اما در حد توانمندی های فعلی ضعف استانی ما مشهود است.

رسانه ها باید انتصابات استانی را زیر ذره بین



محبوسی در زندان تن

ماهنامه گیلان فردا - «اگر دو جنسه بودید چه کار می کردید؟...»



نگاه شان را از بقیه می زدند... بعضی هایشان که کمی جسورتر هستند دل به دریا می زنند و سعی می کنند در هیاهوی روزمره زندگی حضور بیشتری داشته باشند ولی خیلی هایشان در لاک تنهایی فرو می روند. انصافاً شرایط دشواری است و دشوارتر زمانی که اطرافیان و به عبارت دیگر جامعه با رفتارشان آنها را طرد می کنند... پزشکان می گویند جراحی آخرین راه علاج بیماران اختلال هویت جنسی است، ولی پس از رهایی از عمل چند ساعته و تولدی دوباره، تازه مشکلات بیشتری بر سر راهشان قرار می گیرد؛ چراکه نه قبل از عمل و نه بعد از آن حمایت های درستی از این افراد صورت نمی گیرد، اکثر آنها نمی توانند به راحتی وارد محیط کار شوند و البته برخی دیگر نیز تصمیم به جدایی از خانواده هایشان می گیرند و گویی قصه پر غصه آنها تمامی ندارد. هر چند که این افراد با توجه به وضعیت اجتماعی و فرهنگی جامعه اسلامی خود باید نکاتی را رعایت کنند. بسیاری از مردم، ترانس سکسوالیسم را با همافرودیسیم و گاه حتی با همجنسگرایی یکی می داندند. مصاحبه ای که در ادامه می خوانید توسط هومان دوراندیش تهیه و قبلاً در سایت خبری تحلیلی عصر ایران ارایه شده است. دکتر مهدی صابری، روانپزشک پزشکی قانونی، در گفتگو با عصر ایران به تشریح ماهیت عارضه ترانس سکسوالیسم (یا اختلال هویت جنسی) و مشکلات مبتلایان آن (مخففاً "تی اس ها") پرداخت.

این افراد با مشکلات عدیده ای برای حضور در جامعه روبه رو هستند

متأسفانه نگاه مردم به افرادی که اختلال هویت جنسی دارند، کلیشه ای و تحقیرآمیز است و گروهی نیز ممکن است این افراد را اشخاصی منحرف بدانند؛ زیرا فرد به زعم ظاهری که مردانه یا زنانه است، رفتاری متفاوت نشان می دهد و این موضوع باعث می شود در کانون توجه

و در نتیجه مورد تمسخر یا سرزنش قرار گرفته و با مشکلات عدیده ای برای حضور در جامعه روبه رو باشد.

این افراد نیز مثل ما یک شهروند هستند

به نظر می رسد ایجاد سازوکارهای قانونی برای حمایت از این بیماران ضرورتی غیرقابل انکار

این افراد به حمایت های قانونی نیاز دارند

پزشکان و کارشناسان بسیاری معتقدند که تنها

راه غلبه بر مشکلات بیماران دچار اختلال هویت جنسی وضع قانون است. برای حمایت از افراد مبتلا به اختلال هویت جنسی باید دست به دامان قانون شد که به صورت کامل و دقیق مشخص باشد؛ بنابراین لازم است قانونی تعریف و تهیه شود که تمام وجوه زندگی، کار، درمان، تحصیل، برخوردهای قانونی، شناسنامه و هویت جامعه تی اس ایران را در بر بگیرد.

ابتدا بفهمید ترانس سکسوالیسم چه فرقی با همافرودیسیم دارد؟

همافرودیسیم یا دوجنسی بودن، نوعی اختلال و اشکال آناتومیک است. یعنی در بدن فرد مبتلا، اندامهای جنسی هر دو جنس مونث و مذکر وجود دارد. مثلاً ممکن است دستگاه خارجی تناسلی شخص، مردانه باشد اما ارگان های زنانه مثل رحم و تخمدان نیز در بدن او به شکل ناقص وجود داشته باشد. چنین فردی دوجنسی قلمداد می شود.

فرد دوجنسی از حیث ارگانسمش دچار نوعی ابهام جنسیتی است و نمی داند که زن است یا مرد. دوجنسی ها معمولاً عقیم هم هستند. اما ترانس سکسوالیسم کاملاً متفاوت از همافرودیسیم است.

فرد مبتلا به ترانس سکسوالیسم، در ساختمان بدنش هیچ اشکالی وجود ندارد. همافرودیت ها در ساختمان بدنشان اختلال وجود دارد اما ترانس سکسوالیست ها از حیث ساختمان بدنی، کاملاً مرد و یا کاملاً زن هستند. اندام های جنسی خارجی و درونی آنها کاملاً مردانه و یا کاملاً زنانه است. منظور از اندام های جنسی درونی، رحم و تخمدان و هورمون های زنانه در زنان و هورمون های مردانه در مردان است.

رویش پستان در زنان و تجمع چربی در نواحی لگن و باسن و نازک شدن صدا در زنان و رویش ریش و سیل و خشن شدن صدا در مردان، محصول همین هورمون های زنانه و مردانه هستند که در ترانس سکسوالیست ها، به طور طبیعی وجود دارند.

بنابراین ترانس سکسوالیست ها یا تی اس ها، به لحاظ ظاهری و فیزیکی هیچ مشکلی ندارند. به لحاظ ژنتیک هم مشکلی ندارند، یعنی یک زن تی اس، کروموزوم های جنسی دارد و از این حیث کاملاً طبیعی است.

اختلاس تی اس ها، اختلال در احساسات و هیجانات و تمایلات آنهاست. یعنی فردی که به لحاظ ژنتیک و ظاهر فیزیکی زن است، احساسات و تمایلات و رفتارهایش مردانه است و درباره خودش معتقد است که باید مرد می شد. یعنی احساس می کند که تمایلات و احساسات و روحیات مردانه اش در یک قفس زنانه گیر افتاده است. مثل مردها رفتار می کند و حتی پس

از رسیدن به سن بلوغ، تمایلات جنسی شان هم مثل جنس مخالفشان است. و یا برعکس، شخصی که به لحاظ فیزیکی مرد است ولی احساسات زنانه دارد، احساس می کند در قفسی مردانه گرفتار شده است.

ولی با وجود این تمایل، باز با همجنسگرایان فرق دارد زیرا خودش معتقد است که تمایل جنسی اش به زنان، تمایل به جنس مخالف است؛ چرا که او خودش را در اصل مرد می داند. درست است؟

احسن! دقیقاً یک همجنسگرای مثلاً مذکر، با علم به جنسیت مذکر خودش، باز تمایل دارد که با جنس مذکر رابطه جنسی داشته باشد. یعنی خودش را مرد می داند و به مردان گرایش جنسی دارد! اما یک مرد مبتلا به "اختلال هویت جنسی" (ترانس سکسوالیسم)، تمایلات زنانه دارد و خودش را زن می داند. رفتارها و تمایلاتش زنانه است و اصرار زیادی هم دارد که حتی شکل ظاهری بدنش را زنانه کند. اما یک همجنسگرا هیچ وقت نمی خواهد عمل جراحی کند و تغییر جنسیت دهد.

ترانس سکسوالیسم یک بیماری روانی محسوب می شود؟

بله، اما نباید فراموش کنیم که منظور از بیماری روانی در این جا، آن اختلالات شدید روانی، که فرد را کاملاً غیرطبیعی و مبتلا به رفتارهای عجیب و غریب می سازد، نیست. اختلالات روانی انواع گوناگونی دارند. برخی از آنها، اصلاً به چشم نمی آیند و به راحتی قابل تشخیص نیستند.

گاه در برخوردهای نزدیک مشخص می شوند ولی کلاً آشکار نیستند. اختلال هویت جنسی هم جزو اختلالاتی است که ممکن است دیگران سال های سال متوجه آن نشوند.

شاید پدر و مادر فرد مبتلا، از همان دوران کودکی، به تدریج متوجه شوند که رفتارهای فرزندشان با سایر بچه های همجنس فرق دارد. مثلاً پسر بچه آنها، رفتارهایش بیشتر دخترانه باشد. تی اس ها وقتی که به سن بلوغ می رسند، تفاوت رفتاری شان با افراد همجنس خودشان معمولاً به خوبی آشکار می شود. مثلاً یک پسر مبتلا به اختلال جنسی، دوست ندارد بازی های پسرانه بکند و لباس های پسرانه بپوشد. او در دوران قبل از بلوغ جنسی هم، لباس های دخترانه و اسباب بازی های دخترانه را

می پسندد و دوست دارد.

خانواده هایی که در ایران فرزندشان چنین مشکلی دارد، معمولاً چه برخوردی با بچه خودشان دارند؟

ممکن است بعضی از والدین در سال های کودکی، رفتارهای متفاوت فرزند مبتلایشان را تشویق هم نکنند؛ چرا که رفتارهای او برای آنها جالب و بامزه است. مثلاً پسر بچه ای که لاک می زند و ادای دخترها را درمی آورد، بخصوص در خانواده هایی که چند تا پسر دارند و آرزو دارند که دختر داشته باشند، ممکن است رفتارهایش برای پدر و مادرش خیلی جالب باشد. ولی رفتارهای این کودک، به تدریج پدر و مادر را نگران می کند زیرا آنها می بینند که فرزندشان مثل سایر بچه های همجنس خودش رفتار نمی کند.

چنین فرزند، طبیعتاً سرزنش و تحقیر شده و گاه با القاب تحقیرآمیز مواجه می شود. بچه هایی که اختلال هویت جنسی شان خیلی آشکار نشده باشد، در خلوت خودشان لباس جنس دلخواهشان را می پوشند و پسرها مثلاً آرایش می کنند.

به هر حال به نوعی، و البته با سختی، با این حالت خودشان کنار می آیند. اما وقتی که به سن دانشگاه می رسند و بیش از پیش وارد جامعه می شوند، به تدریج والدین به این حالت آشکار نشده پی می برد و به رفتارهای فرد اعتراض می کنند. یعنی آنها نگران می شوند که مبادا فرزندشان انحراف جنسی پیدا کرده باشد.

بیشتر خانواده ها، این بچه ها را مورد شتمانات قرار می دهند، طردشان می کنند، با آنها مقابله کرده و مفصلاً بحث می کنند. ما خیلی کم دیده ایم که این خانواده ها متوجه اختلال فرزندشان شده باشند و برای مشاوره، به روانشناس مراجعه کنند.

خانواده ها معمولاً چنین کاری نمی کنند بلکه خود این بچه ها، پس از درگیری با خانواده و یا طرد شدن از سوی خانواده، به روانشناس مراجعه می کنند. به علاوه از طریق مراجعه به اینترنت و مطالعات شخصی، متوجه می شوند که اختلالی در وجودشان هست که باید به آن توجه کرد. خانواده ها معمولاً مقاومت زیادی در پذیرش این اختلال در وجود فرزندشان، دارند.



تغییر جنسیت، یکی از اقدامات سازمان پزشکی قانونی است. بعضی از خانواده ها، به خوبی با جنسیت جدید فرزندشان کنار می آیند و بعضی ها هم نه؛ یعنی بچه هایشان را طرد کرده اند.

❖ کسانی که مجوز تغییر جنسیت دریافت نمی کنند، چه کار باید بکنند؟

تمایل به تغییر جنسیت در این افراد، ناشی از اختلال هویت جنسی نیست بلکه از علل دیگری نشأت می گیرد. مثلاً ممکن است انواعی از اختلال شخصیت، افسردگی و روانپریشی، علت این گرایش آنها باشد. این حالات با روان درمانی و داروهای روانپزشکی قابل درمان اند. خیلی از این افراد پس از درمان توانسته اند به طور طبیعی به زندگی شان ادامه دهند. به هر حال هر کسی که گرایش به تغییر جنسیت خود داشته باشد، لزوماً اختلال هویت جنسی ندارد. اختلال هویت جنسی، شیوع بسیار کمی دارد و تقریباً از هر پنجاه هزار و یا صدهزار نفر، یک نفر دچار این اختلال است.

در جمعیت ۷۵ میلیونی ایران، بین ۷۵۰ تا ۱۵۰۰ نفر دارای اختلال هویت جنسی اند. کسانی که به سازمان پزشکی قانونی مراجعه می کنند، خیلی بیش از این رقم است ولی همه این افراد دچار این اختلال نیستند. به هر حال وظیفه تفکیک این افراد و تشخیص بیماران واقعی در میان آنها، برعهده روانپزشکی و روانشناسی است.

❖ علت به وجود آمدن این مشکل چیست؟

علت این اختلال هنوز به طور کامل کشف نشده است. به هر حال هنوز نمی توان با قاطعیت گفت که استرس هایی در دوران بارداری مادر و یا بروز جنگ و حوادث و... زمینه ساز اختلال هویت جنسی در جنین باشد. بسیاری از خانواده ها در دوران جنگ در شرایط بسیار نامطلوبی قرار داشتند و استرس های شدیدی را متحمل شدند ولی فرزندشان دچار اختلال هویت جنسی نشد. من فکر می کنم این موضوع نیاز به تحقیق بیشتر دارد.

❖ جراحی تغییر جنسیت تی اس ها معمولاً موفقیت آمیز است یا نه؟

موفقیت این جراحی ها، نسبی است. بعضی ها از عمل جراحی شان راضی بوده و پس از جراحی، زندگی تقریباً نرمالی هم داشته اند. در هر صورت، این افراد پس از عمل جراحی، به یک زن یا مرد کامل و بدون نقص بدل نمی شوند. این ها پس از جراحی، عقیم و نازا هستند و در تمام عمرشان باید از داروهای هورمونی استفاده کنند و طبعاً برخی از عوارض مصرف این داروها، دامن گیرشان می شود.

این مقاومت طبیعی است چرا که این مشکل، مشکلی نیست که به راحتی بتوان آن را پذیرفت. خانواده ها در برابر این مشکل دچار تنش و احساس گناه می شوند و گاهی پدر و مادر یکدیگر را متهم می کنند و هر یک از آنها، دیگری را عامل ایجاد این مشکل در رفتار فرزندشان قلمداد می کنند.

در اثر این فضای پرتنش، گاهی بچه های مبتلا به اختلال جنسی، خانه را ترک می کنند.

❖ به غیر از مشکلات فرهنگی موجود در جامعه ایران در قبال تی اس ها، احکام فقهی درباره ترانس سکشوالیست ها چگونه اند؟

اولین بار فردی به نام فریدون پورملک آرا، در پاریس نزد امام خمینی (ره) رفت و مشکل اختلال هویت جنسی اش را با امام در میان گذاشت و بعد از انقلاب، مجوز جراحی تغییر جنسیت را از امام خمینی (ره) دریافت کرد.

پس از فتاوی امام، فریدون پورملک آرا، به تایلند رفت و تن به جراحی تغییر جنسیت داد و زن شد و با نام مریم پورملک آرا، به زندگی اش ادامه داد و در فروردین ماه امسال، در سن ۶۱ سالگی، درگذشت.

او در تمام مدت زندگی اش به عنوان زن، به شدت پیگیر مشکلات تی اس ها بود و انجمنی هم برای حمایت از این افراد تاسیس کرد تا آنهایی که قابل درمانند، درمان شوند و کسانی هم که چاره ای جز عمل جراحی ندارند، اقدامات قانونی لازم برای عمل جراحی تغییر جنسیت آنها انجام شود.

البته مجوز قانونی این کار، بر اساس فتاوی شرعی، توسط سازمان پزشکی قانونی صادر می شود. افرادی هم که اختلال هویت جنسی ندارند ولی احساس می کنند که باید جنسیتشان تغییر یابد، یعنی فرم های دیگری از این گرایش روانی را دارند که مصداق این بیماری نیست، مجوز تغییر جنسیت دریافت نمی کنند.

به هر حال افراد مراجعه کننده به سازمان پزشکی قانونی، توسط چند متخصص روانپزشکی و نیز متخصصان پزشکی قانونی و، اگر لازم باشد، متخصصان دیگر، مثل متخصصان زنان و متخصصان جراحی، ویزیت می شوند.

این افراد دوره های روانکاو را پشت سر می گذارند و اگر قادر به تثبیت جنسیت واقعی خودشان باشند، اقدامات لازم برای بهبودشان بدون عمل جراحی دنبال می شود و کسانی که دیگر چاره ای جز عمل جراحی ندارند، به کمیسیون مربوطه در سازمان پزشکی قانونی معرفی می شوند.

آماده سازی روانی این افراد و نیز خانواده هایشان برای پذیرش جنسیت جدید پس از جراحی

فرهنگی که فضای مجازی گسترش می دهد...!

ز بزن ج می دم



مرسده دیلمی

متولد کدام دهه هستید؟ بیست، سی، چهل، پنجاه، شصت، هفتاد، هشتاد یا دهه نود؟ یادتان هست تا همین چند دهه پیش حتی تلفن ثابت هم در اختیار همه ی شهروندان نبود؟ از باجه های تلفن سکه ای راه دور و یا از باجه های تلفن سکه ای شهری خاطره ای دارید؟ اما از آن روزها تاکنون تغییرات زیادی در تکنولوژی و بخش ارتباطات جمعی رخ داده است. هم اکنون میلیون ها ایرانی عضو شبکه مجازی تلگرام هستند. بنابراین استفاده از شبکه های مجازی یکی از ضروریات زندگی امروزی به نظر می رسد. اما این ضرورت ظاهراً "اجتناب ناپذیر پاسخگوی چه نیازهایی است؟"

ز بزن ج میدم!

۱- یکی دو سال قبل که هنوز گوشی های هوشمند فراگیر نشده بودند و دادن پیامک رایج تر بود افراد سعی می کردند خیلی از خبرها و مطالب را در جملاتی کوتاه به طرف مقابل خود انتقال دهند. حتماً شما هم تجربه کرده اید که متنی را بنویسید و بعد برای کوتاه تر شدن فاصله ها را بگیریید و کلمات اضافی را حذف کنید و خلاصه اینکه برای صرفه اقتصادی به یک یا دو پیام بسنده کنید. البته اینکه در این پیامک ها چه بر سر املا و انشای فارسی آمد بماند، چون افراد به دور از دستورالعمل زبان فارسی به هر شکلی کلمات را می نویسند. اما اینکه افراد تحصیل کرده هم به این نکات توجه نداشته باشند کمی جای تامل و تعمق دارد. به عنوان مثال تصور کنید خانمی که دانشجوی دکتری است در پاسخ به دانشجوی ارشد پیام بدهد: "ز بزن ج" می دم نمی دانم این نحوه پیامک دادن نشان از تبیلی است یا بی حوصلگی؛ ولی بی شک زیبا و پسندیده نیست.

امروز خانواده ام را دیدم

۲- تقریباً این روزها درد مشترکی بین اکثریت مردم شیوع پیدا کرده است و آن هم اعتیاد شدید به گوشی است در نتیجه افراد دور نزدیک و افراد نزدیک، دور و مغفول مانده اند! این روزها بیشتر وقت افراد مصروف کار کردن با گوشی های هوشمند می شود. به قول بازیگر برنامه کودک "شاید باورش سخت باشه اما واقعیت داره". جالب اینکه همه از این وضع، منتقدانه صحبت می کنند ولی در عمل به کار افراط گونه ای خود ادامه می دهند! و تنها اگر دقایق یا ساعاتی اینترنت قطع شود افراد به دور و بر خود توجه کرده و یادشان می آید که خانواده ای هم دارند!

فضای حافظه اندک است

۳- خواسته یا ناخواسته شما را عضو گروه های مختلف می کنند. شبکه های مجازی را می گویم، وایپر، واتس اپ، تلگرام. این روزها بازار گروه های تلگرامی حسابی داغ است. از صبح خروس خوان تا شب دیر هنگام انواع و اقسام پیام ها برایتان ارسال می شود، آنقدر که فرصت نمی کنید همه ی آن ها را

مدام توسط کاربران به اشتراک گذاشته می شوند. پیام هایی که در آنها با فرهنگ و رفتار و کردار و زبان و عادات ما متناقضانه برخورد می شود، بدون اینکه پالایشی صورت بگیرد و سره از ناسره تمیز داده شود. اما پیام هایی هم هستند که تنها حرمت ها را لگدمال می کنند و حریم ها را می شکنند! پیام هایی که نه برای شخصیت فردی، احترام قائل می شوند و نه حریم خانوادگی! و گاه همین پیام ها موجب از هم پاشیدگی بنیان خانواده می شوند! البته چرایی دست به دست شدن این سری از پیام ها نیز آسیب شناسی خاص خود را می طلبد و لازم است کارشناسان علوم اجتماعی و روانشناسان با بررسی پاره ای از علل و معلول ها به تحلیل و تفسیر این فضا بپردازند.

پیام های سیاسی

۷- در این فضای مجازی با پیام های دیگری هم برخورد می کنیم که با اهداف سیاسی رد و بدل می شوند و هرچه به انتخابات نزدیک تر می شویم این نوع پیام ها که بعضاً "ترور شخصیت و یا بزرگ نمایی و کوچک نمایی عمدی نیز در آنها مستتر است بیشتر به چشم می خورند.

پیام های اطلاعات عمومی

۸- با این همه نمی توان محاسن بی شمار این ارتباطات لحظه ای را نادیده گرفت و اینجاست که دهکده جهانی به معنای واقعی لمس و درک می شود و می توان هر لحظه از وقایع دورترین مکان نیز با خبر بود. به مدد همین شبکه های مجازی می توان با بسیاری از نقاط دنیا آشنا شد. فرهنگ ها، آیین ها، آثار باستانی، جاذبه های دیدنی و گردشگری و... دیگر ملل را دید و فرهنگ و آیین و جاذبه های دیدنی و گردشگری کشور خود را هم شناساند.

پیام های تبلیغاتی و کسب و کار

۹- باز به مدد همین شبکه های اجتماعی افراد می توانند کارهایشان را معرفی کنند، با ایده ها و خلاقیت های دیگران آشنا شده و به راحتی اطلاعات لازم در زمینه علاقمندی خود را کسب کنند. خرید، فروش و گرفتن سفارش کار بخشی از کارکرد شبکه های اجتماعی مجازی است.

عناوین گروه های تلگرامی

۱۰- اما با همه محاسنی که گروه های شبکه مجازی دارند گاه در جهت عنوان و محتوای گروه زیاد دقت نمیشود و بسیاری از پیام های به اشتراک گذاشته شده به دور از عنوان و هدف اصلی گروه و تکراری و غیر مرتبط بنظر می رسد که خود باعث خستگی مضاعف کاربران می شود. و در یک کلام خود ما کاربران هستیم که نحوه استفاده از این امکانات با ارزش را مشخص می سازیم، افراط، تفریط یا استفاده صحیح...

بخوانید و تصاویر را ببینید. در مقابل مدام گوشیتان پیغام می دهد "فضای حافظه اندک است." و شما مجبور می شوید خواننده یا خواننده مدام پیام ها را پاک کنید و یا از گروه خارج شوید.

پیام های خبری

۴- بخش اصلی پیام ها را می توان به پیام های خبری اختصاص داد. در این شبکه های مجازی بسیار زودتر و سریعتر از وسایل ارتباط جمعی اخبار منتشر می شود، آنقدر سریع که گاه ممکن است هنوز واقعه و سوژه خبر کاملاً اتفاق نیفتاده باشد! در این شبکه ها شهروندان و کاربران خود خبرنگارانی هستند که اخبار را بصورت لحظه ای مخابره می کنند و



گاه حتی بدون هیچ دقت و تاملی مطالب دریافتی دوباره به اشتراک گذاشته می شود!

پیام های عشق و دوستی

۵- خب به نظرتان چه نوع پیام هایی در گوشی های هوشمند رد و بدل می شوند؟ البته گوشی همراه یک وسیله شخصی و خصوصی است و هدف از این سوال چیز دیگری است. به عنوان مثال در پنجاه درصد پیام ها به خوش خلق بودن، انسانیت، عشق، مرام، وفاداری، دوستی، دوستی با محیط زیست، دوستی با حیوانات و... توصیه می شود ولی به نظرتان افرادی که این پیام ها را رد و بدل می کنند تا چه حد در مراودات روزمره به توصیه ها عمل کنند؟

پیام های خانه برانداز

۶- پیام های زیادی هم هستند که بدون هیچ منبع موثق

توی گروه می بینمت

فرشته پیرانی

از این همه که بگذریم قصه ولع سیری ناپذیر ما در علاقه به دست ساخته های بشر مخصوصا از نوع آن طرف آبی اش به ویژه اگر سوزی جون عمه اینا و مازیار پسر نازی جون، خواهرشوهر سی سی آخرین مدلش را پیشنهاد داده باشد که ش مستطاب هنوز روی لب گرامی منعقد نشده مدل بعد آخرش توی بازار می چرخد و؛ ای بابا شما هم که فقط طالب رنگ نقره ایش هستین ببینم چیکار می تونم واستون بکنم واسفا نگرند نیست گشتیم نبود. فقط همین یکی مونده بود که برگه فروش خورده می بینین که، اما چون خاطر حضرتعالی خیلی عزیزه، خب به هر حال فکر ضرر و زیان ما هم باشین دیگه خودتون بهتر می دونین که کف دست ما رو هیچی! نمی گیره، این قدر گفته و شنیده شده که دیگر حالی و ملالی برای بازگویی اش نمانده. اما قصه علی الخصوص اگر از نوع مدرنش باشد داستانتک های فرعی دارد که خیلی وقتها بیشتر از خود قصه اصلی توی ذهن آدم می ماند. قصه آدمهای عجیب و غریبی که تا همین دیروز اگر سالی یکبار برای دیدن نزدیک ترین اقوامشان به یک میهمانی پیژوری دعوت می شدند باید از سه ماه زودتر وقت آرایشگاه می گرفتند و بند کفششان را با پاپیون کیف راننده آژانسشان ست می کردند و توی آن یکی دوساعت از فرط سنگینی مجلس بود یا مشکلات شخصی سی بار از داخل سالن روی تراس می آمدند و نفس تازه می کردند و لطایف الحیل به هم می یافتند تا بالاخره کلا تصمیم گرفتند که در هیچ دورهم نشینی و میهمانی و دید و بازدیدی شرکت نکنند و در جواب دیگران هم آنقدر بهانه های طاق و جفت ردیف کردند که بکپو به این نتیجه رسیدند به جای اینکه هر روز یک دروغ تازه بگویند یک دروغ را هر روز بگویند و آن هم ذکر مدام این جمله بود که: به خدا اصلا وقت نمی شه باور می کنی فرصت ندارم حتا ساک خریدمو باز کنم همینچور کنش نکنده خوابم می بره، ناگهان امروز خواب نما شده اند که حتی یک لحظه فقط یک لحظه ناقابل از یاد یکدیگر غافل نمانند. دایم برای هم گل و شیرینی می فرستند و مدام هم را تشویق می کنند و هی کف می زنند به افتخار هم، و از نیم دقیقه غیبت هم در گروه! بسیار نگرانند. چه اتفاقی ممکن است افتاده باشد. همین آدمها که تا دیروز از برداشتن گوشی تلفن و زدن یک زنگ چند ثانیه ای برای تبریک تولد یک نورسیده شیش ماه و دو سال! به خودشان می پیچیدند و آخرش هم یک جمله دو کلمه ای «تبریک می گم» را به زمان نمی آوردند، امروز برای یک مناسبت خیلی ساده چه پیام های شادباش و چه دسته گلهایی نیست که برای هم نثار نمی کنند.

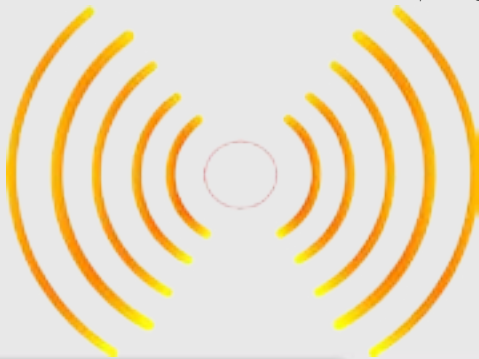
الحق که مردمان عجیبی هستیم به همت چندین سازمان مهم جهانی شبی را دور هم جمع می شویم بعد از دو سال و نیم، و تمام شب لحظه ای چشم از روی گوشی موبایلمان بر نمی داریم و خیلی که هنر کنیم بغل دستیمان را هم در خنده ریز ریز خودمان شریک می کنیم البته با رعایت تمامی نکات ایمنی که مبادا بعد از این مدت توی صورتش نگاه کنیم و با نگاهمان از چشم هایش بپرسیم این دو سال و نیم را کجا بوده چه می کرده چه حالی داشته. مایی که جواب تلفن دیگران را نمی دهیم و بعد که علت را جویا می شوند به طرز مودبانه یا هر طرز دیگری که خودمان می پسندیم دست به سرش می کنیم یا صریح می گوئیم که ما اصلا! به گوشیمان توجهی نداریم و اصلا! بهش نگاه هم نمی کنیم، آنجا توی این بساط تازه مرتبا به دیگران نودوستی، از حال هم باخبر باشید، بیایید به یکدیگر کمک کنیم دوستدار طبیعت باشیم محیط زیست را پاس بداریم و ... را آموزش می دهیم. درحالیکه یکی، دو روز

است سرکوچه ما نشسته و احتمالا چیز چندانی هم نخورده است یا مادرمان ده عصر جمعه است که چشم به راه ماست، و بچه های زیادی منتظرند تا سری بهشان بزنیم و آنها را ولو برای یک روز میان خانواده ببریم، ما دائما با شیوه پیشرفته و فوق عمیق کپی پیست عکس هایی را می فرستیم و روی رقت قلب یکدیگر نرخ می گذاریم. یا مدام دهانمان را پر می کنیم و شعارهایی می دهیم که اصلا و ابدا به قد و قواره مان نمی آید. از جلد چهارم! جنایت و مکافات چیزهایی نقل می کنیم تا مردم به فراست و عمق دانش ما پی ببرند و درحالیکه سیصد و اندی سال است کتابی نخوانده ایم چون دائما در حال پرسه زدن توی اینترنت برای یک جمله عکس یا نوشته ای هستیم که روی هم گروهیمان را کم کند، دیگران را به خواندن کتاب دعوت می کنیم و مدام از همه چیز ایراد می گیریم. جالب تر از همه اینکه چقدر این روزها همه ی ما مردمدار شده ایم همین مایی که تا دیروز احوالپرسی همسایه مان را دخالت در امور شخصی معنی می کردیم امروز برای اثبات ما هم بعله، سرمان را تا کمر توی هر دیگی خم می کنیم. همین ما، مایی که تا دیروز اگر کسی یک جمله از جایی نقل می کرد یا در مورد مساله ای به بحث می پرداخت او را محکوم به مدعی همه چیز فهمی می کردیم و حرفهایش را شعار می پنداشتیم.

درحالیکه مدام همونوعان و هم وطنانمان را مورد محبت و همدردی قرار می دهیم برای لگد کوچکی که کودک یکی از همین هم نوعان بخت برگشته به گوشه شلوارمان زده خیابان را بند می آوریم یا برای کلمه نادانسته ای که یک فامیل نزدیکمان به زبان آورده صد و یک روز چنان چهره عبوس و قیافه دژمی به هم می زنیم که مسلمان نشود کافر نبیند. توی صف اتوبوس عجله داریم از زنده هم بگذریم تا یک صندلی بگیریم بنشینیم گوشیمان را باز کنیم و مدام به هم پند بدهیم.

اصلا این روزها همه همه چیزدان شده اند همه پر از اطلاعاتی هستند که می خواهند دیگران را هم با آن سهیم کنند اما خیلی وقت ها اگر برادرشان را در مسیر ببینند در جواب این سوال که کجا با این عجله! بدون هیچ دلیل واضحی دروغ می گویند، و در نوروز که یکبار بیشتر در سال نیست به خانه های هم که می روند تازه اگر بروند، فقط به گوشی های شان خیره می شوند سال نو را به گوشی هایشان تبریک می گویند و وقت آمدن از گوشی های شان خداحافظی می کنند. اگر هم کسی حرفی زد همه با چشمهای خشمگین چشم غره می روند و باز سرشان را توی گوشی هایشان فرو می کنند. تا سال بعد.

ظاهرا از مدرن شدن تنها همین آ ب باریکه دست ما را گرفته مواظب باشیم از دستش ندهیم.



داشتن اندامی عضلانی و به قول خیلی‌ها روفرم بودن

شکم صاف یا شش تکه



ساناز فرزانه *

به نظر می‌رسد این روزها جوانان بیشتر از قبل به ظاهر خود توجه می‌کنند. البته این توجه اگر درست و علمی باشد خوب است. به عنوان نمونه افزایش باشگاه‌های بدن سازی و به تبع آن افزایش جوانان مشتاق به بدن سازی یا بلعکس، مد رایج این روزهاست. همه می‌خواهند اندامی خوب، ورزیده و هیكلی موزون داشته باشند. تا بدانجا که داشتن شکم شش تکه یک امتیاز در میان این جوانان محسوب می‌شود! به عبارت دیگر داشتن اندامی عضلانی و به قول خیلی‌ها روفرم بودن یکی از علاقمندی‌های جوانان است. بعضی‌ها گرایش جوانان به رشته ورزشی پرورش اندام را به عنوان تب بدنسازی در کشور می‌خوانند. خیلی از جوانان با تمرینات سنگین و رژیم‌های تقریباً سخت تلاش می‌کنند تا خود را به حد استاندارد در این ورزش برسانند، تا اینجای کار مشکلی نیست، مشکل

از زمانی آغاز می‌شود که مانند همه کارها افراط و تفریط به میان می‌آید. به گونه‌ای که بعضی از این افراد با مصرف مواد نیروزای غیر مجاز سعی می‌کنند یک شبه آرنورلد شوند! البته باشگاه‌های متخلف هم در این مسیر به این ورزشکاران عجول کمک کرده و با ارایه داروهای غیرمجاز و مواد نیروزا آنها را که آگاهی کافی از مضرات این مواد ندارند، می‌فریبند. به عنوان مثال طی ماه قبل بر اساس اخبار صدای مرکز گیلان فقط ۳۰ باشگاه متخلف بدن سازی در استان پلمپ شدند. تخلفات این باشگاه‌ها هم مختلف بوده است که ضرورت نظارت بیشتر را هم در باشگاه‌ها و هم در مراکز عرضه مواد مکمل نمایان می‌سازد، چون مصرف مواد مکمل در پرورش اندام باید تحت نظر پزشک انجام شود. بر اساس اطلاعات موجود مصرف هر یک از انواع خوراکی و تزریقی مواد نیروزای غیرمجاز و حتی مواد نیروزای مجاز بدون مشورت با پزشک باعث بروز عوارضی نظیر تغییر در میل جنسی، ناباروری، سرطان پروستات، بروز اختلالات رفتاری، کوتاهی قد، بروز صفات ثانویه جنسی زودرس، ریزش مو و ده‌ها نوع آسیب دیگر

می‌شود. شهرام فرج‌زاده متخصص پزشکی ورزشی معتقد است: «مصرف مکمل‌های غذایی بدون نظر پزشک ورزشی یا متخصص تغذیه باعث ایجاد اختلالاتی در سلامت ورزشکاران می‌شود. اما گرایش غلطی در اکثر ورزشکاران ما حاکم است که بیش از حد پروتئین مصرف کنند در صورتی که نیاز آنها به پروتئین تا حد خاصی بوده و بقیه پروتئین دریافتی دفع می‌شود».

به گفته صاحب‌نظران تمرینات سنگین ورزش پرورش اندام علاوه بر تقویت جسم موجب می‌شود تا بر اثر ممارست اراده ورزشکار هم تقویت شود و این یک مزیت است به شرطی که در همه حال چه در بعد تقویت جسمانی و چه روحی و روانی و ارادی تعادل حفظ شود. بی شک با افزایش آگاهی می‌توان ضمن دوری از فریب افراد سودجو و نادان، به موفقیت رسید. البته هیات پرورش اندام و بدنسازی استان گیلان طی یک سال اخیر با فعالیت خوب خود توانسته است ضمن ارتقای این ورزش، این بخش را ساماندهی کرده و عملکرد قابل قبولی داشته باشد.

* دانشجوی ارشد مدیریت بازرگانی

گفتنی است پرورش اندام در ایران از سابقه نسبتاً طولانی برخوردار است. بر اساس اطلاعات موجود در سالهای ۱۳۰۰ شمسی اصلاً نامی از ورزش پرورش اندام در ایران نبود و تنها ورزشکاران و پهلوانان ورزش باستانی بخاطر تمرینات داخل گود و بلندکردن وزنه‌های آن زمان در بیرون از گود، اندامهای در خور توجهی داشتند.

در سال ۱۳۲۴ توسط مرحوم منوچهر مهران که شخص علاقمندی بود، اولین دوره مسابقات پرورش اندام در تهران برگزار شد. تا اینکه مسابقات جهانی وزنه برداری سال ۱۹۴۸ در لندن برگزار شد. و مرحوم محمود نامجو در پایان این مسابقات وزنه، در دسته کوتاه قدام بمقام اول جهان دست یافت و استیوریوز قهرمان بلند قدام شد.

پس از بازگشت نامجو به ایران تب پرورش اندام ایران را فرا گرفت و مرحوم نامجو باشگاه پرورش اندام مدرنی در آن روزگار در میدان توپخانه تاسیس کرد.

در سال ۱۳۵۰ مرحوم محمود نامجو با نظارت تربیت بدنی چند دوره مسابقات پرورش اندام مختلف برگزار کرد. اما از سال ۱۳۵۷ مسابقات قهرمانی کشور پرورش اندام در ایران تعطیل شد، تا اینکه دوباره از سال ۱۳۷۲ پرورش اندام زیر نظر فدراسیون وزنه برداری و بخاطر علاقمندانش بصورت رسمی فعالیت خود را آغاز کرد که اولین مسابقات قهرمانی کشور در سالن وزنه برداری مجموعه آزادی تهران با شکوه هرچه تمام تر برگزار شد و از آن زمان تاکنون فدراسیون پرورش اندام به فعالیت خود ادامه داده است.



مردی که مثل هیچکس نبود... و از هیچکس توقعی نداشت...



رقیه ابراهیم زاده اصلی - هم خوب حرف می زد و هم حرفهای خوبی می زد. آن قدر با شوق و پر انرژی صحبت می کرد که شیفته اش می شدید. مطالب علمی را با بیانی ساده و قابل فهم با دلیل و مثال ارائه می داد و این باعث می شد تا خیلی راحت تر مطالب را بفهمید.

یادم می آید اولین بار در خرداد ۱۳۸۳ با پروفیسور «محمود بهزاد» مصاحبه کردم. زمانی که در آستانه ۹۱ سالگی بود، اما سرزنده، بشاش، فعال، و در سلامت کامل جسم و روان. صحبت هایش دلنشین و به قول امروزی ها «به روز» بود. این حکیم فرزانه در رشت و در نزدیکی ما زندگی می کرد. بی هیچ تکبر و دوری از مردم او را هم ردیف انیشتین می دانستند و آسیموف ایران می خوانند ولی او پیوسته همان معلم مهربان و صمیمی شهرمان بود که با مهارت و عشق، نخبگان زیادی را به جامعه تحویل داد.

آنچه از آن مصاحبه به ذهن دارم این است که کارش را با عشق انجام می داد. می گفت برای اینکه خسته نشود همزمان روی چند موضوع کار می کند. تالیف، ترجمه و تحقیق و این باعث می شود تا به محض اینکه از کاری خسته شد، سراغ کار دیگری که از علاقه مندی هایش است برود. وقتی از دکتر بهزاد پرسیده بودم که رمز موفقیت تان چیست؟ پاسخ داده بود «واقع بینی، عشق و ایمان به کار، مفید بودن برای جامعه و توقع نداشتن از هیچکس و تلاش بی وقفه».

بله، می گفت «از هیچکس هیچ توقعی ندارم و این باعث می شود که خیلی راحت و سبکبال باشم و هیچگاه ذهنم درگیر مسائل حاشیه ای نشود».

وقتی به دکتر بهزاد گفته بودم که خیلی از افراد سعی می کنند این طور باشند ولی در عمل باز به سبکبالی که شما به آن رسیده اید نمی رسند می گفت: «خب باید به مواردی که گفته ام قلباً باور داشته باشیم. مثلاً واقع بینی خیلی مهم است. یعنی وقتی موقعیتی برای آدم پیش می آید که ناراحت کننده است انسان باید به این فکر کند که چطور می تواند مشکل را علاج کند چون با ناراحت شدن و مدام در نگرانی به سر بردن بیشتر دچار استرس می شود و اینطوری هم نه تنها مشکل حل نمی شود بلکه شخص بیشتر عذاب می کشد، پس باید چاره اندیشی کند و یا از کنارش رد شود. یعنی آن موضوع و اتفاق را به عنوان یک واقعیت قبول کند و به خاطر آن زانوی غم بغل نگیرد».

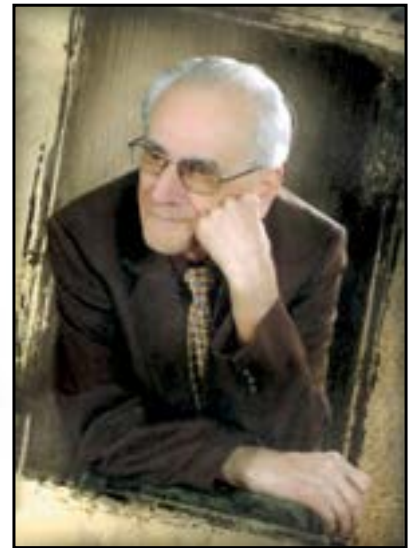
پروفیسور بهزاد بر اعتقاد بر اینکه دانشمندان باید بین خودشان و مردم عادی پل بزنند می گفت: «دانشمندان باید حرف های علمی را به زبان ساده و راحت برای مردم عادی بیان کنند، تا اگر افرادی بی سواد هستند و یا به خرافاتی اعتقاد دارند، آنها را آگاه کنند. و من از وقتی که با علم آشنا شدم دیدم که بعضی از افراد تا چه حد غرق در خرافه هستند. برای همین سعی می کنم پلی باشم برای اشاعه دانش و همه گیر شدن علم».

او داشتن ایمان را یکی از حلقه های مهم در این مسیر می شمرد و می گفت: «اگر انسان ایمان به چیزی داشته باشد آن چیز هر چه که باشد می تواند از استرس دور بماند و یا حتی در مقابل بیماری ها مقاومت کند. یعنی نتیجه ای که از ایمان حاصل می شود بسیار مهم و مثبت است. مثلاً گروهی که نذر ایمان دارند یعنی نتیجه این ایمان موجب آرامش فرد شده و او را برای رسیدن به خواسته اش مصمم تر می کند و یا اکثریت مردم به خدای متعال ایمان دارند و مقدرات را می پذیرند و از این بابت آرامش روانی زیادی پیدا می کنند. بنابراین در کل ایمان قلبی نسبت به کاری که شخص انجام می دهد موجب موفقیت او می شود. البته علاوه بر آن، فرد در هر جایگاهی هم که هست باید بتواند از طریق شغلی که دارد برای جامعه مفید باشد و این احساس خوبی به شخص می دهد».

یادم است که در بخش دیگری از گفتگوی آن سال، پروفیسور بهزاد با اشاره جدی نسبت به نحوه تغذیه می گفت: «گاهی افراد به خودشان هم رحم نمی کنند و آنقدر پر خوری می کنند که تمام بدنشان درد می گیرد و اصلاً حوصله ای هیچ کاری را هم ندارند». دکتر بهزاد می گفت: «بعضی از مردم، هم در خانه پر خوری می کنند و هم در مهمانی و عروسی، انگار هرگز چیزی نخورده اند، در حالی که باید بدانیم فقط دو سوم غذایی که می خوریم به نفع بدن ماست و غذای اضافی ما را بیمار، پیر و فرسوده می کند و هم به اقتصادمان ضرر می زند».

او هم تأکید داشت که صبح مثل شاهان، ظهر مثل اغنیا و شب مثل تهیدستان غذا بخوریم.

یادم می آید در آن مصاحبه وقتی از ایشان پرسیده بودم که چکار کرده اند تا سالم و با نشاط بمانند گفت: «به مصرف درست مواد غذایی و ورزش اهمیت می دهیم. البته در جوانی شاید کمتر اما در میانسالی توجه بیشتری به این موضوعات داشته ام». ولی ایشان به نکته دیگری نیز اشاره داشت و آن اینکه افراد باید از مسائل استرس زا دوری کرده و در سنین میانسالی و سالمندی از مغز خود بیشتر کار بکشند. وی با تأکید بر اینکه نگاه کردن تلویزیون یا خواندن یک داستان و نظایر آن برای مغز فعالیت ایجاد نمی کند می گفت: اما حفظ کردن یک شماره تلفن یا حفظ کردن یک بیت شعر باعث می شود که سلول های مغز فعالیت بیشتری داشته باشند.



زندگینامه دکتر محمود بهزاد

محمود بهزاد در ۲۲ اسفند ۱۲۹۲ در رشت به دنیا آمد و در ۸ شهریور ۱۳۸۶ در سن ۹۴ سالگی درگذشت.

وی تحصیلات دوره ابتدایی و متوسطه را در رشت گذراند و جزء اولین دبلمه های گیلان بود. سپس به دانشسرای عالی راه یافت و در سال ۱۳۱۴ در رشته علوم طبیعی و تربیتی فارغ التحصیل شد. به موازات تدریس در دبیرستان البرز در دانشکده داروسازی هم ثبت نام کرد. و در سال ۱۳۲۸ با اخذ مدرک دکترای داروسازی، فعالیت در دانشکده داروسازی تهران را نیز آغاز کرد. تسلط وی به سه زبان آلمانی، فرانسه و انگلیسی و ترجمه و تالیف کتابهای علمی مختلف باعث شد که بارها مورد تقدیر قرار گیرد.

ترجمه کتاب «روانشناسی فیزیولوژیک» توسط وی (در سال ۱۳۴۸)، موجب شد برای تدریس روانشناسی فیزیولوژیک به دانشگاه تهران دعوت شود. از آن پس در دانشگاه تهران، دانشسرای عالی و مدرسه عالی دختران به تدریس زیست شناسی و روانشناسی فیزیولوژیک پرداخت. وی از سال ۱۳۳۹ به مدت ۱۵ سال در دبیرستان رازی به زبان فرانسه علوم طبیعی تدریس کرد.

در سال ۱۳۴۱ مامور تأسیس سازمان کتاب های درسی شد و مدت دو سال ریاست این سازمان را به عهده داشت. خدمات درخشان او در سازمان کتاب های درسی فراموش نشدنی است؛ با تلاش او همه کتاب های درسی ایران (از دوره ابتدایی تا پایان دوره متوسطه) تدوین و تالیف شد و با رسم الخط واحدی به چاپ رسید. وی در سال ۱۳۶۰ به زادگاه خود بازگشت و همکاری خود را با انجمن داروسازان گیلان آغاز کرد و با بیش از ۶۰ سال سابقه ی تدریس در زمینه های مختلف زیست شناسی، فیزیولوژی و ژنتیک به «پدر زیست شناسی ایران» معروف شد.

دکتر بهزاد پرکارترین نویسنده و مترجم کتابهای علمی در ایران است. از وی ۹۸ جلد کتاب به یادگار مانده است که بر اساس اطلاعات موجود ۶۳ کتاب را به تنهایی و ۳۵ کتاب را با همکاری دیگران تالیف و ترجمه کرده است. تندیس این دانشمند ایرانی به عنوان یکی از مفاخر گیلانی در سبزه میدان رشت قرار دارد. «هر ساله در شهریور ماه و به مناسبت روز داروساز از سوی انجمن داروسازان گیلان، یاد و خاطره این مرد بزرگ گرامی داشته می شود».

دخترهای کوچک هم می‌توانند کارهای بزرگ انجام دهند

ساناز فرزانه

رکورد زنی ساینای آتشین شناگر ۱۰ ساله رشتی بار دیگر ثابت کرد که استعدادهای زیادی در اطرافمان هستند.

ساینای آتشین شناگر ۱۰ ساله گیلانی، به عنوان نخستین دختر ایرانی، ۱۰ کیلومتر و ۲۰۰ متر در دریای خزر (در محدوده سنگاچین بندرانزلی) را به مدت ۷ ساعت شنا کرد و رکورد شنا در آب‌های آزاد آسیا را به نام خود ثبت کرد. به همین مناسبت خبرنگار ماهنامه گیلان فردا با آقای مسعود آتشین پدر این دختر قهرمان گفت و گوی کوتاهی انجام داده که می‌خوانید:

ساینای چند سال است که شنا می‌کند؟

♦ دخترم اکنون ۱۰ ساله است و از سن ۴ سالگی شنا را در استخر شروع کرد. بعد از آن حدود دو سال و نیم به طور حرفه‌ای با مربی گری آقای سلمان پور به شنا ادامه داد.

چطور شد که به فکر رکورد زنی افتادید؟

♦ حدود دو ماه پیش من و همسرم متوجه شدیم ساینای خیلی شنا می‌کند و خسته هم نمی‌شود. این موضوع جرقه‌ای در ذهن ما ایجاد کرد. با مربی اش صحبت کردیم و قرار شد تستی از دخترم گرفته شود. به طوری که ساینای مسافتی حدود ۶ کیلومتر از دریا تا ساحل را بدون خستگی شنا کرد. بنابراین دیدیم شرایط رکورد زنی را دارد به همین خاطر تمرینات را جدی‌تر ادامه داد و پس از اقدامات اولیه سه هفته بعد از تست، رکورد زد.

لطفاً در مورد زمان و مسافت رکورد زنی ساینای جان هم توضیح بفرمایید.

♦ ساینای ۱۰ کیلومتر را حدود ۶ ساعت و ۹۵ دقیقه از ساحل سنگاچین شنا کرد و موفق شد رکورد بزند یعنی ما به اتفاق با قایق حدود ۱۰ کیلومتر از ساحل دور شدیم و از آنجا استارت کار زده شد. نماینده ثبت رکورد ملی و خبرنگاران نیز حضور داشتند و ساینای حدود ساعت ۸:۳۵ دقیقه شنا را شروع کرد و حدود ساعت ۲:۳۰ عصر شنا را تمام کرد. که طی کردن این مسیر با قایق تقریباً ۳۰ دقیقه طول می‌کشید.

آیا در این رده سنی قبلاً رکوردی داشتیم؟

♦ خیر، به گفته آقای رضایی مسئول کمیته ثبت رکورد، برای زیر ۱۲ سال نه در بخش خانم‌ها نه آقایان رکوردی قبلاً نداشتیم.

کمی هم از روند انجام کار بگویید، چه کسانی همراهتان بودند؟

♦ مراحل رکورد زنی ساینای را من و همسرم در کنار مربی اش پیگیری کردیم و برای هماهنگی مرزبانی، فرمانداری، هلال احمر، اداره کل ورزش و جوانان و مسئول ورزش بانوان را در جریان گذاشتیم.

آیا جایزه‌ای هم به ساینای تعلق گرفت؟

♦ جایزه خاصی که قرار نبود، بیشتر هدف ثبت رکورد بود اما فرمانداری انزلی مساعدت مختصری کرد.

نظر ساینای هنگام کسب این موفقیت چه بوده است؟

♦ رکورد زنی ساینای مصادف با روز دختر (۲۵ مرداد ۹۴) بود. وقتی خبرنگاران از ساینای پرسیدند که چه پیامی داری گفت: «دخترهای کوچک هم می‌توانند کارهای بزرگ انجام دهند».

ما برای ساینای و شما آرزوی موفقیت و سلامتی داریم اگر نکته‌ی دیگری دارید بفرمایید.

♦ به نظر من از این استعدادها زیاد داریم اما شاید شرایط برای خیلی از خانواده‌ها طوری نباشد که بتوانند توانمندی فرزندشان را پیدا کنند، بنابراین لازم است مربیان و معلمان هم در این مورد دقت ویژه‌ای داشته باشند. من و مادر ساینای توانستیم استعداد بچه را کشف کنیم و بخش عمده‌ای از موفقیت‌ها در گرو کشف استعدادهاست. مهم این است که بچه‌ها را جدی بگیریم.



عکس: فاطمه جام جم آنلاین

سه عضو هیأت علمی دانشگاه گیلان در جمع دانشمندان یک درصد برتر دنیا

([HTTP://PESI.ISC.GOV.IR](http://PESI.ISC.GOV.IR))

فهرست دانشمندان یک درصد برتر دنیا را فراهم آورده است، هر چند مبتنی بر اصول علم سنجی می‌توان تا پژوهشگران ۲۰ درصد برتر دنیا را در زمره نخبگان برتر علمی دنیا قرار داد. در واقع ۲۰ درصد از محققان برتر دنیا ۶۶ درصد از علم دنیا را تولید کرده و همچنین ۸۵ درصد از اسنادهای دنیا را دریافت می‌کنند.

سرپرست ISC وی گفت: میزان در انتخاب پژوهشگران برتر، تعداد اسنادهای صورت گرفته به آن‌ها از طرف سایر پژوهشگران است. بر همین اساس پژوهشگرانی که توانسته‌اند بر اساس تحقیقات خود به بالاترین سطح اعتبار بین‌المللی دست یابند، در دسته دانشمندان یک درصد و ۲۰ درصد برتر دنیا قرار می‌گیرند. طلایه داران علم آی.اس.آی نویسندگان را برحسب دامنه فعالیت علمی خود در رشته‌های موضوعی ۲۲ گانه قرار می‌دهد. به این منظور تنها فعالیت نویسندگان در ده سال اخیر در محاسبات لحاظ می‌شود. نویسندگان در هر رشته بر حسب تعداد اسنادهایی که دریافت کرده‌اند، مرتب سازی و سپس یک درصد برتر نویسندگان به عنوان نخبگان علمی در نظر

گرفته می‌شوند. «ماهانامه گیلان فردا کسب این موفقیت علمی را به دانشگاهیان و این اساتید ارجمند تبریک می‌گوید.»



دکتر رضا انصاری خلخالی دانشیار گروه مکانیک، دکتر جعفر بی‌آزار استاد گروه ریاضی کاربردی و دکتر فرهاد شیرینی استاد گروه شیمی دانشگاه گیلان در جمع ۱۷۳ دانشمند از دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی کشور در زمره دانشمندان یک درصد برتر دنیا قرار گرفته‌اند. سرپرست پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) با اشاره به تهیه فهرست کاملی از نخبگان علمی کشور گفت: تاکنون به طور تقریبی ۱۷۳ دانشمند از دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی کشور در زمره دانشمندان یک درصد برتر دنیا قرار گرفته‌اند. دکتر محمدجواد دهقانی اظهار داشت: نخبگان علمی مهمترین عامل رشد و توسعه نظام‌های علمی هستند، از همین رو شناسایی آن‌ها از اهمیت بسزایی برخوردار است. کشورهای پیشرفته علمی برای جذب نخبگان از سرتاسر دنیا برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری می‌کنند که باعث شده است تا این کشورها به بزرگترین مقصد برای مهاجرت نخبگان علمی دنیا تبدیل شوند. دهقانی افزود: نخبگان یک درصد برتر دنیا، ۱۴ درصد از کل علم دنیا را تولید می‌کنند و همین گروه ۲۴ درصد از کل اسنادهای دنیا را دریافت می‌کنند. پایگاه طلایه داران علم آی.اس.آی

حضور دانش آموز گیلانی در المپیاد جهانی مهارت برزیل

ماهانامه گیلان فردا - مدال افتخار چهل و سومین دوره مسابقات جهانی مهارت ۲۰۱۵ - برزیل به دانش‌آموز نخبه سما واحد رشت رسید.

رئیس سما واحد رشت با اعلام این خبر گفت: احمدرضا ملاپور دانش‌آموز دبیرستان پسران سما واحد رشت در رشته مدیریت سیستم‌های تحت شبکه به همراه تیم ملی کارآموزان سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور در این مسابقات حضور داشت. به گفته دکتر باوفا، ملاپور عضو بنیاد ملی نخبگان ریاست جمهوری و دارنده مدال طلای کشوری چهاردهمین المپیاد ملی مهارت در رشته «فناوری اطلاعات - مدیریت سیستم‌های تحت شبکه» نیز هست. وی همچنین دارنده رتبه‌های برتر و دیپلم افتخار کشوری در سیزدهمین المپیاد ملی مهارت در رشته فناوری اطلاعات - مدیریت سیستم‌های تحت شبکه است. گفتنی است مسابقات جهانی مهارت هر دو سال یکبار از سوی سازمان مهارت‌های جهانی برگزار می‌شود. چهل و سومین مسابقه‌های جهانی مهارت نیز مرداد ماه سال آینده برگزار خواهد شد. «ملاپور متولد دی ماه سال ۱۳۷۵ عضو بنیاد ملی نخبگان ایران در رشته ریاضی فیزیک در مقطع متوسطه پسران در دوره دوم درس می‌خواند.»



و خبر نظر

عیدی که عزا شد



حادثه گوش خراش تر از آن است که بتوان با چند کلمه و جمله عمق آن را به تصویر کشید! چطور می توان حس و حال مهاجران به سوی خدا را در آن صحرای داغ عربستان درک کرد و چطور می شود چشمان منتظر و اشک آلود خانواده این عزیزان را مرهمی بود؟؟ رفتار دولت عربستان و بی انضباطی و بی وجدانی و بی مسئولیتی مأموران سعودی به هنگام ایام حج امسال آنقدر ددمنشانه بوده است که قابل بیان نیست! مگر می شود کسی که نامش آدم است تا این حد نسبت به هم نوع خود سعبانه رفتار کند؟! این یک رفتار عادی نیست...

به گزارش مهر، حجت الاسلام حسن روحانی رئیس جمهور پس از سفری پنج روزه به نیویورک و شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل در بدو ورود به تهران در جمع خبرنگاران با اشاره به اینکه حادثه منا از نظر ما عادی و معمولی نیست و با مسائل مالی جبران نمی شود، اظهار کرد: ایام مبارک بین عید قربان و غدیر امسال که همواره روزهای خوش مردم به لحاظ دینی است با بی تدبیری و بی مبالایی و عدم کارایی دولت فعلی عربستان به عزا تبدیل شد و مسلمانان عزیز از جمله مردم مسلمان ایران که زائر خانه خدا بودند، مظلومانه جان باختند. گفتنی است در این حادثه تاسف بار و فاجعه آمیز هزاران تن از هموطنان عزیز ما شهید، مصدوم و مفقود شدند!

تیم ملی فوتبال بانوان قهرمان رقابت های فوتبال بانوان آسیا



خبر موفقیت زنان ایرانی در رقابت های ورزشی بین المللی بسیار افتخار آمیز بود. به گزارش سایت رسمی فدراسیون، دیدار فینال دو تیم ملی فوتبال بانوان ایران و ژاپن در سالن فوتبال نیلای با حضور بیش از ۲۰۰ تماشاگر ایرانی مقیم در مالزی برگزار شد که در نهایت تیم ملی فوتبال بانوان توانست عنوان نخست قهرمانی رقابت های فوتبال بانوان آسیا را به خود اختصاص دهد.

این دیدار در حالی برگزار شد که بازیکنان هر دو تیم موقعیت های فراوانی برای گلزنی داشتند. فشارهای بی امان ژاپن هم نتوانست برای کسب عنوان قهرمانی ملی پوشان کار ساز باشد و در نهایت این تیم ملی فوتبال بانوان ایران بود که در اولین دوره رقابت های قهرمانی آسیا، اولین عنوان قهرمانی را از آن خود کرد.

گفتنی است؛ علی کفاشیان، دکتر الهه عرب عامری، مسئولین سفارت ایران در مالزی، مسئولین فدراسیون فوتبال ژاپن و مسئولین کمیته فوتبال تایلند با حضور در سالن فوتبال نیلای، این دیدار را تماشا کردند.

بازیکنان تیم ملی فوتبال بانوان به احترام درگذشتگان حجاج ایرانی در عربستان، بازوبند مشکی بسته و به زمین مسابقه رفتند.

(لازم به ذکر است نیلوفر اردلان که با وجود حضور در اردوهای پیشین تیم فوتبال زنان ایران، نامش جهت شرکت در مسابقات اعلام شده بود به دلیل عدم اجازه از همسر خود از همراهی با این تیم باز ماند!!!)

پرداخت کمبود بودجه هشت میلیاردی دولت از جیب

همه چه حرف از کمبود بودجه است. پول ها دیگر کارایی خود را از دست داده اند. به گزارش خبرگزاری خبرآنلاین، دکتر محمدباقر نوبخت، معاون رئیس جمهور با بیان اینکه در هفته دوم مهر پرداخت به طرح های عمرانی افزایش پیدا کرده است، گفت: بر اساس آخرین گزارش خزانه داری کل، بالغ بر ۸ هزار و ۲۴۳ میلیارد تومان برای طرح های عمرانی به صورت نقدی پرداخت شد. و تا پایان سال ۲۰۰ میلیارد تومان به واحدهای تولیدی کمک می کنیم. او تاکید کرد مجموعاً در شش ماه اول سال، یازده هزار و ۱۹۲ میلیارد تومان، دولت به طرح های عمرانی پرداخت کرده است. نوبخت در بخشی از سخنانش خاطرنشان کرد دولت هم به انتظارات مردم و هم به خودروسازان توجه می کند. مردم حق دارند که از خودرو با کیفیت و با قیمت مناسب استفاده کنند و ما به بخش خودرو کمک می کنیم.

وی در پاسخ به سوال یکی از خبرنگاران گفت: اگر هشت میلیارد تومان کمبود بودجه داشتیم من آن را از جیب پرداخت می کردم. نوبخت با خنده گفت در قیاس با رقم های چند هزار میلیاردی کمبود بودجه دولت این رقم، پول کوچکی است. بعد هم ادامه داد: البته تیترو خوبی برای رسانه شما پیدا شد، حتماً تیترو می زنید نوبخت هشت میلیارد در جیب دارد!

۱۸۰ هزار دانش آموز بازمانده از تحصیل در دوره اول متوسطه

در سال های اخیر تعداد دانش آموزان ورودی به مقطع ابتدایی به دلیل کاهش فرزندآوری کاهش یافته است. اما برخی از کودکان و نوجوانان در سنین تحصیل بخاطر عوامل متعدد دیگر قادر به حضور در مدارس نبوده و از تحصیل باز می مانند.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از روزنامه شهروند موضوع دانش آموزان بازمانده از تحصیل در دوره اول و دوم متوسطه هم هنوز باقی است. دکتر علی زرافشان معاون آموزش متوسطه وزارتخانه می گوید: در حال حاضر پوشش تحصیلی واقعی در دوره اول متوسطه ۹۴٫۶ درصد است، بنابراین ۶ درصد افراد بازمانده از تحصیل یعنی سه میلیون نفر در دوره اول متوسطه،

۱۸۰ هزار نفر می‌شود.

شهروندان را از دلایل راه اندازی خط ویژه اتوبوس های بی آر تی در رشت اعلام کرد.

به گزارش خبرگزاری صداوسیما بافت قدیمی و متراکم شهر رشت که قدمتی ۱۰۵ ساله دارد موجب ترافیک سنگین خودروها به ویژه در ساعات پایانی روز در این شهر می‌شود، مشکلی که سال‌ها گریبان شهروندان و مسئولان را گرفته است.

(گفتنی است عملیات اجرای این طرح از سوم خرداد ۹۴ آغاز شده است.)
(شایان ذکر است بر اساس اطلاعات موجود ۹۰۰ هزار نفر در کلانشهر رشت زندگی می‌کنند که شامل ۷۴ درصد جمعیت استان می‌شود و فشردگی جمعیت این شهر ۶۰۰ نفر در هر متر مربع است. البته میزان جمعیت شناور در شهر رشت بیش از این رقم است.)
(لازم به یادآوری است قرار شده است به جای قطع ۳۷ اصله درخت در خیابان امام خمینی در راستای اجرای پروژه بی آر تی از سوی شهرداری رشت نهال‌های جدید کاشته شود.)

۵۰۰ هزار صندلی خالی در دانشگاه‌ها



حالا دیگر صندلی داریم اما دانشجو نداریم!

به گزارش باشگاه خبرنگاران، دکتر مجتبی علوی فاضل معاون سنجش و پذیرش دانشگاه آزاد در مراسم آغاز سال تحصیلی دانشجویان دانشگاه آزاد در جمع خبرنگاران گفت: داوطلبان سراسری ورود به دانشگاه و داوطلبان آزمون کارشناسی ارشد با کاهش تعداد همراه بوده است. و نزدیک به ۵۰۰ هزار صندلی خالی در مقاطع کاردانی و کارشناسی وجود دارد و ما سعی کردیم که زیر ساخت‌ها و امکانات لازم برای این رشته‌ها را فراهم کنیم اما به دلیل کاهش جمعیت و افزایش رقابت دانشگاه‌های پذیرنده ما با مشکل صندلی‌های خالی مواجه هستیم اما برعکس این موضوع در مقاطع دکتری و کارشناسی ارشد وجود دارد و ما با تقاضای مازاد بر ظرفیت دانشگاه‌ها مواجه هستیم.

۵۸۹ طلاق و ۱۸۹۷ ازدواج

این روزها و این ماه‌ها و شاید این سال‌ها بیشتر خبرها حاکی از کاهش میزان ازدواج جوانان بوده است و این در حالی است که بیش از ۱۰ میلیون جوان آماده ازدواج در کشور داریم. از سوی دیگر آمارها از افزایش طلاق و ازدواج‌های ناموفق نیز حکایت می‌کند، که علل زیادی در بروز این وضعیت نقش دارند و لازم است از سوی سیاست‌گذاران اقتصادی و اجتماعی و همچنین برنامه‌ریزان به آنها توجه جدی شده و فقط به معلول پرداخته نشود.

بر اساس سایت سازمان ثبت احوال کشور در شهریور سال ۹۴ تعداد ۱۸۹۷ عقد ازدواج در استان گیلان به ثبت رسیده است. گفتنی است در زمان (شهریور ۹۴) ۵۸۹ واقعه طلاق نیز در گیلان ثبت شده است. البته این میزان طلاق مربوط به ازدواج‌های انجام شده در ماه شهریور نیست بلکه تعداد طلاق‌های است که طی یک ماه شهریور در گیلان ثبت شده است و ممکن است به ازدواج‌های همین ماه و همین سال و یا قبل از آن باشد.

بی آر تی در رشت



شهردار رشت قول داد تلاش خواهد کرد تا ۳ ماه آینده خط ویژه اتوبوسرانی در این شهر به بهره‌برداری برسد.

دکتر ثابت قدم گفت: نخستین خط ویژه اتوبوسرانی در رشت از میدان حشمت تا میدان مصلابا مسافت ۲ کیلومتر اجرا می‌شود.

وی کاهش ترافیک خودروها در بافت قدیمی و مرکزی و حمل و نقل ارزان و سریع

باسوادان بیکار در گیلان

شاید بیکاری یک نفر هم در گیلان شایسته استانی با این همه ظرفیت نباشد. ظرفیت‌هایی که فقط در کتاب‌ها و مقالات و سخنرانی‌ها از آنها نام برده می‌شود و در عمل به حال خود رها شده انداز سوی دیگر تهداد زیاد بیکاران با تحصیلات عالیه هم در استان هم جای تامل و تعمق دارد. کاش با این توجیه که افراد مدرک دارند اما مهارت ندارند کاستی‌ها را توجیه نکنیم. به هر حال این آشی است که خودمان برای جوانان پخته ایم. از سوی دیر تا وقتی فرصتی در اختیار جوان قرار نگیرد چطور می‌توان انتظار معجزه داشت؟ هر چند بضعی از خبرها این نوید را می‌دهد که شاید اتفاقات خوبی در اشتغالزایی بیکاران استان رخ دهد. از جمله این خبرها آماری است که استاندار ارایه می‌دهد.

به گزارش خبرگزاری ایسنا استاندار گفت: گیلان علی‌رغم اینکه در بحث اشتغال رنج می‌برد اما در بحث بهبود فضای کسب و کار رتبه اول کشور را به خود اختصاص داده است و آماده برای حرکت‌های کلان اقتصادی و حل مشکلات موجود استان است. و اهمیت و جایگاه اقتصاد گیلان بر کسی پوشیده نیست و همجواری با کشورهای حاشیه دریایی خزر یکی از مزیت‌ها برای تقویت مناسبات اقتصادی و فرهنگی استان با سایر کشورها فراهم ساخته است

افتتاح چند پروژه شرکت سهامی برق منطقه ای گیلان در هفته دولت امسال

ضرورت استفاده بهینه از انرژی برق برای انتقال پیام

ماهانامه گیلان فردا- صحبت از پست است و خط، با شنیدن این کلمات ناخودآگاه یاد شعر دو کاج می افتیم. در بخشی از این شعر آمده است «مرکز ارتباط دید آن روز انتقال پیام ممکن نیست و...» شاید بد نباشد گاهی هم به بسیاری از امکانات و خدمات که دیگر جزو بدیهیات در زندگی امروز محسوب می شوند بیندیشیم. امکاناتی که بدون آنها زندگی این عصر بی معنا خواهد شد. مثلاً وقتی دقایق یا ساعاتی برق قطع می شود تمام کارها به هم می ریزد و این واقعیت انکار ناپذیر زندگی امروز است. اما افزایش مصرف برق ضریب اطمینان و پایداری شبکه و تاسیسات و تجهیزات صنعت برق را کاهش می دهد، لذا صرفه جویی و استفاده بهینه از انرژی برق و لوازم برقی، اساسی و ضروری است تا انتقال پیام ممکن باشد. البته به دلیل فرسوده شدن بعضی از شبکه ها علاوه بر ترمیم و بهسازی، پست ها و شبکه های جدید نیز وارد مدار می شوند. به عنوان مثال در هفته دولت امسال شاهد در مدار قرار گرفتن پست جدید در رشت بوده ایم ولی با این همه لازم است نحوه صحیح مصرف، پیوسته مد نظرمان باشد.

◆◆◆
احداث پست ۲۳۰/۶۳ کیلوولت GIS شهید عضدی
رشت به ارزش ۷۰۰ میلیارد ریال

پست ۲۳۰/۶۳ کیلو ولت شهید عضدی رشت واقع در منطقه پیرکلاچای شهر رشت اولین پست از نوع GIS در سطح ولتاژ ۲۳۰ کیلو ولت در استان گیلان است که دارای

دو دستگاه ترانسفورماتور قدرت با ظرفیت ۱۶۰ مگاوات آمپر (جمعاً ۳۲۰ مگاوات آمپر با قابلیت توسعه به ۳ دستگاه و ۴۸۰ مگاوات آمپر) و همچنین دو فیدر خط ۲۳۰ کیلو ولت از نوع GIL (قابل توسعه به ۴ فیدر خط) و دو فیدر ترانسفورماتور ۲۳۰ کیلوولت (قابل توسعه به ۳ فیدر) و ۲ فیدر ۶۳ کیلوولت ترانسفورماتور (قابل توسعه به ۳ فیدر) و ۱۰ فیدر خط ۶۳ کیلو ولت خروجی (قابل توسعه به ۱۴ فیدر خروجی خط) بوده و نوع شینه بندی ۲۳۰ کیلو ولت پست شین دابل با یک کلید کوپلاژ و آرایش شینه بندی در سمت ۶۳ کیلو ولت به صورت شین ساده تقسیم شده با کلید است. در ساخت این پست از آخرین تکنولوژی روز دنیا استفاده شده و با عنایت به ارزش زیاد زمین های حاصل خیز کشاورزی و تراکم و پراکندگی زیاد جمعیت در سطح استان گیلان و علی الخصوص شهر رشت و حومه، به کارگیری تکنولوژی یاد شده از نظر کاهش آسیب های زیست محیطی نیز دارای اهمیت زیادی است.

◆◆◆
پروژه خط کابلی دو مداره ۶۳ کیلوولت عضدی
رشت به رشت ۱ به ارزش ۴۵ میلیارد ریال

پروژه خط کابلی دو مداره ۶۳ کیلوولت عضدی رشت به رشت ۱ که عملیات اجرایی آن از سال ۱۳۸۸ شروع شده است با پیشرفت فیزیکی ۹۹ درصد در سال جاری برقرار و به بهره برداری رسیده است. از مشخصات فنی این خط می توان به ۲/۲ کیلومتر خط کابلی دو مداره با هادی ۱*۵۰۰ میلیمتر مربع آلومینیومی و سطح ولتاژ ۶۳ کیلوولت به همراه یک رشته کابل فیبر

نوری و دو رشته کابل کنترل اشاره کرد. این پروژه با هدف تامین برق مطمئن مشترکین توزیع شهرستان رشت با توجه به در مرکز بار قرار گرفتن پست عضدی قدیم و نیز افزایش قابلیت اطمینان شبکه فوق توزیع احداث شده است. پیمانکاران این پروژه شرکت های سیم و کابل ابهر، پتروآرام، پیمان برق پویا و مشاور آن نیز شرکت قدس نیرو است.

◆◆◆
توسعه پست ۶۳/۲۰ کیلوولت رشت یک به ارزش
۱۰۰ میلیارد ریال

پست رشت یک واقع در اول جاده سنگر در اوایل دهه چهل شمسی به صورت ۱۳۲/۶۳/۲۰ کیلو ولت احداث شده و بدلیل استهلاک تجهیزات آن نیاز به باز سازی داشته که بعد از مطالعات میدانی و باتوجه به فضای محدود موجود، بازسازی آن به شکل یک پست KV ۶۳/۲۰ و به صورت فیدر ترانس در دستور کار قرار گرفت در این روش پست فاقد کلید KV ۶۳ بوده و کنترل آن توسط رله دیفرانسیل طولی و از طرف پست مقابل صورت می گیرد. تجهیزات این پست بصورت دو ترانس با ظرفیت ۴۰ مگاوات آمپر ساخت کارخانه ایران ترانسفو و ۲۰ کلید خروجی KV ۲۰ ساخت کارخانه پارس تابلو بوده و تجهیزات حفاظتی آن از شرکت زیمنس است، که احداث آن پس از طی فرآیند مناقصه در سال ۸۸ به شرکت فولمن واگذار و شرکت مهندسین مشاور قدس نیرو بر عملیات احداث پست نظارت نموده است. پست اشاره شده پس از انجام مراحل تست و راه اندازی در خرداد ماه سال جاری به بهره برداری رسیده است.



الیاف کربن؛ محکم اما سبک

پژمان احمدی فر

شاید برخی از ما نسبت به داشته ها و امکاناتی که داریم منفعلانه عمل کرده و تلاش نمی کنیم از آن پتانسیل و امکانات (در هر حوزه) به درستی استفاده کنیم، بنابراین شاهد کارکرد صد در صدی آن هم نخواهیم بود. از سوی دیگر خیلی از ما در مواجهه با جوامع پیشرفته فکر می کنیم که آنها از توانمندی بیشتری برخوردارند. در حالی که بسیاری از آن توانمندی ها در کشور و در استان و شهر ما هم وجود دارد، فقط تلاش نکرده یا نمی کنیم که شاهد تحقق کارکرد واقعی این پتانسیل ها برای جامعه خود باشیم و اکثر آنها در مرحله بالقوه باقی مانده اند و یا اگر هم به فعل رسیده اند چون دیدگاه، تخصص و علم بهره برداری بهینه از آن مغفول مانده است بازهم به روش های کم بازده رو می آوریم.

امروزه بسیاری از کشورها با بهره مندی از فن آوری های نوین، نه تنها هزینه و زمان انجام پروژه ها را کاهش می دهند بلکه با روش های علمی دقیق و به روز، عمر هر سازه و بنایی را نیز افزایش داده و در جهت تحقق حداکثری کارکرد آن می کوشند.

به عنوان مثال استفاده از الیاف کربن در دهه های اخیر انقلابی در حوزه های مختلف صنعتی، هواپیماسازی، پزشکی، عمرانی،

ساخت کامپوزیت های سبک و مستحکم و پایداری در برابر حرارت، آن را از سایر مواد مهندسی متمایز می سازد. وی با بیان اینکه ویژگیهای ذکر شده موجب می شوند تا این الیاف در زمره مواد مهندسی پیشرفته قرار گیرند، به «ماهنامه گیلان فردا» گفت: مواد اولیه ای که در تولید الیاف کربن به کار می رود، الیاف اکریلیک ویژه است و بر اساس فناوریهای پیشرفته و تجهیزات خاص تولید می شود.

وی اظهار داشت: مرکز تحقیق و توسعه الیاف پیشرفته در این طرح برای اولین بار موفق به تولید پرمصرف ترین رده الیاف کربن در جهان موسوم به «تی ۳۰۰» از الیاف اکریلیک تجاری در پایلوت صنعتی ساخته شده به همین منظور شد.

وی یادآور شد: تکنولوژی تولید الیاف کربن از ماده اکریلیک در انحصار چند کشور پیشرفته جهان است و ایران یازدهمین کشور دنیا و اولین کشور منطقه است که به فناوری تولید الیاف پیوسته کربن دست یافته است (که البته به جهاتی حتی می توان ایران را جزو پنج کشور اول در این فناوری قرار داد) این الیاف با توجه به کاربری فراوان در صنایع مختلف، نقش راهبردی در توسعه پژوهش و تولید انواع محصولات حیاتی ایفا می کند.

این مقام مسئول با بیان اینکه الیاف کربن با توجه به خواص

وی به کاربردهای این نوع کامپوزیت در صنایع ورزشی نیز اشاره کرد و افزود: این کامپوزیت ها در ساخت تجهیزات ورزشی مانند قایق های مسابقه شامل کایاک و کانو، انواع راکت، چوب گلف، تیر و کمان ورزشی و تجهیزات مشابه هم به کار می رود.

وی با اشاره به اینکه الیاف اکریلیک تجاری مورد استفاده؛ همان الیاف به کار رفته در پوشاک، فرش و پتو هستند تاکید کرد: از این حیث هیچ محدودیتی در تولید و یا واردات نداریم. و چون بستر تکنولوژی و دانش فنی ایجاد شده کاملاً بومی است صد در صد قابل توسعه بوده و می توان تحقیقات را در رده های بالاتر الیاف کربن ادامه داد.



مزیت های الیاف کربن: استحکام فوق العاده بالا، مدول الاستیسیته بالا، دانسیته پایین، پایداری حرارتی و ابعادی عالی، هدایت الکتریکی بالا، مقاومت شیمیایی عالی، سازگاری با نسج بدن انسان، مقاومت عالی در برابر سایش، مقاومت عالی در برابر خوردگی و...

کاربردهای الیاف کربن: صنایع پزشکی، تجهیزات و ایمپلنت ، صنعت خودرو، صنایع ساختمانی، شناورها، انرژی، لوازم ورزشی و...



الیاف کربن در تقویت سازه ها

(صدها هزار پل، پارکینگ، ساختمان بلند و دیگر سازه های بتنی و چوبی در دنیا به تقویت و ترمیم نیاز دارند. بازار محصولاتی که بتوانند این کار را انجام دهند بسیار گسترده است. بیش از ۱۵۰۰ سازه بتنی تاکنون با کامپوزیت تقویت شده اند. هنگامی که از کامپوزیت ها به جای فولاد استفاده می شود، زمان ساخت و ساز کاهش یافته و وزن کلی سازه به مقدار قابل توجهی کم می شود و در بیشتر موارد اختلال ایجاد شده در کارهای دیگر کاهش می یابد. تقویت کننده های کامپوزیتی معمولاً از صفحات فولادی ارزانتر نیستند ولی کارایی بهتری دارند. بنابراین گسترده بودن کاربرد الیاف کربن و فراگیر شدن استفاده از آن در بسیاری از کشورهای پیشرفته نشاندهنده ایجاد بازار بزرگی برای این الیاف و قطعات تقویت شده با این مواد است. بازاری که با توجه به زمینه های فراوان کاربرد این الیاف ارزش زیادی خواهد داشت. علاوه بر این با توجه به خصوصیتی که کامپوزیت های ساخته شده از این الیاف دارند مانند مقاومت بالا و عدم خوردگی، هزینه های تعمیر و نگهداری را به شدت کاهش می دهند. «به نقل از مجله کامپوزیت») در کشور و استان ما توانمندی هایی در ساخت کامپوزیت های تقویت شده با الیاف کربن وجود دارد که جای امیدواری است. بنابراین با تولید این الیاف در داخل کشور علاوه بر تامین نیاز داخلی و بهبود سازه ها و همچنین بهره مندی در سایر حوزه ها، ما می توانیم در بازار آینده این الیاف نیز سهم داشته باشیم.

فوق العاده مکانیکی، حرارتی و الکتریکی از کاربردهای متنوعی برخوردار است. گفت: کامپوزیت های ساخته شده از این الیاف در صنایع هوایی در بدنه هواپیماهای نسل جدید چون بوئینگ و هواپیماهای هم رده ایرباس به کار می رود. همچنین در صنایع سیویل برای تقویت بتن و بناهای ساخته شده مانند ستونها، پل ها، تونل ها و اجزای ساختمان، در صنایع خودروسازی و حمل و نقل، در تولید مخازن سیستم انتقال قدرت، قطعات بدنه، صنایع پزشکی و مهندسی پزشکی برای ساخت اعضای مصنوعی، پروتزهای داخل بدن، آتل های فوق سبک، پانسمانهای سوختگی و داروهای سیستم گوارشی، صنایع انرژی چون ساخت پره های توربین بادی، مخازن و تجهیزات استخراج نفت در دریا و ملزومات پیل سوختی کاربرد دارد.



ورزشی و ... ایجاد کرده است. شاید آرزو کنید که چنین امکانی در شهر و استان و کشور ما هم باشد، خب این امکان وجود دارد اما به نظرتان چقدر مورد استفاده قرار می گیرد؟ البته شاید از دید برخی مدیران با توجه به اعتبارات موجود، پرداختن به پاره ای از موضوعات با استفاده از فناوری روز دنیا گران به نظر آید، ولی آیا بهتر نیست کار درست را به شیوه درست هم انجام دهیم؟ چرا عمر آسفالت های ما باید فقط چند ماه باشد؟ چرا عمر بناهای ما باید فقط چند سال باشد؟ و چرا... آیا نمی شود با افزایش راندمان کار و بهره گیری از مواد بهتر و تکنولوژی روز دنیا که ما خود دانش آن را هم داریم ، عمر مفید سازه ها را افزایش داد؟ و یا... ؟

در این شماره به یکی از همین توانمندی ها که در استان وجود دارد اشاره می کنیم.

الیاف کربن

در خبرها آمده بود که محققان کشورمان در مرکز تحقیق و توسعه الیاف پیشرفته، موفق شدند با دستیابی به دانش فنی و بومی سازی تولید الیاف کربن تی ۳۰۰، ایران را به عنوان یازدهمین کشور دنیا و اولین کشور خاورمیانه در دستیابی به این دانش معرفی کنند.

به گفته یکی از متخصصین، الیاف کربن یکی از مهمترین خانواده های الیاف پیشرفته است که استحکام بسیار بالا (بین ۷ تا ۱۰ برابر فولاد ساختمانی بسته به گرید الیاف)، چگالی پایین (حدود دو سوم آلومینیوم) داشته و رسانای الکتریکی بسیار خوبی بوده و مزایایی مانند قابلیت بافت و تولید پارچه،

علی اشرف تدبیری، مبتکر و سازنده دستگاه زباله سوز بدون دودکش:

اگر بتوانم یک کیسه زباله را از زمین بردارم عبادت اکبر کرده ام



شهلا اصلی

سال هاست که روی طرحش کار کرده است. خودش می گوید: « ثمره نیم قرن تجربه و تلاشم را با صرف جان و مال برای احیای محیط زیست به کار گرفتم تا طرحی نو دراندام، ولی افسوس با متولیان روبرو شدم که خود را به خواب زده اند... »

آقای علی اشرف تدبیری، مبتکر دستگاه زباله سوز بدون دودکش با بیان اینکه با هزینه شخصی و وام از بانک ها بالغ بر ۵۰ میلیون تومان برای این کار هزینه کرده است به «ماهنامه گیلان فردا» می گوید: طی این سال ها بارها بواسطه طراحی و ساخت زباله سوز

بدون دودکش که فاقد آلاینده های زیست محیطی است از سوی مدیران دستگاه های مرتبط تقدیر نامه دریافت کردم. در شروع سرمایه اندکی داشتم و مجبور شدم از بانک وام بگیرم و چهار دستگاه زباله سوز ساختم. اما آخرین دستگاه زباله سوزی که ساختم بدون دودکش است، یعنی بدون آلودگی زیست محیطی و این موضوع هم به تایید اداره کل ثبت شرکت ها و مالکیت صنعتی رسیده است، حتی این طرح در جهان بی نظیر است و در واقع این زباله سوز برای اولین بار در دنیا طراحی و ساخته شده است، اما متأسفانه در عمل هنوز توجه جدی به آن نشده و مسئولان علی رغم وجود چنین ظرفیتی در استان، قصد خرید دستگاه زباله سوز چینی را دارند! وی می افزاید: در تمام این مدت سعی کردم به ناملایمات غلبه کنم و اگر عشق به مولایم حضرت علی «ع» و عشق به کار نبود از پا در می آمدم. دلم می خواست با ساخت این دستگاه به اندازه خودم خدمتی به حفظ محیط زیست و جامعه بشری کرده باشم. وقتی کار را شروع کردم در دلم گفتم خدایا

این کار را به عشق تو و برای بندگان انجام می دهم و حتی اگر بتوانم یک کیسه زباله را از زمین بردارم عبادت اکبر کرده ام. و به شکر خدا امروز در سن ۶۷ سالگی به اندازه یک جوان کار می کنم و خسته نمی شوم.

تدبیری ادامه می دهد: طی این مدت بارها رسانه های مختلف از جمله روزنامه گیلان امروز با من مصاحبه کردند، ولی هنوز سرمایه گذار پیدا نشده است. و این در حالی است

که در سال ۱۳۸۶ طراحی و ساخت ماشین زباله سوز بدون دودکش (به شماره ۴۵۷۸۴) در اداره کل ثبت شرکت ها و مالکیت صنعتی ثبت شد. در سال ۱۳۸۲ لوح تقدیر هیات داوران جایزه ملی محیط زیست ایران را از خانم دکتر ابتکار معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست دریافت کردم. در سال ۱۳۷۹ از سوی معاون تحقیق و تکنولوژی سازمان پژوهش های علمی و صنعتی ایران، به واسطه تأیید دستگاه زباله سوز شهری گواهینامه گرفتم. همچنین از شبکه ملی پژوهش و فناوری محیط زیست، مدیر کل دفتر پارک ها و مراکز رشد علم و فناوری، چهارمین جشنواره ملی فن آفرینی شیخ بهایی، جشنواره نوآوری شکوفایی و هفته پژوهش و... لوح تقدیر دریافت کردم. ولی هزار حیف که در عمل اقدامی نشد.

وی اضافه می کند: بعد از طراحی زباله سوز آن را به پارک علم و فناوری استان گیلان معرفی کردم و پس از بررسی کارشناسان با همکاری پارک ساخت آن را شروع کردم. به گفته تدبیری، طراحی این دستگاه یک سال و ساخت آن شش ماه به طول انجامید که در سه ظرفیت روزانه ۵۰۰ کیلو گرم، دو هزار و ۵۰۰ و پنج هزار کیلوگرم زباله را امحاء می کند.

این مبتکر گیلانی با اشاره به زباله های عفونی و غیرقابل بازیافت می گوید: زباله های عفونی بسیار خطرناک هستند و باید در هزار درجه حرارت امحاء شوند، و این زباله سوز بدون دودکش، هیچ گونه پسماندی را وارد طبیعت نمی کند و پس از سوخته شدن زباله در آن، مقداری از آب

باقی مانده در دستگاه تبخیر شده و مقداری هم در خود کوره تزریق می شود.

وی با تأکید بر اینکه دستگاه فوقی تواند زباله های عفونی و غیر عفونی را بدون دود، بو و ذرات معلق امحاء کند، گفت: این دستگاه هیچ گونه آلودگی هم ندارد.

(لازم به ذکر است شرکت ماشین سازی تدبیر افروز سبز اولین و تنها سازنده ماشین زباله سوز بدون دودکش در جهان در پارک علم و فناوری استان گیلان مستقر است.)



واردات دستگاه زباله سوز علی رغم توان ساخت آن در داخل

به نقل از خبرگزاری ایستنا «گیلان»

معاون امور عمرانی استانداری گیلان گفت: روزانه ۲۰۰۰ تن زباله در گیلان تولید و به خطرناک ترین شیوه دفن می شود. وی گفت: در مجموع ۱۴۰ میلیارد تومان برای خرید همه دستگاه های مورد نیاز زباله سوز در گیلان نیاز است این در حالیست که کل بودجه استان در سال گذشته ۳۰۲ میلیارد تومان بوده است. و برای خرید زباله سوز رشت ۱۱ میلیارد تومان به شهرداری رشت اعتبار اعطا شده است.

به نقل از خبرگزاری ایستنا

دبیر انجمن سازندگان تجهیزات صنعتی ایران با انتقاد از واردات ۶۱ دستگاه زباله سوز چینی به کشور به ارزش ۵۰۰ میلیون دلار گفت: این حجم عظیم واردات به کشور در حالی انجام شده که توانایی تولید داخلی ماشینهای زباله سوز وجود دارد.

به نقل از خبرگزاری فارس «گیلان»

عضو شورای اسلامی شهر رشت از خرید دستگاه زباله سوز با ظرفیت روزانه ۶۰۰ تن خبر داد و گفت: وضعیت نامطلوب زیست محیطی در سراوان و وجود زباله های شهری در آن منطقه یکی از نگرانی های فعلی اعضای شورای اسلامی شهر رشت است. و در این راستا با رایزنی های صورت گرفته و در قراردادی با کشور چین، به زودی دستگاه زباله سوز با ظرفیت ۶۰۰ تن برای شهر رشت خریداری می شود.

«زیتون و گردشگری» یک ظرفیت بکر برای گیلان است

ماهنامه گیلان فردا - مهندس ایرج امینی ۱۵ سال است که در استان گیلان اقامت دارد. او طی این مدت با فعالیت

در بخش زیتون کاری توانسته به عنوان باغدار نمونه استان و کشور شناخته شود. باغ زیتون پرشیا دیدنی و رویایی است. درختان زیتون با آن فرم و سرسبزی خاص خود به عنوان یکی از مزیت کشت و صنعت زیتون پرشیا را آنقدر مزیت دیگر از این رهگذر برای استان است که این سرمایه گذار علاقمند شک توجه به این ظرفیت بی نظیر و صنعت گردشگری را فراهم کند استان را نیز به گردشگران بشناساند. مشهد و بزرگ شده تهران بوده اما زندگی و کار انتخاب کرده است. وی باغداران زیتون استان گیلان، عضو کمیته کشاورزی اتاق بازرگانی گیلان و همچنین نماینده بخش خصوصی ایران در شورای جهانی زیتون است. گفت و گویی با ایشان داشتیم که در ادامه می خوانید:



عدم کارشناسی ارقام زیتون متناسب با آب و هوا و خاک این استان و یا سنتی بودن شیوه های کاشت و برداشت از موضوعات و مسائل این حوزه است. اما زیتونکاران استان دغدغه دیگری هم دارند و آن عدم حمایت از تولید داخلی و بومی رودبار است. در حالیکه اینجا بهترین زیتون به عمل می آید.

نقش شرکت تعاونی باغداران زیتون استان را چطور ارزیابی می کنید؟
متأسفانه هنوز خیلی از باغداران عضو شرکت تعاونی نیستند و حتی اعضای فعلی هم حق عضویت خودشان را پرداخت نکرده اند در حالیکه این شرکت تعاونی می تواند خیلی از مشکلات زیتونکاران را حل کند.

به عنوان فعال بخش خصوصی چه انتظاری از تعامل دیگر فعالین بخش کشاورزی و یا مسئولان دولتی دارید؟

خوشبختانه کمیسیون کشاورزی اتاق بازرگانی استان گیلان از افراد شایسته و فعالی تشکیل شده که می تواند در حوزه کشاورزی گام های مثبتی بردارد. امیدوارم زیتونکاری هم به عنوان یکی از زیرمجموعه های

کشاورزی استان مورد توجه ویژه قرار گیرد. چون یکی از مهمترین مولفه های پیشرفت و توسعه یک محصول، صادرات آن به خارج از کشور است و من تمام تلاشم را برای معرفی و عرضه زیتون با کیفیت رودبار به داخل و خارج از کشور خواهم کرد.

اشاره ای هم به طرح "زیتون و گردشگری" داشته باشید.

واقعیت این است که اگر مسئولان مرتبط با دید جامع به این طرح توجه کنند می توان اقدامات مفیدی را در این حوزه انجام داد. برای این کار نیز خودم در ۵ هکتار از باغ زیتون پرشیا مجتمع رفاهی اقامتی احداث کردم و می توان با راه اندازی تورهای ویژه ی گردشگری از این مزیت استان بهره مند شد

آقای امینی چه شد که به زیتون علاقه مند شدید؟ آیا کار در این بخش برای شما که اصالتاً گیلانی نیستید سخت نبود؟

به اعتقاد من فعالیت در حوزه کشاورزی بدون عشق و علاقه اصلاً امکان پذیر نیست. من هم با علاقه وارد این بخش شدم و زیتون کاری را انتخاب کردم و از ۱۵ سال پیش با ثبت شرکت کشت و صنعت زیتون پرشیا این کار را شروع کردم و به شکر خدا فعالیت این شرکت همچنان ادامه دارد. در طول این سال ها ما توانستیم اقدامات خوبی در جهت افزایش کمیت و کیفیت محصول زیتون انجام دهیم و به عنوان برترین تولید کننده استان و کشور معرفی شویم.

در چند هکتار زیتون کاری دارید و چقدر برداشت می کنید؟

مساحت باغ زیتون پرشیا تقریباً ۱۶۵ هکتار است و ۴۲ هزار اصله درخت زیتون در این باغ وجود دارد که اکثر آنها از دو گونه زرد و روغنی بومی منطقه هستند. سال گذشته هم حدود ۵۰۰ تن زیتون برداشت کردیم و ۳۰ تن تولید روغن زیتون داشتیم. که البته برداشت امسال بخاطر نامناسب بودن شرایط جوی، سرمازدگی، بارش های پی در پی و بادهای گرم و عدم گرده افشانی تا حدی افت داشته است.

به جز مشکلاتی که گفتید آیا موارد دیگری هم هست که در برداشت میزان زیتون تاثیر بگذارد؟

بله، خطوط انتقال آب و لوله های آبیاری باغ فرسوده شده اند که امیدواریم با حمایت سازمان باغبانی وزارت جهاد کشاورزی این مشکل رفع شود تا مشکلی در آبیاری باغات زیتون پیش نیاید علاوه بر آن بالا رفتن قیمت نهاده های کشاورزی مثل کود، سموم و یا کیفیت پایین آنها نیز باعث افت محصول می شود.

کمی هم از بازار زیتون برایمان بگویید. گیلانی ها که حسابی زیتون خور هستند. مسافران و گردشگران هم اگر مهمان این خطه بوده و یا فامیلی در استان داشته باشند حتماً با زیتون آشنا هستند و به عنوان سوغات می خرند.

بله، همینطور است. بازار رودبار محل فروش اصلی این محصول است. و البته زیتون همیشه طرفداران خود را دارد. هرچند که متأسفانه اخیراً برخی از همشهریان رودباری که باید تعصب بیشتری به زیتون شهر و منطقه خود داشته باشند، با خرید ارزان قیمت زیتون مناطق دیگر که به کیفیت زیتون رودبار نیست، متأسفانه آن را فراوری کرده و به فروش می رسانند.

آیا محصولات باغ زیتون پرشیا به استان های دیگر هم عرضه می شود؟

سال گذشته ۹۰٪ محصولات مان را به استان های زنجان، اصفهان و چند استان دیگر عرضه کردیم و امسال هم ۱۰۰٪ محصول این باغ به استان فارس "شیراز" پیش فروش شده است که این امر نشان دهنده ی کیفیت بالای زیتون رودبار است.

به نظر تان زیتون کاران گیلان بیشتر با چه مسائلی رو به رو هستند؟

خب غیر اصولی بودن و عدم بهره گیری از علم روز کشاورزی یکی از مسائلی است که هنوز در کشاورزی ما از جمله در زیتون کاری وجود دارد. همچنین





شادی مدرسه را به محک بیاوریم

بستری بودن در بیمارستان برای هیچ کودکی خوشایند نیست. ما هر لحظه در محک به دنبال بهانه‌ای برای شاد کردن کودکانمان هستیم تا آنها هرگز فراموش نکنند که قبل از هر چیز کودک هستند. شما نیز، هر جای ایران که هستید، با هر میزان کمک، مشارکت کنید تا با تامین هزینه لوازم التحریر کودکان محک شادی رسیدن اول مهر را به آنها هدیه دهیم.



۰۲۱ - ۲۳۵۴۰



* ۷۲۰ * ۲۳۵۴۰ #



محک

مؤسسه خیریه حمایت از
کودکان مبتلا به سرطان

mahak-charity.org

شماره حساب بانک پارسیان: ۸۱۰۴۴۴۴۹
از اینکه به پیام ما توجه کردید، سپاسگزاریم.

سالم پیر شدن

شد که مقاومت کرده و حالت دفاعی به خود بگیرند و بخواهند جایگاه قبلی خود را به رخ شما کشیده یا دوباره بدان برگردند. در حالی که توان آن را هم ندارند و سرانجام ناامیدتر و افسرده شوند.

است به آنها در بدست آوردن روحیه بهتر کمک کنیم. اما چگونه؟

سالمند، کودک نیست

کارشناسان تاکید می کنند نباید با سالمندان مانند کودکان رفتار کنیم. به آنها امرو نهی نکنیم. چون گاه برخی از ما فراموش کرده ایم که سالمند ناتوانی که با او طرف هستیم شان و مرتبه خاصی دارد که در رفتار با آنها باید مراقب به خطر نیفتادن آن شان و مرتبه باشیم. در بسیاری موارد وقتی صحبت از مراقبت و نگهداری از پدر و مادر سالمندان به میان می آید، گمان می کنیم چون آنها را دوست داریم، این مراقبت بسیار ساده است. برای همین با یک نگرش سنتی با آنها که پا به سن گذاشته اند، رفتار می کنیم؛ رفتارهایی که گاهی مناسب سن والدین سالمندان (چه سالم و چه بیمار یا معلول) نیست. گاهی اوقات ما سعی داریم همان طور که از فرزندمان مراقبت می کنیم، با آنها برخورد کنیم و فراموش می کنیم که ما هرگز نمی توانیم والد پدر و مادر خود باشیم و مراقبت از آنها مهارت های خاصی نیاز دارد. نکته مهم این است که این مهارت ها آموختنی هستند اما بیشترمان این مهارت ها را بلد نیستیم و صرفا با مهر و محبت هم نمی توان این مهم را بخوبی انجام داد.

پیشنهاد بدهید نه دستور

روانشناسان می گویند اگر می خواهید به سالمندان برای شرکت در کلاس ها یا دوره ها، یا وقت گذراندن با همسالان خود، توصیه هایی داشته باشید این توصیه ها حتما باید به شکل پیشنهاد به آنها داده شود نه به شکل دستور. آزادی عمل را از آنها نگیرید و فقط آنها را تشویق و ترغیب کنید تا برنامه ریزی های جدیدی برای خود داشته باشند. تجربه نشان می دهد که دستور دادن و حکم صادر کردن برای سالمندان، آنها را افسرده و ناامید خواهد کرد و حتی باعث خواهد

گردآوری: مرسده دیلمی

یادش بخیر وقتی مادر بزرگ خسته، کسل و ناتوان با چشم های بی رمق به اطراف نگاه می کرد برای اینکه او را از حالت نگرانی بدرآورم شروع می کردم به دلداری دادن، به او می گفتم که دوران سالمندی را می گذرانند و این خود تجربه ای است که شاید برای خیلی ها پیش نیاید. به حرف هایم گوش می داد و نگاهم می کرد اما می گفت: «تو نمی دانی که من چه حالی دارم...»

بسیاری از ما با والدین یا اطرافیان سالمند روبرو بوده و هستیم. ولی براستی چقدر با شرایط واقعی و این عزیزان آشنا هستیم و چقدر می توانیم کمک شان کنیم؟ با توجه به آمار موجود، گیلان یکی از پیرترین استان های کشور است. آیا فکری برای ارایه خدمات

رسانی به این عزیزان کرده ایم. روانشناسان شایع ترین مشکلات روانی در دوران سالخوردگی را اضطراب و برخی مشکلات خلقی مانند افسردگی می دانند. از این نظر سالمندان از زمره گروه های آسیب پذیر در جامعه به شمار می آیند که لازم است در جهت کاهش افسردگی و اضطراب یاری شوند.

سایر اختلال هایی که معمولا در دوران پیری شایع می شود عبارت است از: احساس تنهایی، خستگی، استرس، تغییر در الگوی خواب و... البته همان طور که می دانید این اختلال ها غیر از بیماری های جسمانی هستند که معمولا سالخوردگان با آنها دست و

پنجه نرم می کنند. بیماری هایی نظیر ناراحتی های قلبی، دیابت، ناراحتی های گوارشی، عروقی و فشارخون... اما از بین اختلال های روانشناختی، افسردگی، به عنوان معمولی ترین مسایل احساسی و عاطفی در سنین سالمندی بروز می کند.

این موارد نشان می دهند که ما به عنوان فرزندان یا نوه ها و حتی به عنوان اطرافیان افراد سالمند لازم

انتقال حس مفید بودن

دوره سالمندی هم مانند هر دوره دیگری در زندگی دغدغه های خود را دارد. اگر به فرد سالمند کمک کنیم که از نظر ذهنی، آسودگی اینکه هنوز جایگاه قبلی، یعنی موثر و مفید بودن را دارد؛ در نتیجه از اضطراب سالمند کم شده، جایگاه خود را در مخاطره نمی بیند و دچار کاهش اعتماد به نفس نمی شود. اکثر سالمندان توانمندی های خاصی دارند. اگر به آنها این فرصت و موقعیت را بدهیم که توانایی خود را به نوجوانان و کودکان محله یا فامیل بیاموزند، احساس مفید بودن آنها را افزایش داده ایم. یا اگر مثلا می توانند به کودک ما دیکته بگویند یا در حساب ساده به آنها کمک کنند خوب است که از آنها کمک بگیریم.

زندگی والدین سالخورده با فرزندان

شاید نگهداری از سالمندان در خانه سخت باشد اما وجود خانواده از هر دارو و مسکنی برای سالمند اثربخش تر است. محبت و عشق صفا و صمیمیت، صدای افراد خانواده، غذای سفره ای که در کنار آن سالمند حضور دارد آنقدر در بهبود شرایط جسمی و روانی سالمند موثر است که قابل مقایسه با هیچ سرویس و خدمت دیگر نیست. اما این نکته مهم نافی انجام وظایف دولت و بخش خصوصی و گروه های مردم نهاد نمی شود. همه می دانیم که آنچنان که شایسته سالمندان است در جامعه مان خدمات ارایه نمی شود. آموزش مرتبط در این بخش یا وجود ندارد یا خیلی کم است و فقط زمانی ما عمق این کمبودها را حس خواهیم کرد که از نزدیک لمس کرده باشیم. امروزه صاحب نظران سفارش می کنند «سالم پیر شویم». براستی سازوکاری برای تحقق این سفارش در قوانین، در جامعه دیده شده است؟

سخن آخر

سخن آخر این که پیر شدن و کهنسالی اصلا چیز بد و منفوری نیست. بلکه مرحله خاصی از زندگی است که باید به خوبی تجربه و از آن گذر شود. افراد سالمند مانند یک صندوقچه پر از جواهر هستند. این جواهرات همان تجربه ها و داشته های معنوی و فهم و شناخت آنها از زندگی است



فرم اشتراک

روش اشتراک

لطفاً اشتراک به اضافه هزینه پستی را به شماره حساب ۰۱۰۱۸۴۴۷۴۳۰۰۵ سیبای بانک ملی و یا به شماره کارت سیبا (۶۰۳۷۹۹۷۱۰۸۴۱۲۲۲۳) یا شماره حساب بانک سرمایه ۳۷۰۱۸۰۰۰۱۱۳۷۰۵۱۰۱ و یا شماره کارت بانک سرمایه ۶۳۹۶۰۷۱۱۰۹۸۰۹۷۰۷ واریز نمایید.

نام و نام خانوادگی..... شغل..... نشانی پستی.....

کد پستی ۱۰ رقمی..... تلفن..... همراه..... پست الکترونیکی.....

اشتراک یک ساله (۶۰۰۰۰ هزار تومان به اضافه هزینه پستی ۷۵۰۰)

خوانندگان ارجمند چنانچه به همکاری با «ماهنامه اجتماعی فرهنگی گیلان فردا» علاقمند بودید می توانید مقالات خود را برایمان ایمیل فرمایید.
پست الکترونیک: guilanfarda94@gmail.com
لازم به یادآوری است مقالات درج شده در ماهنامه لزوماً دیدگاه ماهنامه نبوده و ماهنامه گیلان فردا در اصلاح و ویرایش مطالب و مقالات ارسالی آزاد است

هر روز با

گیلان امروز

www.gilan-today.com

۰۱۳-۳۳۳۳۳۵۵۲



شما هم خانواده شهید هستید؟

ماهانامه گیلان فردا- هنگام نمایش فیلم وارد سالن می شوم. دقایقی صبر می کنم تا در فضای تاریک سالن خاتم الانبیا یک صندلی خالی پیدا کنم. از وسط سالن رد می شوم و چند صندلی خالی را می بینم و روی اولین صندلی خالی ردیف پنجم یا ششم می نشینم. برنامه مربوط به اعضا جمعیت فرزندان شاهد و ایثارگر نواندیش خدمتگزار استان گیلان بوده است. با این جمعیت و اهداف آن آشنا نبوده و نیستم و صرفاً به عنوان خبرنگار به دعوتشان لبیک گفته و در مراسم شان شرکت کرده بودم. اما یک وجه اشتراک اصلی وجود داشت و آن قدردانی از شهدا و جانبازان و ایثارگرانی بود که جان و سلامتی خود را تقدیم انقلاب کرده بودند و این مهم نیازی به آشنایی قبلی نداشت. چرا که گرامیداشت هفته دفاع مقدس و زنده کردن یاد و خاطره این عزیزان حداقل کاری است که می توان به پاس رشادت های آنان انجام داد.

پخش کلیپ تمام و چراغ ها روشن می شود. نگاهی به دور و برم می اندازم. ناخودآگاه از دختر جوانی که کنارم نشسته است می پرسم «شما هم خانواده شهید هستید؟» می گوید: بله، عمویم شهید و پدرم جانباز شده اند... چند لحظه مکث می کنم و قبل از اینکه چیزی بگویم او می گوید: «مادر بزرگم هم شهید شده اند و عمه ام جانباز هستند...» می خواهم چیزی بگویم که دوباره می گوید: «دو تا از پسر عموهای پدرم نیز شهید شده اند...» می گویم «خدا قوت...» و بی اختیار یاد عزیزی از خانواده و فامیل می افتم که یا زمان انقلاب و یا در دفاع مقدس مجروح، ایثارگر، اسیر و شهید و مفقودالایر شدند... شاید هر دوی ما خیلی حرف ها داشتیم ولی در سکوت لحظاتی نگاهمان به هم دوخته شد. و ترجیح دادیم تمام احساس مان را در همان چند کلام کوتاه و چند نگاه خلاصه کنیم، فقط فامیلی اش را می پرسم، می گوید: «اسماعیل زاده...»

هرچند از آن سال ها و از آن خاطرات خوب و بد سال ها گذشته است، اما دفاع از دین و آئین و وطن و خاک و سرزمین هیچوقت کهنه نمی شود. یادشان گرامی باد...

طاهر چارویان اثر حمیدرضا شهنازی پور

هنوز چشم به راهم

ماهانامه گیلان فردا- هفته دفاع مقدس تنها بهانه ای است برای یادآوری خاطرات جنگ تحمیلی و دفاع مقدس، خاطراتی که هنوز پس از گذشت بیش از سی سال وقتی بازگو می شوند قابل تعمق هستند. طی این سال ها رزمندگان زیادی به درجه رفیع شهادت نایل آمدند و جانبازان زیادی هم با تحمل سختی و مشقت فراوان روزگار گذرانده و می گذرانند. در این بین خانواده هایی هنوز چشم انتظارند. بر اساس اطلاعات موجود در طول هشت سال دفاع مقدس حدود ۲۵ هزار نفر مفقودالایر شدند که تاکنون پیکر مطهر نزدیک به ۲۰۰۰۰ از آنها با عملیات تفحص پیدا شده است. در حالی که عملیات تفحص در خاک کشور به پایان رسیده و عملیات برون مرزی آغاز شده است.

نوشتن از شهید و شهادت و دلاورمردان و دلاورزنانی که این موقعیت را درک و جانانه از خاک وطن دفاع کردند کار راحتی نیست. بی شک کسی جز زورگویان و سودجویان از جنگ خوشش نمی آید، ولی وقتی که اتفاق بیفتد باید همت و حمیت داشت تا دشمن زبون را ناکام کرد. اما در جنگ اتفاقاتی رخ می دهد که شاید بتوان از آنها صدها فیلم ساخت و کتاب نوشت ولی باز در توصیف صحنه ها عاجز بود.

به عنوان مثال باید مادر باشی که حس کنی انتظار آمدن فرزند چه معنی دارد، حتی انتظار آمدن نشانه ای از او...

مادر که باشی شنیدن داستان واقعی غواصان بی گناه، آنچنان قلبت را می فشارد که می خواهی سر به کوه و بیابان بگذاری... مادر که باشی پس از گذشت حدود سی سال از زمانی که فرزندت رفت و دیگر برگشت باز هم چیزهایی را که دوست داشت در پستوی خانه برای او پنهان می کنی و هنوز در دل امیدواری که روزی در باز شود و او از راه برسد...

خانم فاطمه طوفانی شریفی مادر بزرگوار مفقودالایر حمید رضا شهنازی پور می گوید: «هنوز منتظر آمدنش هستم...» وقتی با او

گفت و گو می کنم خاطرات فرزندش را مرور می کند و برایم می گوید که وقتی حمید رضا پس از ۱۸ ماه در جبهه بودن در تاریخ ۶۲/۱۲/۲۲ در عملیات بدر در شرق دجله جزیره مجنون مفقود شد، ۲۳ ساله بوده است...

این مادر و هزاران مادر و پدر دیگر و خانواده های این عزیزان با افتخار از شهادت عزیزان خود صحبت می کنند و با یاد و خاطره آنها زنده اند...

می گویند که با گذشت زمان عشق فراموش می شود و با عشق، زمان... اما مادر که باشی نه تنها هیچگاه عشقت را فراموش نمی کنی بلکه این عشق مددی خواهد شد که روزگار را سپری کنی و همچون کوه در سکوت استوار بمانی...

تقدیم به همه مادران و پدرانی که ایستاده رفتند و ایستاده ماندند...



چنانچه مردان خبر ارضا

روابط عمومی
بنیاد شهید و امور ایثارگران
شماره ۴۴



روابط عمومی

بنیاد شهید و امور ایثارگران استان گیلان

حمایت و توسعه شرکتهای دانش بنیان نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت است

ماهانامه گیلان فردا - سرانجام مذاکرات هسته‌ای ایران و ۵+۱ به توافقاتی دست یافت که به گفته بسیاری از اقتصاددانان می‌تواند تأثیر عمیقی بر اقتصاد کشور از بعد مثبت و منفی بگذارد. هر چند تا بررسی بند به بند توافقات و اتخاذ نتیجه نهایی از جلسات کارشناسی برجام توسط کمیسیون مرتبط و صاحب‌نظران باید منتظر ماند. اما طی ماههای اخیر از چگونگی نقش آفرینی حوزه های مختلف در زمان بعد از تحریم که اصطلاحاً «پسا تحریم» نامیده شده است مطالب زیادی به گوش می رسد. در این بین یک سؤال مهم این است که با رفع تحریم‌ها به عنوان یکی از نتایج مذاکرات هسته‌ای، دولت چه سیاستی برای حفظ صنایع کوچک و متوسط به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان اقتصاد در بازار کشور خواهد داشت و در این میان با توجه به ضرورت اشتغالزایی آیا شرکت های دانش بنیان قادر خواهند بود به کارکرد اصلی خود دست یابند یا نه؟ در همین خصوص نظر دکتر مجید متقی طلب، رییس پارک علم و فناوری گیلان را در ادامه می خوانید.

♦ به نظر حضرتعالی نقش شرکت های دانش بنیان پس از تحریم چیست؟

- در سال ۲۰۰۷ (۱۳۸۶)، بر اساس برخی پیش بینی ها ایران در زمره ۱۱ بازار نوظهور و امید بخش معرفی شد، اما در عمل کاهش رشد ناخالص داخلی و عوارض جانبی آن نصیب اقتصاد و مردم ایران شد. در مواردی از این نوع گمانه زنی‌های مختلف انجام و تحلیل های متفاوتی در ارتباط با چرایی بروز نتایج غیر منطقی با پیش بینی ارائه می شود. در مورد موضوع گفته شده بدون شک دلایلی مانند تحریم و برخی مسایل سیاسی از جمله رایج‌ترین دلایلی است که نرسیدن به اهداف مورد نظر را توجیه می کند. در اینکه تحریم دارای تأثیر نامطلوب است، شبهه‌ای وجود ندارد، اما سوال این است که آیا امکان کاهش معنی‌دار در آثار مخرب تحریم وجود دارد یا خیر؟ اگر پاسخ مثبت است روش آن چگونه است؟ به نظر می‌رسد که پاسخ را باید در خروج از تمرکز صرف بر عوامل سنتی تأثیرگذار بر رشد اقتصادی و نیز توجه ویژه به عوامل دیگر مانند سرمایه انسانی، تحقیق و توسعه و سرمایه اجتماعی، بهره‌وری و محیط زیست جستجو کرد، که در زمره متغیرهای درون‌زا قابل تعریف بوده و قادرند سرمایه‌های نامحسوس تولید کنند. یک قالب و چارچوب مشخص و شناخته شده برای مولفه‌های بالا تصمیم سازی، تصمیم‌گیری و اجراء بر اساس شاخص‌های مغز افزار و اصول مبانی دانش است که نتیجه آن فعالیت‌های دانش محور بوده و به ساختارهای موسسات مجری آن شرکت‌های دانش بنیان اطلاق می شود. با این توصیف چنانچه هدف بهره‌گیری از تجارب گذشته بوده (که بصورت منطقی و عرفی باید اینگونه باشد) و قصد داریم تا شاهد توسعه پویا و پایدار باشیم ایجاد، توسعه و حمایت از شرکت‌های دانش بنیان و ایجاد زیرساخت‌های مورد نیاز برای اینگونه شرکت‌ها، نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت و الزام است. غفلت از این واقعیت موجب بروز خسران و عقب ماندن از عرصه رقابت های بین المللی خواهد شد.

♦ آیا شرکت های دانش بنیان که اکثراً نوپا و دارای بنیه ضعیف مالی هستند، توان رقابت با شرکت‌ها و موسسات بزرگ مشابه که در زمان پسا تحریم وارد بازارهای داخلی می شوند، را دارند؟

- در عرصه فعالیت های اقتصادی از نظر اندازه، شرکت‌ها را با یک دیدگاه می‌توان به دو گروه عمده تقسیم کرد که شامل شرکت‌های کوچک و متوسط (Small and Medium Enterprise: SME) و شرکت‌های لنگر (Anchor Company) هستند. با این دیدگاه و در یک نظام مبتنی بر علم و فناوری، نباید شاهد از بین رفتن شرکت‌های کوچک و متوسط بوسیله شرکت‌های بزرگ و لنگر شویم، چون این دو گروه می‌توانند بصورت برد-برد با همدیگر همکاری و تعامل داشته و از یکدیگر منتفع شوند (همانگونه که امروزه در بسیاری از کشورهای توسعه یافته قابل مشاهده است). حال اگر نظام مدیریتی در حوزه‌های مختلف (از جمله نظام اقتصادی) از اصول و مبانی علمی پیروی نکنند، در این حالت نکات مطرح شده در سوال اول نقض شده و بدیهی است که از یک سیستم معیوب انتظار عملکرد سازوکار تحقق تضمین کننده راهبردی و نتیجه صحیح منطقی به نظر نمی رسد. نکته مهم دیگر برنامه‌های راهبردی تضمین کننده سازوکار تحقق قابلیت‌های کلیدی و ملی است که اجرای آنها تقویت اقتصاد ملی را بدنبال خواهد داشت. در واقع قابلیت‌های کلیدی و ملی دربرگیرنده تواناییها و مزیت‌هایی است که کشور را قادر می سازد ظرفیت‌های بالقوه خود را بالفعل نموده و در مسیر پیشرفت رو به جلو حرکت کند. در این مسیر لازم است تا مجموعه نظام ضمن داشتن برنامه‌های هماهنگ، موزون و هدفمند، بگونه‌ای عمل کنند که جهت گیری کلی در راستای تقویت قابلیت‌ها و ظرفیت‌های درونی (درون زایی)، و در عین استفاده متقابل از توانمندی‌های بیرونی باشد. این بیان بصورت خلاصه همان مفهوم اقتصاد مقاومتی است که ایجاد یک اقتصاد درون‌زا، برون نگر، پویا و پایدار خواهد شد که اجرای آنها تقویت اقتصاد ملی را به دنبال خواهد داشت. در واقع قابلیت‌های کلیدی و ملی دربرگیرنده تواناییها و مزیت‌هایی است که کشور را قادر می سازد ظرفیت‌های بالقوه خود را بالفعل نموده و در مسیر پیشرفت رو به جلو حرکت کند. در این مسیر لازم است تا مجموعه نظام ضمن داشتن برنامه‌های هماهنگ، موزون و هدفمند، بگونه‌ای عمل کنند که جهت گیری کلی در راستای تقویت قابلیت‌ها و ظرفیت‌های درونی (درون زایی)، و در عین استفاده متقابل از

توانمندی‌های بیرونی باشد. این بیان بصورت خلاصه همان مفهوم اقتصاد مقاومتی است که ایجاد یک اقتصاد درون‌زا، برون نگر، پویا و پایدار خواهد شد.

♦ آقای دکتر دولت چگونه می تواند حامی شرکت های دانش بنیان باشد؟

- دولت در دو مقوله نرم افزاری و سخت افزاری می تواند حامی و پشتیبان شرکت‌های نو پا و آغاز کننده یک کسب و کار دانش بنیان باشد. در زمینه‌های نرم‌افزاری تدوین و ارائه قوانین و آیین‌نامه‌های تسهیل کننده و شفاف در امور فناوری، صنعتی، سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر، گمرک، مالیات، بازرگانی و اقتصادی، از جمله موثرترین اقداماتی است که مورد نیاز شرکت‌های نوپای کوچک و متوسط می باشد. به علاوه تدوین قوانین و مقررات صادرات و واردات هدفمند و تعریف شده همراه با دستور العمل‌های مورد نیاز در خصوص مالکیت فکری و حفظ حقوق مبتکران و صاحبان جوازهای اختراع و نوآوری، در زمره متغیر هایی هستند که به ایجاد اطمینان برای افراد علاقه مند برای ایجاد فعالیت های دانش بنیان حائز اهمیت فراوان است. در کنار حمایت های گفته شده ایجاد زیر ساخت های مورد نیاز برای انجام فرایند تبدیل ایده های علمی به محصول و متعاقب آن تجاری سازی نیز شیدای مورد تاکید بوده و از ابزار مورد نیاز برای شکل گیری، بقاء و توسعه شرکت‌های بر پایه علم و فناوری محسوب می شوند. موسسات تامین مالی و بیمه را نیز باید از زیر ساخت‌های مهم در فرآیند شکل گیری شرکت‌های کوچک و متوسط در محاسبات وارد نمود. بدیهی است که اینگونه شرکت‌ها باید با تشویق دولت (والبته حمایت‌های مورد نیاز) از طریق بخش خصوصی تشکیل شده و فعالیت کنند.

♦ شرکت‌های دانش بنیان استان گیلان چگونه می‌توانند از ظرفیت‌های موجود در کشور های حاشیه خزر استفاده نمایند؟

- کشورهای حاشیه خزر دارای ظرفیت‌های متنوعی هستند که از جمله مهمترین آنها سرمایه انسانی متخصص و کارآزموده، فناوری های پیشرفته در برخی حوزه‌ها و بازار بزرگ مصرف می باشند. به علاوه وجود اشتراکات فرهنگی، دینی، آداب و رسوم و تاریخی به همراه مرزهای مشترک خاکی و آبی از جمله ظرفیت‌هایی است که می‌توان از آنها در توسعه روابط علمی، فناوری و اقتصادی استفاده کرد. در حال حاضر برخی تشکلهای سیاسی و اقتصادی بصورت دو جانبه و چند جانبه بین کشورهای حوزه دریای خزر وجود دارند. در زمینه‌های علمی، اتحادیه دانشگاه‌های حاشیه خزر تاسیس و بصورت دوره‌ای و مقطعی جلساتی را برگزار کرده و برخی فعالیت‌ها مانند تبادل استاد و دانشجو نیز انجام می شود. با یک نگاه و ارزیابی سطحی می‌توان به این جمع بندی رسید که فعالیت‌های گفته شده بسیار ناکافی و ضعیف بوده و ظرفیت ارتقاء و گسترش تا چندین برابر وضعیت را دارد. در حوزه فناوری برخی از اقداماتی که بصورت بالقوه قابلیت اجراء دارد عبارتند از:

الف: بازاریابی محصولات شرکت‌های فناور در کشورهای مختلف.

ب: استقرار شرکت‌های فناور کشورهای حاشیه خزر در پارک گیلان و بالعکس

ج: انجام پروژه ها بصورت برون سپاری (Out Sourcing).

د: استفاده از سرمایه‌گذاران کشورهای حاشیه خزر برای اجرای طرح‌های دانش بنیان در مراحل نیمه صنعتی و صنعتی.

ه: بهره گیری از برند برخی کشورهای CIS برای صادرات محصولات تولیدی با هدف تقویت قدرت رقابت شرکت‌های مستقر.

و: برنامه‌ریزی برای Startup های مشترک با هدف ایجاد زمینه‌های ارتباطی بین نوآوران و مبتکران فعال در کشورهای دو طرف حاشیه خزر.

ز: تشکیل شرکت‌های فناور با ترکیب فناوران مستقر در پارک گیلان و پارک های کشورهای حاشیه خزر.

ح: طراحی و راه اندازی نمایشگاه‌های فناوری و تجاری سازی آنها با مشارکت پارک علم و فناوری گیلان و کشورهای CIS.

بدیهی است که اجرای پیشنهادات بالا منوط به تمهید مقدمات و پیش بینی‌های قانونی داشته و لازم است تا چارچوب موضوع از نظر مراجع سیاسی، حقوقی و غیره بطور دقیق تعیین و حدود و گستره اقدامات کاملاً تعریف شوند



استفاده از خرد جمعی و ترویج فرهنگ کار و خود باوری



مشارکت در سرمایه گذاری بخش خصوصی و دولتی با واگذاری مدیریت شده حاشیه مسیر رودخانه ها، زمینه را برای ساماندهی صنوف مختلف در نقاط خاص به عنوان بهترین نقطه برای سرمایه گذاری و ایجاد مراکز تجاری تعریف شده و خصوصاً ایجاد صدها هتل و مهمان پذیر و مراکز تفریحی با ایجاد سدهای لاستیکی در نقاط مختلف رودخانه و ایجاد فضای قایق سواری و... موجب ایجاد هزاران شغل ماندگار و بهترین نقطه برای جذب توریست از سراسر کشور شد. در حالیکه امروز همگان از نزدیک شدن به رودخانه های شهر رشت به جهت وضعیت تاسف بار آن گریزانند!

مدیریت و ساماندهی زباله شهری

مدیریت و ساماندهی زباله شهری با استفاده از آخرین فناوریهای روز دنیا جزء ضرورت هاست. زباله امروز در دنیا یک سرمایه و نعمت است ولی متأسفانه در جامعه ما به علت عدم مدیریت به یک نکتت تبدیل شده است! این مسئله با فعال سازی سرمایه گذاران خارجی و ظرفیت بخش خصوصی به راحتی قابل حل است و می توان از تکنولوژی روز دنیا مانند الگوی موجود در بسیاری از شهرهای پیشرفته جهان از جمله میندن آلمان استفاده کرد. تا دوباره کاری و هدر رفت سرمایه مانند پروژه فاضلاب شهر رشت تکرار نشود.

حمایت مستمر و برنامه ریزی شده در عرصه های مختلف

تشویق به سرمایه گذاری بخش خصوصی در هر حوزه با همکاری بخش دولتی و نخبگان بخش خصوصی برای حمایت از سرمایه گذاران خرد و کلان، مانند حمایت از مدیریت کاشت سیب زمینی در کشور آلمان که از ابتدا تاکنون در تمامی مراحل کاشت و برداشت با برنامه ریزی علمی و منظم تحت حمایت دولت است و همچنین حمایت عملی از صنایع و تولیدات در کشور چین و...

چون عدم حمایت مستمر و برنامه ریزی شده در عرصه های مختلف خصوصاً در رقابت ناسالم و رانتی بخشی از جامعه، پایه های تولید و سازندگی و ایجاد کار و درآمد را متزلزل خواهد کرد.

یکپارچه کردن کلیه خدمات شهری

فعال کردن شهرداری، نظام مهندسی، انجمن صنوف مختلف و تمامی بنگاههای اقتصادی در جهت مکان یابی، شناسایی و ایجاد شهرکهای جدید در حاشیه شهر رشت مانند گلسار که ۴۰ سال پیش با هدف سرمایه گذاری ماندگار و ایجاد فضای زندگی مناسب و جلوگیری از تراکم غیر معقول شهر ساخته شد و همچنین یکپارچه کردن و واگذاری مسئولیت کلیه خدمات شهری به شهرداری ها با هدف حذف سازمان های موازی، جزء بایدهای توسعه و کار آفرینی و جلوگیری از موازی کاری هدر رفت سرمایه ملی بوده و نهایتاً موجب ایجاد آرامش شهروندان خواهد شد که دستاورد تجربه جهانی آن در کشورهای دیگر موید این ادعاست.

بدیهی است آیندگان در مورد اثرات عملکرد ما در تصمیم سازی ها قضاوت خواهند کرد. در کشور آلمان شورای شهر و شهردار برلین برای کسانی که ۲۰۰ سال پیش شهر برلین را طوری طراحی کرده بودند که امروز هر تغییری را در شهر می توانند به راحتی ایجاد کنند، درود می فرستند! امیدوارم نسل ما هم با اصلاح عملکرد خود و استفاده از تجربه جهانی و نخبگان جامعه و خرد جمعی جهت روان سازی امور و ایجاد درآمد، آرامش، نظم، کار، سازندگی و نوع دوستی در جامعه مورد تشویق آیندگان شهر و دیارمان قرار گیرند.

باور داشته باشیم که خواستن ابتدا داناوی و سپس توانستن است.

ماهانامه گیلان فردا - طی مصاحبه چندین بار تکرار می کند «همه چیزهایی که در سال های اخیر بارها گفته ام، برای گیلان فردا بوده است. برای گیلانی که می خواهیم بهتر از امروزش باشد...»

مهندس علی مهرپور دارستانی، رئیس انجمن شرکت های تاسیسات و تجهیزات آب، گاز و مخابرات استان گیلان، پس از سالها فعالیت در این حوزه به خوبی با چالش های این بخش ها، آشناست. نسبت به مسائل شهری دلسوزانه صحبت کرده و آرزو می کند گوش شنوایی هم باشد...

وقتی با وی در مورد وضعیت نابسامان برخی از پروژه های شهر گفت و گو می کنم، به نامه نگاری های خود به مسئولان شهری، استانی و حتی بالاتر اشاره کرده و می گوید: "در تمام این مدت سعی کردم برای رسیدن به تصویر بهتری از گیلان فردا، پیشنهاد و راهکار ارائه دهم تا وضعیت استان بهبود یابد. مدیر عامل شرکت بالار نصب رشت که عضو شرکتهای مستقر در پارک علم و فناوری گیلان است، آبادگر نمونه استانی و کشوری در تمامی ارزشیابی های فصلی و دوره ای و کارآفرین برتر جشنواره کارآفرینان استان در زمینه آموزش صنعتی و... بوده و عضو اتاق فکر صنعت با دانشگاه گیلان و رئیس هیات مدیره شرکت دانش محور کاسپین نیز هست.

وی با امیدواری به اینکه در جلسات شورای فنی استان به عنوان بالاترین مرکز تصمیم گیری مرتبط استان با استفاده از خرد جمعی و تجربه جهانی تصمیماتی گرفته شود که دوباره کاری نشود، مدیریت یکپارچه شهری و توجه ویژه به آموزشهای پایه ای، توجه به مهندسی ارزش در طرح فاضلاب شهر رشت را نیز ضروری می داند. خلاصه ی نظرات ایشان در ادامه به نظرتان می رسد:

ترویج فرهنگ کار و خود باوری به عنوان یک اصل مهم

پیش نیاز پیشرفت و توسعه هر جامعه استفاده بهینه از تجارب گذشتگان، داشتن برنامه با استفاده از خرد جمعی، تشکیل اتاق فکر بالنده، تصویب قوانین طرح هادی شهر و روستا و حمایت و اجرای بدون قید و شرط آن است.

و من به عنوان فردی که تمامی عرصه های سازندگی و آموزش را بیش از ۴۰ سال تجربه کرده و در معرفی و اجرای برخی پروژه های فن آور و کارآفرین نقش داشته ام ترویج فرهنگ کار و خود باوری را یک اصل مهم دانسته و بر این باورم که توسعه سرمایه گذاری و شرط ماندگاری آن در کشور و خصوصاً در گیلان و رشت فعال کردن نخبگان، اشاعه وطن پرستی و بوجود آوردن فضای مناسب تر اجتماعی و سیاسی جامعه است...

توجه ویژه به آموزش پایه ای و مهارت و ایجاد اشتغال

ملازم کردن آموزش و پرورش به انجام آموزش های اجباری پایه ای زبان های خارجی خصوصاً زبان انگلیسی و کامپیوتر از مهد کودک و دبستان تا دانشگاه، تقویت آموزش های فنی و حرفه ای و مهارتی با استفاده از فناوریهای نوین جهان از جمله آموزش نمونه سازی سریع و سیستم عامل لینوکس، جدی گرفتن آموزش های صنعتی کارشناسی شده منطبق با نیاز روز صنعت و جامعه برای پر کردن خلاء بین مهندس و کارگر ساده، تقویت ارتباط صنعت و دانشگاه بعنوان یک ضرورت اجتناب ناپذیر و فراموش شده توجه شده و با طرح همکاری قانونمند هر دانشگاه با حداقل ۵۰ بنگاه اقتصادی و تولیدی دنبال شود تا در این مسیر دانشجویان هم زمان با آموزش تئوری عملاً با فرهنگ کار آشنا شوند که نهایتاً منجر به پرورش نیروی انسانی ماهر، مسئولیت پذیر و فارغ التحصیل خودباور و متخصص برای تضمین ماندگاری سرمایه گذاری شده و زمینه ایجاد کار و اشتغال پایدار فراهم گردد. چون بدون آماده سازی این پیش نیازها و عدم تربیت نیروی انسانی کارآمد نمی توانیم شاهد توسعه کارآفرینی باشیم.

سرمایه گذاری در حاشیه رودخانه های شهر رشت

وجود رودخانه ها در داخل شهر برای هر نقطه از دنیا یک نعمت الهی محسوب می شود. ولی رودخانه های گوه رود و زرجوب رشت که روزگاری نام زر و گوهر بر آن بود، با گسترش شهر و هدایت فاضلاب های صنعتی، بیمارستانی و خانگی به آن متأسفانه به آلوده ترین رودخانه های جهان تبدیل شده و محیط زیست را با خطری جدی روبرو ساخته است. اما می توان با استفاده بهینه از تجربه جهانی مانند شهرهای حاشیه رودخانه های دانوب، سن، راین، پاریس، فرانکفورت و... شهر رشت را نیز با مدیریت و هم اندیشی و اقدام کارشناسی شده به جلوه ای از زیبایی و طراوت و زندگی تبدیل کنیم. پیشنهاد می شود با فعال سازی بخش دولتی و بخش خصوصی و تشکیل نهضت نجات رودخانه و متعاقب آن تالاب انزلی که یک ضرورت انکار ناپذیر است، با جلب حمایت دولت و آزادسازی ضربتی حریم رودخانه ها و ایجاد جاده دسترسی در طرفین رودخانه ها و لوله گذاری در حاشیه طرفین آن و جلوگیری از نفوذ فاضلاب به رودخانه ها و هدایت آن به تصفیه خانه فاضلاب در نقطه ای مناسب، در مرحله اول طراوت و شادابی و محیطی پاک و سالم برای زندگی را با رفع آلودگی رودخانه ها به شهر بازگردانیم.

و سپس با توجه به اینکه حاشیه رودخانه های ساماندهی شده در هر نقطه از شهرهای جهان بهترین مراکز تفریحی، گردشگری، تجاری و با ارزشترین مکان برای زندگی است، با جلب

نشست کتاب خوان را به یک سنت تبدیل کنیم

کتاب هایمان را به اشتراک بگذاریم



مختلف در خواندن کتاب های گوناگون است تا خسران بزرگ جامعه امروزی بابت نخواندن کتاب و غافل بودن از این مقوله مهم درک شود. وی بیان می کند: نشست کتابخوان به تاسی از کلام معصوم و اشاره به این مطلب که یک ساعت تفکر بهتر از هزار ساعت عبادت است، از مصادیق بارز سنت حسنه است که با رویکرد تذکر به تفکر، تحمل، یاددهی، یادگیری، هم نشینی، هم گفتنی و هم شنیدنی و در راستای درک واقعی از کلام پروردگار در جهت تقویت و تسری جریان تعلیم و تعلم و آموختن متولد شده است. مدیرکل کتابخانه های عمومی استان گیلان، کتاب خوان را هنر هدیه دادن در انتخاب نوع و تناسب آن با هدیه گیرنده ارزیابی می کند و می گوید: چه چیزی بهتر از کتاب برای جمع کتابخوان، از این منظر هم طرح کتابخوان هدیه ارزشمندی است که از سوی نهاد کتابخانه های عمومی کشور در جهت ایجاد بستر انس و محبت در خانواده بزرگ کتابدار و اهالی فرهنگ فراهم شده است که انشاءالله ثمرات و



ماهنامه گیلان فردا - استقبال خوب از برگزاری چند نشست کتاب خوان در مرداد و شهریور امسال در استان گیلان که با حضور جمعی از علاقمندان به کتاب و کتابخوانی و مشارکت کتابداران، نویسندگان، اهالی رسانه و مسئولین کشوری و استانی انجام شد نوید بخش ترویج کتابخوانی و زنده کردن فرهنگ مطالعه بوده است. در واقع به اشتراک گذاشتن خلاصه ای از کتاب های خوانده شده با دیگران فرصت مغتنمی بود تا ضمن تبادل تجربه، هر چند کوتاه با کتاب های دیگر آشنا شویم.

حضور گسترده مردم در نشست کتابخوان نشاندهنده علاقه گیلانیان به کتاب خوانی و مطالعه است

امین متولیان، معاون برنامه ریزی، پژوهش و فناوری نهاد کتابخانه های عمومی کشور حضور پرشور و گسترده علاقمندان به کتاب و کتاب خوانی را بسیار با ارزش می خواند و با دعوت از مسئولین دستگاههای اجرایی، نهادهای و عموم مردم برای شرکت در این محافل فرهنگی می گوید: کتابخوان نشستی صمیمانه با هدف

معرفی و به اشتراک گذاری کتابهای مفید و تبلیغ و ترویج کتابخوانی در فضای عمومی کشور است که به همت نهاد کتابخانه های عمومی کشور مقرر شده به شکلی سازمان یافته و ادواری در گوشه و کنار کشور برگزار شود. خوب است تلاش کنیم با همکاری مردم و مسئولین این رویداد فرهنگی مهم به یک سنت تبدیل شود.

متولیان با قدردانی از دست اندرکاران برگزاری نخستین نشست کتاب خوان در استان گیلان، حضور گسترده مردم در این دوره را نشاندهنده علاقه گیلانیان به کتاب خوانی و مطالعه می داند. «نشست کتاب خوان» هدیه ارزشمندی است که گیلانیان هم میزبان آن هستند. امیر حمیدپور، مدیرکل کتابخانه های عمومی گیلان نیز نشست کتابخوان را برگرفته از منویات و تاکیدات رهبر فرزانه انقلاب دانسته و می گوید: این کار از اقدامات مبارک نهاد کتابخانه های عمومی کشور در دوره مدیریت جناب آقای مختارپور و با هدف به اشتراک گذاری تجربیات افراد

پروفسور جعفر مهرداد:

ترویج مطالعه در میان کتابداران و کارکنان کتابخانه ها

به گزارش روابط عمومی نهاد کتابخانه های عمومی کشور، پروفسور جعفر مهرداد، چهره ماندگار علمی کشور و استاد برجسته رشته کتابداری (علم اطلاعات و دانش شناسی) ضمن اظهار خرسندی و استقبال از اجرای طرح کتابخوان (که از این پس به صورت ادواری و با هدف ترویج کتابخوانی از سوی نهاد کتابخانه های عمومی کشور برگزار می شود)، فعالیت های نهاد را در دوره جدید قابل تحسین دانست و برای همکاران مجموعه موفقیتی روزافزون خواستار شد. وی گفت: افراد از اوان کودکی با توجه به تربیت و پرورشی که پیدا می کنند به مطالعه علاقه دارند و با کتاب زندگی می کنند. شاید این زندگی با کتاب، ناشی از احساس دائمی و نیاز به اطلاعاتی باشد که افراد انسانی در جوامع مختلف به طور روزمره تجربه می کنند.

وی گفت: اگرچه مطالعه و کتابخوانی به گروه خاصی تعلق ندارد، اما مطالعه و کتابخوانی کتابداران، در جهت شناخت بیشتر آثار موجود در مجموعه، از انواع دیگر مطالعات اهمیت بیشتری دارد. و برگزاری این سلسله نشستها با اجتماع کتابداران، نویسندگان و اهل قلم نشان دهنده مسئولیت نهاد کتابخانه های عمومی است و از این طریق می خواهد کتابداران (و عموم مردم) را به مطالعه و تحقیق پیرامون کتابهای منتشر شده ترغیب کرده و حاصل تلاش های صورت گرفته را در معرض کاربران کتابخانه های عمومی قرار دهد و فرهنگ جامعه را به پویایی و بالندگی برساند

پیرگزارش نشست کتاب خوان در استان گیلان

زهرآ بدن آرا، معاون اداره کل کتابخانه های عمومی استان گیلان نشست ملی کتاب خوان را عنوان نشستهایی به منظور به اشتراک گذاری کتابهای خوانده شده و با هدف ترویج و تبلیغ مطالعه در قالب معرفی کتاب عنوان کرد و افزود: با توجه به استقبال بسیار خوب علاقمندان به کتاب و مطالعه در استان گیلان، ۲۵ نشست کتاب خوان دیگر نیز تا پایان سال در استان برگزار خواهد شد. و علاقمندان برای شرکت در این سلسله نشستها می توانند با مراجعه به پایگاه اطلاع رسانی اداره کل کتابخانه های عمومی استان گیلان، به نشانی WWW.GILANPL.IR برای حضور و به اشتراک گذاری کتاب های خوانده شده خود، در سامانه نشست کتاب خوان ثبت نام کنند. (گفتنی است حضور در این سلسله نشستها برای کلیه علاقمندان به کتاب و مطالعه آزاد است.)

قانون اصلاح قانون مالیات های مستقیم؛ بیم ها و امیدها

ماهنامه گیلان فردا -

، برقراری معافیت های مناسب برای سرمایه گذاری به ویژه در مناطق کمتر توسعه یافته ، ساده سازی برخی مقررات و اصلاح فرآیند رسیدگی ، کاهش مالیات حقوق کارمندان و رفع تبعیض بین کارمندان دولت و بخش خصوصی و افزایش حد نصاب اعمال محدودیت ممنوع خروجی از نکات مثبت این قانون اصلاحی است . اتاق بازرگانی ، صنایع ، معادن و کشاورزی ایران ، اتاق اصناف و اتاق تعاون به عنوان نمایندگان بخش خصوصی و تعاونی ، ضمن قدردانی از دولت و مجلس محترم برای وجوه مثبت این قانون و استقبال از افزایش شفافیت در اقتصاد کشور و برقراری عدالت مالیاتی برگرفته از آن ، لازم می دانند نکاتی را که می تواند موجب بروز مشکل جدی در جریان اجرای این قانون گردد تذکر دهند .

۱- شالوده اصلاحات به عمل آمده در قانون مالیات های مستقیم مبتنی بر استقرار " نظام جامع اطلاعات مالیاتی " است. استقرار این نظام که از مهمترین ضرورتها و زیر ساخت های مالیات ستانی عادلانه است سالیانه به تعویق افتاده است. اجرای این قانون اصلاحی در حالی آغاز می گردد که به سازمان امور مالیاتی زمانی سه ساله برای اجرای " نظام جامع مالیاتی " داده شده است و در این دوره سه ساله ، نحوه رسیدگی مانند سابق خواهد بود . افزایش اختیارات سازمان امور مالیاتی در دسترسی به اطلاعات اشخاص ، در کنار برقرار ماندن شیوه پراچاف و ایراد " تشخیص علی الرأس " می تواند پدیده متمیز سалاری را به اوج خود برساند و مؤدیان را با چالشی بی سابقه مواجه کند . ضروریست که دسترسی و استفاده از اطلاعات مؤدیان برای تشخیص مالیات ، صرفاً " در زمانی که " نظام جامع اطلاعات مالیاتی " مستقر و شیوه رسیدگی سیستمی جایگزین روش موجود گردد ، مجاز باشد .

۲- یکی از پایه های نظام سالم و عادلانه مالیاتی ، ضریب بالای سلامت اداری در سازمان امور مالیاتی و متصدیان تشخیص و وصول مالیات است . اصلاحات قانون مالیات های مستقیم اقتدار بی سابقه ای را به سازمان امور مالیاتی کشور بخشیده است. این اقتدار در کنار یک سازمان شفاف و سالم قطعاً " می تواند بستر خوبی برای برقراری عدالت مالیاتی باشد . اگر سلامت و شفافیت متناسب با اقتدار سازمان افزایش یابد ، تضییع حقوق دولت و فشار ناصواب به فعالین صحیح العمل و اخلاق مدار اقتصادی اتفاق نخواهد افتاد .

۳- علیرغم نظر صریح مقام معظم رهبری مبنی بر تقویت رقابت پذیری اقتصاد کشور که مستلزم برچیده شدن رقابت نابرابر بین بخش خصوصی و بخش عمومی غیر دولتی از جمله بنیاد ها و نهاد ها خواهد بود ، حکم مندرج در این قانون اصلاحی از استحکام مورد انتظار برخوردار نیست . انتظار می رفت در شرایطی که بر اساس منویات معظم له کشور باید به وسیله مالیات اداره شود ، این موضوع مهم با متن متقن و محکمتری در قانون درج می شد تا امید و اطمینان را در فعالین اقتصادی کامل نماید .

۴- جرائم تعریف شده در این قانون و مجازات های مربوطه بسیار سختگیرانه و غیر منطبق با فرهنگ مالیات ستانی و مالیات دهی کشورمان است . این ایراد به ویژه تا زمان اجرای نظام جامع اطلاعات مالیاتی می تواند شرایط بغرنجی را متوجه فعالان اقتصادی کند و بغض و نارضایتی را جایگزین همراهی مسئولانه مؤدیان کند و شایسته است در این بخش از قانون هر چه سریعتر تجدید نظر گردد . در پایان از دولت محترم تقاضا دارد که ضمن توجه به نکات فوق الذکر ، برای توفیق در اجرای قانون اصلاح قانون مالیات های مستقیم ، در یک دوره انتقالی با تلاش مجدانه در آموزش و توجیه مؤدیان مالیاتی ، به زیر چتر مالیات آوردن اقتصاد زیر زمینی و بخش مالیات گریز اقتصاد کشور را اولویت اول خود قرار دهد و از سوی دیگر تساهل و تعامل را با مؤدیان کنونی مالیاتی تا زمان استقرار کامل نظام جامع اطلاعات مالیاتی افزایش دهد. لازم به تأکید است که فعالان اقتصادی انتظار دارند اتاق ها به عنوان نمایندگان آنها در جریان تدوین آئین نامه های این قانون نیز به طور مؤثر حضور یابند و این مهم توجه ویژه دولت محترم را می طلبد .

قانون اصلاح قانون مالیاتهای مستقیم یکی از مباحث مهم و روز جامعه ما است، خصوصاً که با ابلاغ رئیس جمهور و به منظور شفافیت فعالیت های اقتصادی، بانک ها و موسسات مالی و اعتباری موظف شدند، اطلاعات مربوط به جمع گردش و مانده سالانه انواع حساب های بانکی اشخاص حقیقی و حقوقی را در اختیار سازمان امور مالیاتی قرار دهند. هر چند مدیرکل اعتبارات بانک مرکزی به مردم اطمینان داد هدف از اجرای قانون اصلاح مالیات های مستقیم، سرک کشیدن به حساب های سپرده گذاران نیست بلکه قانونگذار و دولت به دنبال ایجاد شفافیت بیشتر در فعالیت های اقتصادی کشور است، اما این اقدام منتقدان زیادی دارد. از سوی دیگر قانون اصلاح قانون مالیاتهای مستقیم زوایای پنهانی هم دارد که هنوز بسیاری از آنها برای مؤدیان کاملاً روشن نیست.

با این همه پرداخت مالیات وظیفه ای ملی است و در خیلی از کشورها همگان این وظیفه را انجام می دهند، اما چرا در کشور ما بسیاری از افراد حقیقی و حقوقی از پرداخت مالیات فرار می کنند؟ به اعتقاد صاحب نظران در کشورهایی که مردم به وضوح می بینند این مالیات ها صرف ایجاد رفاه بیشتر برای آنها می شود و در عین حال وقتی بررسی می کنند متوجه می شوند هیچ فرد یا شخصی بی جهت و بدون ضابطه معاف از مالیات نشده است، خیلی راحت تر این کار را انجام می دهند. کارشناسان می گویند از نظر مالیاتی با تحولی مواجه هستیم که عاقبت آن چندان معلوم نیست، شما چه فکر می کنید؟ به نظر می رسد بررسی موضوع به جهات مختلف و اظهار نظر از

سوی صاحب نظران ضروری است. در همین رابطه و برای آرایه اطلاعات بیشتر دکتر هادی تیزهوش رییس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان گیلان در خصوص « قانون اصلاح قانون مالیاتهای مستقیم » دیدگاه های اتاق های بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی سراسر کشور را در اختیار ماهنامه گیلان فردا گذاشتند که در ادامه می خوانید. گفتنی است در شماره های آتی ماهنامه گیلان فردا معایب و محاسن این قانون از سوی اساتید و کارشناسان بررسی و به نظراتان خواهد رسید.

بیان دیدگاه های اتاق های بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کشور

بازنگری در قوانین اقتصادی از ضرورت هایی است که متناسب با تغییرات و تحولات محیط کسب و کار و رویکرد های آینده نگارانه کشور باید در دستور کار قوای مجریه و مقننه قرار گیرند. قانون مالیاتهای مستقیم نیز از جمله مهمترین قوانین کسب و کار است که لایحه اصلاحی آن پس از قریب به یک دهه از آخرین اصلاحات انجام شده در قالب برنامه تحول نظام مالیاتی کشور با طرح اهدافی چون دستیابی به رشد پایدار توأم با عدالت اقتصادی، کاهش اتکالی بودجه به درآمد های حاصل از نفت و گاز و پیش بینی تغییرات قانونی لازم برای اجرای طرح جامع اطلاعات مالیاتی توسط دولت دهم ، تقدیم مجلس شورای اسلامی شد .

با وجود آنکه در هنگام تدوین لایحه مزبور از نظرات نمایندگان بخش خصوصی و تعاونی استفاده نشده بود و تصویر منسجمی از چگونگی نیل به اهداف کلی ابرازی در آن لایحه به چشم نمی خورد ، اتاق ها در راستای وظایف خود توانستند با جدیت و پیگیری های مستمر سه سال گذشته دیدگاه ها و پیشنهاد های اعضای خود را از طریق قوه مقننه و دولت محترم یازدهم مطرح و در حد امکان در فرآیند بررسی و تصویب لایحه اثر گذار باشند .

قانون اصلاح قانون مالیات های مستقیم حاوی مقرراتی است که زمینه مناسبی را برای شفافیت بیشتر اقتصاد کشور و جایگزینی نظام پراچالش و معضل سالیاری با نظام کنترل سیستمی و مبتنی بر ریسک فراهم خواهد آورد. برچیدن روش تشخیص علی الرأس ، حذف مالیاتی تکلیفی



مدیرعامل آب منطقه ای گیلان در اولین جلسه هماهنگی دشت پایلوت گیلان :

منابع آب زیرزمینی کشور با کسری ۱۱۰ میلیارد متر مکعبی روبرو هستند

ماهانامه گیلان فردا -

در حال حاضر در کشور با حدود یکصد و ده میلیارد متر مکعب کسری مخازن آب زیرزمینی روبرو هستیم و... به گزارش دفتر روابط عمومی آب منطقه ای گیلان اولین جلسه هماهنگی ستاد دشت پایلوت گیلان با حضور مهندس آقابگی رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت آب منطقه ای همچنین فرمانداران شهرستانهای رضوانشهر و تالش و نیز نمایندگان دستگاههای اجرایی و برخی تشکلهای همچون خانه کشاورز برگزار شد. در این جلسه مدیرعامل آب منطقه ای گیلان با بیان اهداف گفت: می بایست همگام با برنامه های دولت تدبیر و امید پیرامون وضعیت آب در کشور، در استان گیلان نیز اقدامات لازم و اثرگذار صورت پذیرد.

وی افزود: در حال حاضر در کشور با حدود یکصد و ده میلیارد متر مکعب کسری مخازن آب زیرزمینی روبرو بوده که این موضوع شرایط خاصی را برای کشور ایجاد کرده است که از آثار و پیامدهای آن می توان به خشک شدن منابع آبی موجود در بخشهای کشاورزی، کاهش منابع آب شرب و تأثیرات پدید آمده در اکوسیستم آبی، جانوری و گیاهی نقاط مختلف کشور همچنین نشست زمین و ایجاد فروچاله ها در مرکز و غرب کشور که موجب آسیب به زیربناهای توسعه مانند خطوط ریلی، تأسیسات آب و برق شده اشاره کرد.

مدیرعامل آب منطقه ای گیلان ادامه داد: یکی دیگر از نمونه های پیامدهای ناگوار آسیب به منابع آب زیرزمینی دریاچه ارومیه است که به عنوان اولین نقطه تمرکز دولت در اصلاح وضعیت منابع آب محسوب شده و متأسفانه نه تنها دریاچه ارومیه بلکه دریاچه های دیگری در کشور نیز به خاطر عدم بهره برداری صحیح از منابع آب زیرزمینی چنین وضعیتی دارند. رئیس شورای مدیران ارشد صنعت آب و برق گیلان با اشاره به تغییرات صورت گرفته در بیان آبی کشور گفت: ۱۴ سال است خشکسالی را تجربه می کنیم و بر اساس پیش بینی ها قریب به ۱۶ سال دیگر نیز این روند ادامه دارد. بنا بر یک الگوی بین المللی می بایست از ۴۰ تا ۵۰ درصد منابع تجدید پذیر آب در کشور استفاده کرد که متأسفانه در حال حاضر این رقم چیزی معادل ۸۰ تا ۸۵ درصد است

شورای عالی آب کشور برگزار و این در حالی است که در تمامی دولتهای گذشته تنها ۷ جلسه تشکیل شده و این نشان از عزم جدی دولت برای ساماندهی امور آب با محوریت وزارت نیرو دارد. مدیرعامل آب منطقه ای گیلان ادامه داد: برنامه ریزی ها حول این محور است که هر ساله ۵ تا ۶ میلیارد متر مکعب کسری منابع آب زیرزمینی جبران شود تا طی ۵ سال با تأمین ۳۰ میلیارد متر مکعب موازنه منفی آبهای زیرزمینی کمی اصلاح شود در این راه برای تمامی استانها برنامه ریزی و دشتهای پایلوت مشخص و تکالیف تعیین شده تا دستگاههای اجرایی و ارگان های ذیربط بتوانند در کنار هم به نجات آب کمک کنند. در استان گیلان هم



با توجه به تعداد چاههای زیادی که به نسبت مساحت در دشت تالش حفر شده این منطقه به عنوان دشت پایلوت گیلان در نظر گرفته شده است.

مهندس آقابگی در انتها گفت: باید شرایطی که طی دو سال اخیر در گیلان تجربه شد تغییر کرده و لازم است در کنار هم به نحوی اقدام کنیم که با استفاده از شرایط موجود اصلاح مناسب وضعیت آبی نیز صورت پذیرد و برای اینکه شرایط بهبود یابد باید حد فاصل نیاز و عرضه رصد شده و اقدامات جبرانی مناسب به کار بسته تا ضمن تأمین نیازهای اقتصادی مردم منطقه سطح مصارف ساماندهی شود و در ادامه و در مسیر مدیریت جامع نتایج حاصله از اقدامات در دشت پایلوت به سراسر استان تعمیم داده شود.

و به علت شرایط اقلیمی در کل کشور از ۶۰ درصد منابع ارزشمند آب زیرزمینی برای مصارف روزمره از جمله کشاورزی که بیشترین استفاده را دارد بهره گرفته می شود. مهندس آقابگی افزود: تحقیقات مشترک دو وزارت خانه نیرو و جهاد کشاورزی نشان دهنده این است که غالب نقاط کشور در تقسیم بندی دشتهای ممنوعه یا آزاد ممنوعه قرار گرفته که به لحاظ تأمین ورودی ها و یا جبران برداشتها هر ساله در آن شاهد بیلان منفی آب هستیم و از طرفی در آن استعداد تولید محصولات بسیار بالاست بدین خاطر لازم است تا تدبیر اساسی اندیشیده شود و خوشبختانه دولت یازدهم کار بزرگی را آغاز کرده که طی سالهای اخیر بی سابقه است. به جهت اهمیت موضوع از آغاز به کار دولت محترم تا کنون بیش از ۱۹ جلسه





NOOSHEEN

نوشین

بنیانگذار صنعت کلوچه و کوکی در ایران

لاهیجان ، شهرک صنعتی

تلفن ۶ - ۰۱۳۴۲۲ ۹۴۱۷۰ ، فکس ۰۱۳۴۲۲ ۹۴۱۷۷

Internet: www.noosheen.com

Email: customerservice@noosheen.com



تا رسیدن به اندام ایده آل خود
تنها چند ساعت فاصله دارید!



Skin & Beauty
Center

مرکز پوست
و زیبایی

ارشان

دکتر معصومه شعبانی
دارنده مدرک زیبایی از کانادا و استرالیا

الجام پیکرتراشی
با دستگاه بادی جت
در کلینیک پاستور



●● **body-jet®**
made in germany
the gentle way of liposuction

ایمن ترین و موثرترین روش پیکرتراشی در
درمان چاقی با تکنولوژی **Water - Jet**
ظرافت نتیجه سریع بدون درد و خونریزی
درمان موثر بدون بازگشت
حداقل زمان استراحت بعد از عمل (۴ ساعت)
برداشتن چربی با کمترین آسیب به بافت چربی
و قابلیت تزریق مجدد و گرافت چربی به نواحی
دلخواه شما، صورت، سینه، باسن، ساق پا و ...

رشت . چهارراه گلزار . خ نواب . کوچه آبان . ساختمان ارشان . طبقه ۳ واحد ۷
تلفن : ۰۸۲۹-۱۱۳۳۱۱۰۳۳-۰۱۳ همراه : ۰۹۳۵۱۳۱۰۵۴۲



DANIANIA

Digital Dentistry
Laser & CAD/CAM

کلینیک تخصصی دندانپزشکی دیجیتال دانا

دارای بورد تخصصی ارتودنسی
عضو هیات علمی دانشگاه
عضوانجمن متخصصین ارتودنسی
ایران و آمریکا
درمان مشکلات فکی کودکان و نوجوانان
درمان ارتودنسی با سیستمهای مدرن
و... Damon, MBT

دکتر سارا ضیایی
متخصص ارتودنسی و زیبایی

Dr. Sara Zvaei
Orthodontist & Cosmetic Dentistry

بورد تخصصی پروتز و ایمپلنت
عضو هیات علمی دانشگاه
عضو تیم بین المللی ایمپلنتولوژی (ITI)
فلوشیپ ایمپلنت از سوئیس
فلوشیپ لیزر از انگلستان
دوره پیشرفته CAD/CAM
عضو آکادمی دندانپزشکی زیبایی
آمریکا (AACD)

دکتر دانش تیموری
متخصص پروتز و ایمپلنت

Dr. Danesh Teimouri
Prosthodontist & Implantologist

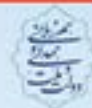


رشت، چهارراه گلزار، ساختمان پزشکان دانا، طبقه ۱۱
۳۳۱۱۳۰۳۰
www.danadentalhome.ir info@danadentalhome.ir



PROCESSING AND MANUFACTURING

پارک علم و فناوری کیلان



افتتاح فاز اول

تولید فرآورده های سلولزی از پسماندهای کشاورزی

با ظرفیت سالانه ۱۵ هزار تن در سال

این پروژه با اعتبار ۴ میلیارد تومان بخش خصوصی آماده و بزودی افتتاح خواهد شد



شرکت گروه فناوریان پیتا خذر

